

سوره سینما

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری - شماره ششم مرداد ۱۳۹۶

همه آرای سینمایی رهبر معظم انقلاب

پای سیاست قوی گفشی فرهنگ

پرچم باشگاه فیلم سوره بالاست

برگزاری بزرگداشت استاد مجید انتظامی

بدرود، حبیب سینمای ایران

پخش ۹ فیلم توسط

موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز



کارگر ساده نیازمندیم

تهیه کننده: منوچهر هادی
کارگردان: منوچهر هادی
نویسنده: پدram کریمی
بازیگران: آتیلا پسیانی، یکتا ناصر، سحر
قریشی، سیامک صفری، بهرام افشاری، سیروس
همتی، مجید اصغری، مهرن احمدی، مهدی محرابی



بیست و یک روز بعد

تهیه کننده: محمدرضا شفا
کارگردان: سید محمدرضا خردمندان
نویسنده: سید محمدرضا خردمندان
احسان تقفی
بازیگران: ساره بیات، حمیدرضا آذرنگ، امیرحسین
صدیق، سینا رازانی، جلال فاطمی، مهدی
قربانی، حسین شریفی



زیر سقف دودی

تهیه کننده: پوران درخشنده
کارگردان: پوران درخشنده
نویسنده: پوران درخشنده
بازیگران: فرهاد اصلانی، مریلا زارعی، بهنوش
طباطبایی، شهرام حقیقت دوست، حسام نواب
صفوی، آریتا حاجیان، ابوالفضل میری، لاله مرزبان



فیلشاه

تهیه کننده: حامد جعفری
کارگردان: هادی محمدیان



فیلم های سینمایی «زیر سقف دودی»، «کارگر ساده نیازمندیم»، «بیست و یک روز بعد»، «قهرمان کوچک»، «فصل نرگس»، «پری دریایی»، «فیلشاه»، «شهری که نمی خوابد» و «رهایی از بهشت» امسال توسط موسسه بهمن سبز عرضه و اکران می شوند

با ما همراه باشید

 bahmansabz_ir

 Bahmansabz_ir

وَاللَّهُ

فهرست

رویدادها	۴
بازتاب؛ همه آرای سینمایی رهبر معظم انقلاب	۱۲
گزارش؛ درجه بندی سنی فیلم ها، فیلم های هنجارشکن	۱۵
گفتگو؛ تهیه کننده و کارگردان بیست و یک روز بعد رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری	۳۲
گزارش؛ دهه کرامت و سینماگران	۴۲
دراستان	۴۵



خبرنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری
شماره ششم مرداد ماه ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: سازمان سینمایی حوزه هنری
مدیرمسئول و سردبیر: یزدان عشیری
مجری طرح: آرش رمضانیان

تحریریه: ابوالفضل ذوالفقاری، امید عشریه،
تینا جلالی، راحله خدایی، نرگس ساجد

صفحه آرای: مانی گرافیک

با سپاس از فاطمه پزشکی، حامد نیکومرام،
محمد علی حیدری، بهادر زارع

روی جلد: پوستر بزرگداشت مجید انتظامی

تلفن: ۸۸۹۱۸۱۲۸-۸۸۸۰۹۵۰۷

آدرس: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ
ساختمان حوزه هنری، طبقه چهارم، سازمان سینمایی حوزه هنری

«سوره سینما» پایگاه خبری تحلیلی سینمای ایران:
www.sourehcinema.ir

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران
www.sourehcinema.com/Default.aspx

صفحه اینستاگرام «سوره سینما»
[instagram.com/sourehcinema](https://www.instagram.com/sourehcinema)

کانال تلگرام روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری
[@sourehcinema_com](https://t.me/sourehcinema_com)

«کانال تلگرام «سوره سینما»
[@sourehcinema](https://t.me/sourehcinema)

دلنوشته ای برای شهید «حججی» در زمان فقدان مردان بزرگ ناگهان طلوع کردی

محسن جان! تو در نماز عشق چه خواندی؟ نگاهت آتش مان زد بچه هیاتی؛ با آن قامت کشیده و مغرور گویی، به سمت قله می روی، که به یقین، به سمت قله بی گمان، تو از سلاله درختانی، اساساً، شهید از سلاله درختان است. اینک، که این همه عظمت و خلوص و بزرگی را در وجنات و رفتارت دیدیم باور داریم که مرگ های حقیر برای امثال شماها خیلی کم و ناچیز است. مردن در منجلاب روزمرگی، مردن در تختخواب، مردن در ته کشیدن برای شهدا خیلی کم است. معانی متعالی هستی در وجودتان، جوهره تان و اندیشه تان بالنده می شود و انقدر بزرگ می شود که این تن و جسم طاقت تحملش را ندارد. برای شما شهادت گوار است.

محسن جان! بی انصاف، تو با ماها چه کردی؟ با ما خواب الودگان اسیر روزمرگی و حقارت چه کردی برادر؟ بچه هیاتی! راز این همه معجزه وجودی ات چیه؟ چگونه با این سن کم این حجم از عظمت و بزرگی را در وجودت پرورش دادی؟ اوج گرفتی و تا انتها رفتی. تاب بی نهایت، تا ملکوت آسمان و درک ما خاکیان کوتاه تر از این ارتفاع بیکران است.

آنگاه که کرکس ها و گفتارها دوره ات کرده بودند و برق شمشیرها و قمه های تیزشان را به رخت می کشیدند تو با کدام نور حشر و نشر داشتی؟ و تا کجا سیر و سلوک داشتی؟ چه جاذبه ای تو را از خود بی خود کرده بود برادر؟ در زمانه فقدان مردان بزرگ تو ناگهان طلوع کردی و پا به پای شهیدان بزرگ تاریخ اوراق مکررات را پاره کردی و دور انداختی و افق های جدید را نشان مان دادی.

باور کن برادر، این سیم خاردار کلمات قدرت بیان اعجاز تو، صفا و زلالی تو را ندارند. بدبخت تر از آن اند که از وصف تو برآیند. زبان، در اینجا، کمیتش لنگ است. در حصارها و چارچوب ها گرفتار است و قدرت جولان در آن بالا بالاها را ندارند و تو فراتر از سطح پست روزمرگی و در یوزگی محنت های حقیر زندگی پر گشودی و رفتی. بسان مولایت ثارالله.

بچه هیاتی! بدجوری ماها را سوزاندی، و ما با این همه شرمندگی چه کنیم؟ تو با آن سن کم و روح بزرگت درسی به ما، نسل ما و تاریخ ما دادی که قرن ها افسانه اسطوره جوان راست قامت و پرغرور را در سرزمین های دور در شعاع نورانی حرم حضرت زینب (س) سینه به سینه نقل خواهند کرد.

می گویند وقتی به طواف نور می روی قبله گاه تو خورشید می شود. و تو محسن جان بر گرد خورشید طواف کردی، به طواف نور رفتی و به شمع فروزانی بدل شدی برای روشنی و گرمی ما.

بعد از ۱۴۰۰ سال یکبار، دیگر تو صحرای کربلا را برای مان زنده کردی، تاریخ عاشورا را دوباره ساختی، خاطره و یاد ابا عبدالله را تجسم بخشیدی. تو در کدام مکتب آموختی این همه بزرگی را تو در نماز عشق چه خواندی؟ ای شهید عزیز

شک ندارم که از سلاله درختانی و تنفس هوای مانده ملولت می کرد.

این همه شکوه، بزرگی، استواری و جسارت را در دامن کدام مادر و در مکتب کدام پدر فراگرفتی محسن جان؟ ای استوار چون کوه، ای عینیت اقتدار و عزت نسل ما، ای شیفته و واله حسین (ع)!

درو به تو که دل از همه رنگ ها گسستی و سوار بر اسب راهوار هدایت در جاده ی نور شتافتی.

گمان نمی کنم نسل ما و نسل های آینده عظمت و معنای فاخر آن نگاه مغرور و محکمت را درک نکنند.

ستاره ای شدی در آسمان و درخشیدی، و راهنمایی برای ما شبگردان گم کرده راه ...

با خون پاکت، زیبایی آفریدی و نقش عشق و معرفت را، در صفحه روزگار ترسیم کردی ... خوشا به حالت که پروازت اسیر هیچ قفس نشد.

بچه هیاتی!

فراموش نمی کنیم. باید خیلی بی معرفت باشیم تو را از یاد ببریم و با شرف مان قول می دهیم برادر که:

بو می کشیم دندان گرگان زمان را تا قطره خون آخرت را پس بگیریم

محمد خزاعی

تسلیت رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری به مناسبت درگذشت تهیه کننده بزرگ سینمای دفاع مقدس

بدرود، حبیب سینمای ایران

محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری با انتشار پیامی وداع حبیب الله کاسه ساز تهیه کننده مخلص و پرتلاش سینمای ایران و سینمای دفاع مقدس را تسلیت گفت.

به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری، متن پیام به این شرح است:

بی تردید، حبیب سینمای ایران نامی است که در حافظه و تاریخ سینمای ایران و سینمای دفاع مقدس ماندگار است. مردی تمام نشدنی برای تمام فصول مبارزه از صحنه های دفاع مقدس تا تصویر، روایت و بازسازی تاریخ آن و تا واپسین لحظات و ذرات زندگی در مبارزه با بیماری سرطان.

سینماگری که با درک والا و هوشمندی سرشارش زمینه ساز تولید ده ها اثر ماندگار را در سینما و تلویزیون شد. آثاری که هر کدام با نگاهی و باری از اندیشه در خدمت فرهنگ و کیان این مرز و بوم بوده اند.

بدرود مرد نام آشنا، کم حرف، نجیب، سربلند و بی ادعای سینمای ایران.



بزرگداشت استاد مجید انتظامی برگزار می شود

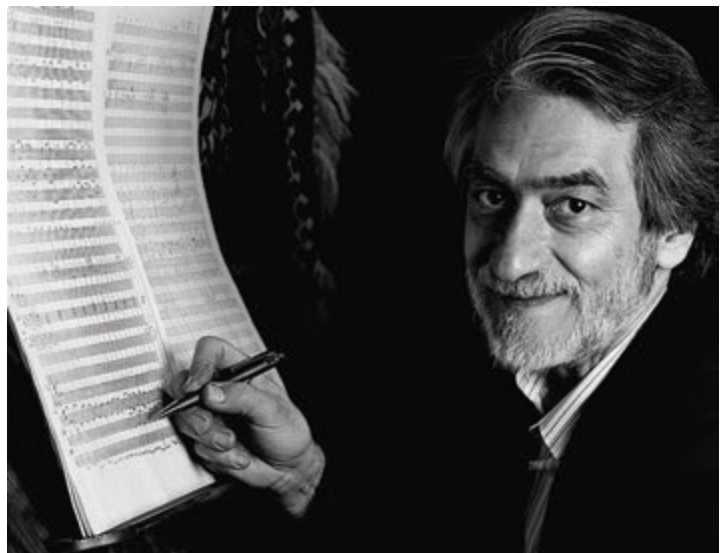
به گفته وی، استاد مجید انتظامی در سینمای ایران، تنها یک نام و یک کارنامه نیست. ملودی های او، صدای مردمان یک سرزمین است. صدای عشق، اعتقاد و باور آنها. حضور او در سینمای ایران، کهکشانی از نور، شور، خلاقیت و خاطره آفریده است و سازمان سینمایی حوزه هنری به پاس این حضور درخشان و این اثرگذاری ماندگار فضایی را فراهم می سازد تا از چندین دهه تلاش و خلاقیت مجاهدانه این هنرمند قدردانی نماید.

مدیر روابط عمومی و امور محافل سازمان سینمایی حوزه هنری خاطر نشان ساخت: این هنرمند خلاق تاریخ معاصر را با تمام روح و جان خویش در تاروپود ملودی ها، نغمه ها و قطعه های موسیقی درهم تنیده و پژواک هوش و جسارتش در لایه لایه ذهن و ضمیر سینما دوستان و عاشقان هنر این دیار خانه کرده است.

وی با اشاره به برنامه تجلیل گفت: برنامه های متنوعی برای این مراسم پیش بینی شده است.

عشیری با بیان اینکه انتظامی یکی از تاثیرگذارترین آهنگسازان حال حاضر کشور است که نزدیک به ۱۰۰ موسیقی فیلم و حدود ۱۰ موسیقی صحنه ای نوشته است افزود: کمتر هنرمندی را سراغ داریم که از چنین گستره وسیعی از فعالیت برخوردار باشد. موسیقی آثاری چون: آژانس شیشه ای، روز واقعه، از کرخه تا راین، ترن، دول، سردار جنگل، عقاب ها، مریم مقدس، کانی مانگا، بوی پیراهن یوسف وده ها فیلم سینمایی دیگر، یا موسیقی سریال هایی چون: تنهاترین سردار، مردان آنجلس، شیخ بهایی، کلاه پهلوی گوشه هایی از کارنامه این هنرمند بزرگ است.

به گفته وی، نمی توان خلق سمفونی هایی چون: سمفونی ایثار، سمفونی انقلاب اسلامی، سمفونی مقاومت، سمفونی خرمشهر و سمفونی درخشان «این فصل را با من بخوان» و یا سمفونی صلح را از این آهنگساز فراموش کرد و معتقدم بر تارک موسیقی فیلم دفاع مقدس نام استاد مجید انتظامی همواره می درخشد.



سازمان سینمایی حوزه هنری در نظر دارد بزرگداشت استاد مجید انتظامی را برگزار نماید.

به گزارش سوره سینما یزدان عشیری مدیر روابط عمومی و امور محافل سازمان سینمایی حوزه هنری با اعلام این خبر افزود: این مراسم روز سه شنبه ۲۴ مردادماه جاری با حضور هنرمندان، سینماگران، مدیران فرهنگی و اهالی رسانه در تالار سوره حوزه هنری برگزار می شود.

وی ادامه داد: این حرکت به پاس خدمات ارزنده و خلاقیت های ماندگار وی در جهت پاسداشت کارنامه درخشان و غنی استاد انتظامی و حضور و جایگاه تاثیرگذار ایشان در عرصه موسیقی سینما بویژه، سینمای انقلاب و دفاع مقدس طراحی شده است.

نمایش «زیر سقف دودی» در جشنواره فیلم «مونترال» کانادا



دریافت جایزه شود و مریلا زارعی به عنوان بهترین بازیگر نقش اول زن و ایمان امیدواری به عنوان بهترین طراح گریم سیمرغ بلورین این دوره جشنواره را برای این فیلم دریافت کردند.

این فیلم روایتگر زندگی مشترکی است که بن بست رسیده و تلاشی برای برون رفت از این بحران خانوادگی که طلاق عاطفی است.

در فیلم سینمایی «زیر سقف دودی» فرهاد اصلانی، مریلا زارعی، بهنوش طباطبایی، هوشنگ توکلی، مریم بوبانی، هادی مرزبان، فریا متخصص، شهرام حقیقت دوست، رسول نجفیان، نفیسه روشن، آریتا حاجیان، حسام نواب صفوی، فرشید زارعی فرد و با معرفی ابوالفضل میری و لاله مرزبان به ایفای نقش می پردازند. بخش بین المللی این فیلم به عهده سازمان سینمایی

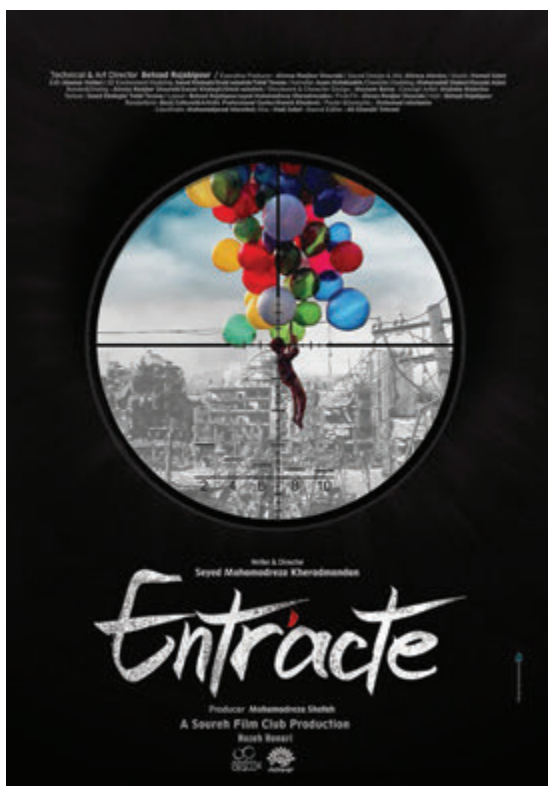
فیلم سینمایی «زیر سقف دودی» به کارگردانی پوران درخشنده در اولین حضور بین المللی خود در چهل و یکمین جشنواره بین المللی فیلم «مونترال» کانادا به نمایش در می آید.

به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری، فیلم سینمایی «زیر سقف دودی» به کارگردانی پوران درخشنده در اولین حضور بین المللی خود، در بخش «تمرکز بر سینمای جهان» (Focus on World Cinema) چهل و یکمین جشنواره بین المللی فیلم مونترال کانادا که ۲ تا ۱۳ شهریورماه برگزار می شود به نمایش در خواهد آمد.

«زیر سقف دودی» در سی و پنجمین جشنواره فجر به نمایش در آمد و توانست در شش بخش نامزد



نمایش انیمیشن «آنتراکت» در جشنواره «انیماموندی» برزیل



انیمیشن کوتاه «آنتراکت» محصول سازمان سینمایی حوزه هنری در جشنواره «انیماموندی» برزیل به نمایش در آمد.

به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری، انیمیشن کوتاه «آنتراکت» به کارگردانی محمدرضا خردمندان محصول سازمان سینمایی حوزه هنری در بیست و چهارمین دوره جشنواره «انیماموندی» کشور برزیل نمایش داده شد.

این جشنواره که از سال ۱۹۹۳ به صورت سالانه برگزار می شود برای تقویت انیمیشن در برزیل راه اندازی شده است و هر سال شرکت کنندگان زیادی از سراسر دنیا در آن حضور می یابند. بخش های مختلف جشنواره شامل فیلم کوتاه، فیلم بلند، فیلم کودک، انیمیشن بلند و انیمیشن های ساخته شده توسط کودکان است.

«آنتراکت» برگرفته از «Entracte» کلمه ای فرانسوی و به معنای حفاصل بین دو پرده موسیقی است. فیلم نیز در فاصله بین دو قطعه موسیقی روایت می شود. ایده «آنتراکت» از داستان تک تیراندازی اسرائیلی است که در جریان جنگ ۲۰۱۴ غزه با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود ادعا کرد در یک روز توانسته ۱۳ کودک فلسطینی را هدف قرار دهد.

عوامل انیمیشن کوتاه «آنتراکت» عبارتند از نویسنده و کارگردان: محمدرضا خردمندان، کارگردان فنی و هنری: بهزاد رجبی پور، مدیر تولید: علیرضا رنجبر شوری، مدل سازی شخصیت: محمدعلی شاکری، حسین عظیمی، مدلسازی محیطی سه بعدی: سعید خالقی، امید نژادنیک، توحید توانا، انیماتور: اعظم مهدی طراح، طراحی استوری بورد: میثم برز، رندر و شیدینگ: علیرضا رنجبر شوری، امید نژادنیک، سعید خالقی، کامپوزیت: محمد افشانی، کانسپت: مجتبی نادریلو، طراحی صدا و میکس: علیرضا علویان، موسیقی: حامد ثابت، تدوین: ابوذر حیدری، تهیه کننده: محمدرضا شفا، محصول: باشگاه فیلم سوره حوزه هنری.

بیست و چهارمین جشنواره «انیماموندی» از ۲۳ تیر تا ۱ مرداد در شهر ریودوژانیرو و از ۴ تا ۸ مرداد در شهر ساوپولو کشور برزیل برگزار شد.

تبریک رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری به مناسبت روز خبرنگار

محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری همزمان با روز خبرنگار ضمن قدردانی از مجاهدت و آگاهی بخشی اهالی رسانه و خبرنگاران این روز را به جامعه رسانه ای کشور بویژه رسانه های سینمایی تبریک گفت.

به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری متن یادداشت محمد حمزه زاده خطاب به خبرنگاران به این شرح است:

خداوند به قلم قسم خورد و آگاهی را پاس داشت. پس بر ماست، اهل قلم و اهل آگاهی را قدر نهیم و بر صدر نشانیم. روز خبرنگار مبارک باد. محمد حمزه زاده



انیمیشن «در مسیر باران» در سینماهای حوزه هنری



های هنری آستان قدس رضوی بودند. این فیلم با تکنیک سه بعدی به مدت دو سال با بیش از صد نفر متخصص و تلاش های شبانه روزی آماده شده است. مدت این فیلم سینمایی انیمیشن که به سفارش موسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی تولید شده و محصول استودیو انیمیشن «بنیان فیلم» است ۸۰ دقیقه است. کارگردانی این اثر بر عهده حامد کاتبی است و تهیه کنندگی آن را مریم چوپان زاده بر عهده دارد. داستان فیلم را سعید تشکری و مهدی سیم ریز نوشته اند. در این فیلم امین زندگانی، رحیم نوروزی، محمد شیر خالو، محمد جهانیا و... بازی کردند. داستان این انیمیشن روایتگر روزهای سخت زندگی مردی به نام ریان است که خشکسالی تاب و توانش را بریده و روزگار را بر او و خانواده اش سخت نموده است. ریان دل از خانه و خانواده می برد و با دوست قدیمی اش هر مز عزم تجارت می کند و به سوی مرو راهی می شود اما این راه پر پیچ و خم شروع دنیای تازه ای برای او و دوستش هر مز است.

فیلم سینمایی انیمیشن «در مسیر باران» که به سفارش موسسه آفرینش های آستان قدس رضوی ساخته شده همزمان با شب میلاد امام هشتم در سینماهای حوزه در شهرستان ها اکران شد. به گزارش سوره سینما، غلامرضا فرجی مدیر پخش و بازاریابی حوزه هنری درباره اکران فیلم «در مسیر باران» همزمان با میلاد امام رضا (ع) گفت: بنا بر اعلام دفتر استانی موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز، به عنوان متولی سینماهای حوزه هنری در استان خوزستان انیمیشن سینمایی «در مسیر باران» پنجشنبه (۱۲ مرداد) در دو سانس ۱۸ و ۲۰ در سینما بهمن اهواز به صورت رایگان به نمایش درآمد.

غلامرضا فرجی درباره اکران فیلم در دیگر سینماهای حوزه هنری گفت: سینماهای آفریقا مشهد، سینما چهارباغ اصفهان، سینما قدس همدان، سینما بهمن اهواز، سینما شیراز شیراز، سینما بهمن ارومیه، سینما آزادی تبریز، سینما ۲۹ بهمن سبزوار و سینما بهمن بیرجند میزبان فیلم سینمایی انیمیشن «در مسیر باران» تولید موسسه آفرینش

انیمیشن تماشاچی

در سه جشنواره جهانی

باهاما، ونزوئلا و رومانی

انیمیشن کوتاه «تماشاچی» ساخته محسن باقری دستگردی به بخش مسابقه سه جشنواره جهانی در کشورهای باهاما، ونزوئلا و رومانی راه یافت.

به گزارش سوره سینما، اولین جشنواره باهاما با عنوان Caribbean Film Festival and Market ۲۰۱۷ الی ۵ نوامبر ۲۰۱۷ برگزار خواهد شد. همچنین این اثر تولیدی هنرمند چهارمحال و بختیاری در دو جشنواره بین المللی با عنوان Maracay International Film & Video Festival در ونزوئلا و پنجمین جشنواره Short Film Breaks رومانی راه یافته است که هر دو تا پایان ۲۰۱۷ برگزار خواهند شد.

لقمان قاسمی و محسن باقری دستگردی و شرکت VEST PRODUKTION دانمارک از تهیه کنندگان این انیمیشن هستند.

این انیمیشن جامعه ای را به تصویر کشیده که تفاوت ها را نمی پذیرد و به دنبال نابودی این تفاوت هاست.

طراحی شخصیت این فیلم بر عهده فاطمه باقری هفشجانی، انیمت: سینا کوهی فایق دهکردی، اکرم قائد امینی و مهسا اسدی، اسکن آن بر عهده خدیجه قنبری شیخ شبانی، رنگ احمد رضا باقری هارونی، صدا حسین قورچیان، تدوین مهدخت اصغریان بوده است و مدیریت تولید پروژه را سجاد شیرازی چالشتری و طراحی تیتراژ آن را امین حکمت پناه به عهده داشته اند. سحر قانع پور، میلاد غلامی، مهسا دهقان قهفرخی و سمیه محمدی نیز در تولید این اثر همکاری داشته اند.

مستند «راه طی شده» به کارگردانی علی ملاقلی پور کلید خورد



فیلم مستند «راه طی شده» به کارگردانی علی ملاقلی پور از تولیدات «مرکز مستند سوره» وابسته به سازمان سینمایی حوزه هنری هفته گذشته در تهران کلید خورد.

به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری، این مستند با موضوع بررسی افکار و اندیشه‌های «مهندس مهدی بازرگان» به عنوان روشنفکر دینی، سیاستمدار و نخست وزیر دولت موقت ایران در سال ۵۷ در حال تولید است و نام آن «راه طی شده» است. تحقیقات این فیلم مستند از دی ماه سال گذشته آغاز شده و از تولیدات «مرکز مستند سوره» حوزه هنری که تهیه کنندگی آن بر عهده محمد امین نوروزی است. این فیلم در حال حاضر مراحل ضبط مصاحبه با

شخصیت‌های نهضت آزادی از قبیل مهندس توسلی، دکتر سحابی، مهندس اکبر بدیع زادگان و... را طی می‌کند و قرار است برای جشنواره «سینما حقیقت» آماده نمایش و در این رویداد رونمایی شود.

علی ملاقلی پور فرزند سینماگر برجسته مرحوم رسول ملاقلی پور از علاقمندان جدی مطالعه در خصوص انقلاب و مسائل سیاسی است. وی به غیر از فعالیت هنری و ساخت فیلمی چون «قندون جهیزیه» پژوهش‌های زیادی در زمینه شخصیت‌های مختلف انقلاب و تاریخ معاصر انجام داده است.



برگزاری نشست پژوهشی «سینما و خانواده» در سازمان سینمایی حوزه هنری



اولین نشست پژوهشی «سینما و خانواده» روز سه شنبه ۲۷ تیرماه در حوزه هنری برگزار شد.

به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری؛ این نشست پژوهشی تحلیلی با محوریت «سینما و خانواده» و با هدف بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و نقطه نظرات کارشناسان و اساتید دانشگاه در راستای ترویج فرهنگ خانواده در سینما در سالن کنفرانس سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد. برپایه این خبر، دکتر لاله افتخاری عضو سابق کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و استاد دانشگاه شاهد، دکتر مینو اصلاتی رئیس بسیج جامعه زنان کشور، خانم بیابانی جانشین جامعه بسیج زنان کشور، دکتر عصمت سوادی دکترای فقه و حقوق اسلامی و معاون فرهنگی واحد علوم و تحقیقات، دکتر طاهره همیز استاد دانشگاه و مشاور خانواده و ازدواج دکتر دیندار و دکتر علیمحمدی از اساتید دانشگاه، یزدان عشیری و سیدمحمد حسینی از مدیران سازمان سینمایی حوزه هنری در این نشست حضور داشتند.

در این برنامه پژوهشی و تحلیلی کارشناسان و صاحب نظران پیرامون موضوعاتی چون: ظرفیت شناسی، آسیب شناسی و چالش‌های سینمای خانواده، تجزیه و تحلیل بازتابی نقش خانواده و پدران و مادران و فرزندان در فیلم‌های سینمایی، لزوم ایجاد تشکلهای دانش بنیان برای تمرکز مطالعاتی و پژوهشی عمیق تر و علمی تر پیرامون موضوعات و مفاهیم خانواده در سینمای ایران و غرب، نقش خانواده در کاهش آسیب‌های اجتماعی و روایت‌های مخدوش سینمای ایران در این زمینه و... بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

شایان ذکر است این نشست به همت مدیریت روابط عمومی و امور محافل سازمان سینمایی حوزه هنری و مدیریت خواهران سازمان بسیج اساتید کشور طراحی و برگزار شده است.



اهدای پرچم حرم امام رضا (ع) و امام حسین (ع)

نشست رسانه‌ای جشنواره «مسیر عشق» برگزار شد



نشست رسانه‌ای نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم و عکس «مسیر عشق» سه‌شنبه ۱۰ مرداد با حضور گسترده اهالی رسانه و مسئولین این جشنواره در تالار امیر حسین فردی حوزه هنری برگزار شد. این جشنواره با همکاری حوزه هنری برگزار شد.

به گزارش سوره سینما، سیداحمد میرعلایی دبیر، یزدان عشیری مدیر روابط عمومی، سعیدالهی قائم مقام دبیر و رییس ستاد برگزاری، حجت الاسلام و المسلمین حجت گنابادی نژاد رییس سازمان فرهنگی هنری آستان قدس رضوی، از مسئولین و برگزار کنندگان حاضر در این نشست بودند.

یزدان عشیری مدیر روابط عمومی این جشنواره در ابتدای این نشست با بیان اینکه این جشنواره با محوریت راهپیمایی اربعین برگزار می‌شود گفت: با توجه به اینکه در دهه کرامت قرار داریم و در آستانه میلاد هشتمین اختر تابناک امامت و ولایت می‌دوریم این جشنواره در پرتو عنایت معصومین (ع) به بهترین شکل برگزار شود.

وی ادامه داد: این جشنواره حرکت منحصر به فردی است و به آن از زاویه دیگری باید نگاه کرد چون همه با آن احساس همذات پنداری هم می‌کنند. نفس برگزاری این جشنواره، مسیر عشق، و شیدایی آن به هیچ عنوان با جشنواره‌های دیگر قابل مقایسه نیست. جشنواره‌های دیگر بیشتر با دغدغه‌ها و ابعاد مختلف برگزار می‌شود ولی حس این جشنواره از طفولیت تا جوانی و پیری در همه ما وجود دارد به تعبیر رسانه‌های معاند و مغرض بزرگترین اجتماع عظیم انسانی را در این رویداد شاهد هستیم.

همچنین حجت الاسلام و المسلمین گنابادی نژاد با تبریک این ایام مبارک گفت: من سلام همه خادمان امام رضا (ع) را امروز به شما ابلاغ می‌کنم، با یک همت ولایی ما امروز شاهد بزرگترین

رویداد مذهبی در تاریخ تشیع هستیم که جامعه هنری هم در این رویداد عظیم همدلی خود را ابراز می‌کند.

وی با اشاره به اینکه طرفداران جبهه حق در همه آحاد بشریت وجود دارند گفت: جبهه حق و باطل و تقابل بین آن دو و قربانیان زیادی که در این جبهه اتفاق افتاده بزرگترین آن به وجود ابعادالله (ع) مربوط می‌شود و درس و پیامی که این امام با کشته شدنشان به جهانیان صادر کردند. درود بر همه عزیزی که برای تدارک این جشنواره زحمت می‌کشند و برنامه ریزی می‌کنند.

گنابادی نژاد ادامه داد: کسانی که فجیع‌ترین جنایات انسانی به دستشان رقم خورد تا بیست کیلومتری کربلا برای پیگیری اهدافشان رفتند اما نتوانستند امنیت زائرین ابعادالله را برهم زنند. در ادامه مراسم سعیدالهی مدیر اجرایی این رویداد بین المللی از اختصاص دو هدیه ارزشمند که از آستان قدس رضوی و حرم امام رضا (ع) و بارگاه امام حسین (ع) رسیده بود خبر داد و این پرچم‌ها که با پخش آهنگ زیبای مداحی در جلسه همراه شده بود به دبیر جشنواره اهدا شد.

در ادامه نشست سیداحمد میرعلایی دبیر این رویداد گفت: در مسیر راهپیمایی جشنواره به این نتیجه رسیدیم که حماسه بزرگ جهانی اربعین حسینی در حبس خبری مغرضانه رسانه‌های جهان قرار دارد. بنابراین تصمیم گرفتیم با مشارکت سینماگران به جشنواره و اتفاقی هنری درباره این حرکت بیانیدیشیم. رسم راهپیمایی اربعین عشق و صمیمیت است. اربعین و واقعه کربلا می‌تواند ریشه مبانی گم‌شده و پاسخ برخی از ابهامات امروز ما باشد.

این سینماگر همچنین خاطر نشان کرد: بخش محتوایی و رسیدن به سینمای حسینی نه در شعار که در شعور مهم‌ترین هدف این جشنواره

است که به راحتی قابل دستیابی نیست. نیاز به حمایت بزرگان برای رسیدن به این گفتمان نیاز داریم. باید اشکالات فیلم‌هایی درباره امام حسین (ع) را برطرف کنیم؛ نه این که انگیزه او را خاموش کنیم.

وی ادامه داد: سعی می‌کنیم جشنواره کاملاً استاندارد برگزار شود. به اجبار جایزه ندهیم و هنرمندان را درست برای فیلمسازی در این حوزه تشویق کنیم.

میرعلایی از میزبانی آستان قدس برای برگزاری بخشی از جشنواره خبر داد و نذر فرهنگی را عامل مهم و تاثیرگذاری در برگزاری هرچه بهتر این رویداد دانست.

وی در ادامه از آغاز به کار سایت جشنواره به نشانی www.masireeshgh.com خبر داد و گفت: بخش‌های رقابتی جشنواره شامل فیلم‌های سینمایی، مجموعه‌های تلویزیونی، داستانی بلند، نیمه بلند و کوتاه، نماهنگ، پویانمایی، فیلمنامه (کوتاه و طرح فیلمنامه بلند) و عکس (حرفه‌ای و مردمی) می‌شود. همه این آثار نیز از طریق تکمیل فرم ثبت نام در سایت جشنواره به صورت حضوری یا از طریق پست از هنرمندان دریافت خواهند شد. همچنین موضوعات در دو بخش معرفی راهپیمایی اربعین و راهپیمایی حرم امام رضا (ع) به مناسبت شهادت آن حضرت و با هدف معرفی فرهنگ عاشورایی و فرهنگ رضوی برگزار می‌شود.

وی افزود: در این موضوعات تبیین ابعاد سیاسی، مذهبی، اجتماعی و حماسی راهپیمایی ایام اربعین حسینی و شهادت امام رضا (ع) از طریق تولید آثار هنری با تاکید ویژه بر محورهای نظیر حضور ادیان و دیگر مذاهب در راهپیمایی اربعین، تاثیر راهپیمایی اربعین بر سلامت روانی جامعه جهانی، نقش تربیتی راهپیمایی اربعین بر محیط خانواده و فرزندان، ترویج فرهنگ ایثار و فروتنی در خدمت به زائرین اهل بیت (ع)، راهپیمایی اربعین از نگاه تاریخی، نهادینه سازی صحیح راهپیمایی اربعین به دور از هر گونه خرافه و انحرافات احتمالی، حضور زنان و کودکان در راهپیمایی اربعین با الگوپذیری از شخصیت حضرت زینب (س)، اهمیت راهپیمایی اربعین در مسیر انتظار و تحقق جامعه جهانی مهدوی، راهپیمایی اربعین و هراس استکبار جهانی و گروه‌های تروریستی و ضرورت شناخت افکار عمومی از فلسفه وجودی راهپیمایی اربعین می‌شود.

وی خاطر نشان کرد: همچنین معرفی و ترویج فرهنگ عاشورایی با تکیه بر محصولات هنری در بین مخاطبان ایران و جهان با نگاه ویژه به معرفی ابعاد مختلف شخصیت امام حسین (ع) و صحابه ایشان، بررسی تاریخی وقوع حماسه عاشورا، حج و قیام امام حسین (ع)، نماز و قیام امام حسین (ع)، الگوسازی و ارائه سبک زندگی صحیح از زندگی امام حسین (ع) و صحابه ایشان، امر به معروف و نهی از منکر در قیام امام حسین (ع) و نقش مدافعان حرم مطهر اهل بیت (ع) در حفظ فرهنگ اسلامی دیگر هدف محوری مهم جشنواره است.

وی ادامه داد: ۱۵ شهریور ماه مهلت ارسال آثار به دبیرخانه جشنواره واقع در خیابان انقلاب است. اختتامیه این جشنواره نیز ۱۵ آبان ماه امسال در کربلا برگزار می‌شود. این برای اولین بار است که اختتامیه یک رویداد سینمایی را در کشوری دیگر برگزار می‌کنیم. آثار پذیرفته شده نیز در تاریخ ۲۹ شهریور ماه معرفی می‌شوند. افتتاحیه رویداد یکم آبان ماه در مشهد و نمایش آثار در بازه زمانی یکم تا پنجم آبان ماه صورت می‌گیرد.

حسین حریری از جانبازان و مدافعان حرم نیز مهمان ویژه این جلسه بود.

گفتنی است: نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم و عکس مسیر عشق اول تا پنجم آبان ۱۳۹۶ در دو شهر مشهد و کربلا برگزار می‌شود.

معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزیر ارشاد:

دو فیلم اکسیدان و مادر قلب اتمی مورد انتقادهایی قرار گرفت که ما نیز می‌پذیریم



می‌بریم و اینکه تنها یکی درصدی هم سهم موسیقی
های زنده در کشور محسوب می‌شود.

وی با اشاره به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی
گفت: با ورود موسیقی به این حوزه فعالیت‌های ما تا
حدودی مشکل شده، اما باز هم تلاشمان بر آن است که
فعالیت‌های حوزه موسیقی به سمت مجوز داشتن برود.
ساخت ۱۰۰ سینما در ۱۰۰ شهرستان در دستور
کارمان است

معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه بیان اینکه در حال
حاضر طرح مطالعاتی ۱۰۰ سینما در ۱۰۰ شهرستانی
که از سینما برخوردار نبودند، انجام شده است، اظهار
کرد: در این بخش نیز به دنبال حمایت از سینماهای
خصوصی موجود در شهرستان‌ها و راه اندازی سینمای
های سیار هستیم.

حسینی همچنین با اشاره به اینکه فیلم دو فیلم
اکسیدان و مادر قلب اتمی مورد انتقادهایی قرار گرفت
که ما نیز می‌پذیریم، گفت: اکران فیلم مادر قلب اتمی
به اتمام رسیده، با این وجود با توجه به اعتراض‌های روی
داده که حتی از سوی نمایندگان مجلس هم بود، تصمیم
بر آن شد تا این دو فیلم برای اکران خانگی با تغییراتی
اصلاح شوند.

وی عنوان کرد: ما نمی‌گوییم که تمام فیلم‌های
ساخته شده یا کتاب‌های نوشته شده بدون ایراد هستند
ممکن است ایراداتی هم بر آن‌ها وارد شود، که بدون
تردید سعی شده آن بخش از کتاب‌ها و یا فیلم‌ها مورد
بررسی قرار گرفته و اصلاح شوند.

تمامی برنامه‌های معاونت
های مختلف وزارت ارشاد از
حوزه مساجد گرفته تا فیلم
و سینما، توسعه فعالیت‌های
قرآنی باشد.

معاون حقوقی، امور مجلس
و استان‌های وزارت فرهنگ و
ارشاد اسلامی افزود: از دیگر
برنامه‌های این وزارتخانه
آن است که کف ۲۰ درصد
از تمام فعالیت‌هایی که در
سطح ملی در گذشته انجام

می‌شد، حالا در سطح شهرستان‌ها و استان‌ها توزیع
شده و برگزار شود و تقریباً همه شهرستان‌ها و استان
های کشور درگیر اجرایی کردن برنامه‌های ملی می
شوند و از این طریق سعی شده تا حوزه‌های فرهنگی
و هنری در جای جای کشورمان فعال و تقویت شوند.

حسینی درباره موسیقی در کشور هم عنوان کرد:
گرایش عمده کشور به سمت موسیقی‌های سنتی و
محلی است و ما نیز برای تقویت آن حرکت‌هایی داشته
و برنامه‌هایی داریم و البته حواشی‌هایی هم دارد که
باید آن‌را حذف کنیم و سعی می‌کنیم که وارد چالش
ها نشویم، چرا که هدف، تقویت موسیقی اصیل ایرانی و
سنتی با رویکرد داشتن جامعه شاداب است.

وی تصریح کرد: در حدود ۵۲ درصد از سهم موسیقی
کشور در دستان صدا و سیما است، ۲۲ درصدی هم
سهم داندلدها و ۲۴ درصدی نیز سهم فعالیت‌های
زیرپله‌ای که ما از آن به عنوان فعالیت‌های متفرقه نام

معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اینکه دو فیلم
اکسیدان و مادر قلب اتمی مورد انتقادهایی قرار گرفت
که ما نیز می‌پذیریم، گفت: اکران فیلم مادر قلب اتمی
به اتمام رسیده، با این وجود با توجه به اعتراض‌های
روی داده که حتی از سوی نمایندگان مجلس هم بود،
تصمیم بر آن شد تا این دو فیلم برای اکران خانگی با
تغییراتی اصلاح شوند.

به گزارش سوره سینما، «سید هادی حسینی» در
گفت و گو با رودآور و در حاشیه بازدید از فضاهای
فرهنگی توپسرکان، گفت: در برنامه پنج ساله ششم
یکی از برنامه‌های اساسی وزارتخانه حمایت و تقویت از
کانون‌های مساجد است که در توپسرکان نیز ۵۳ کانون
فعالیت دارد و قرار است با تسریع در حمایت‌های بعدی
این تعداد را ارتقاء بخشیم.
وی اظهار کرد: تصمیم بر آن است تا نخستین اولویت



مدیر روابط عمومی و ارتباطات جشنواره بین‌المللی «مسیر عشق» معرفی شد

آنجایی که ارزشمندترین آثار هنری این سرزمین همواره متأثر از مفاهیم دینی و عاشورایی بوده، انتظار می‌رود
در تعاملی‌سازی‌سازنده با افکار عمومی، اصحاب رسانه و هنرمندان زمینه را برای برگزاری باشکوه و جریان‌ساز فراهم
آورد. امیدواریم برگزاری تأثیرگذار این حرکت معنوی و حماسی بتواند در رشد و ارتقای فرهنگ و هنر متعالی
محرم و عاشورا این مرز و بوم نقشی اساسی و راهبردی ایفا نماید. از خداوند بزرگ موفقیت و سربلندی شما را
در مسیر تحقق اهداف بلند این رویداد فرهنگی و سینمایی خواستارم.

یزدان عشیری از نویسندگان و منتقدان سینمایی است که تجربه برگزاری و مشارکت در سیاستگذاری،
مدیریت و اجرای رویدادهای فرهنگی و سینمایی ملی و بین‌المللی همچون: جشنواره‌های کودکان و نوجوانان،
جشنواره فیلم فجر، جشن منتقدان، جشنواره بین‌المللی مقاومت، و ... در کارنامه دارد.

شایان ذکر است نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم و عکس «مسیر عشق» با محوریت راهپیمایی اربعین
حسینی در عراق و ایام شهادت حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در ایران از یکم تا پنجم آبان برای نخستین بار
به صورت همزمان در شهرهای مقدس مشهد و کربلا برگزار می‌شود.

طی حکمی از سوی سیداحمد میرعلایی دبیرنخستین
جشنواره بین‌المللی فیلم و عکس «مسیر عشق» (اربعین)
یزدان عشیری به سمت مدیر روابط عمومی و ارتباطات
رسانه‌ای منصوب شد.
به گزارش سوره سینما، متن حکم وی به این شرح منتشر
شد:

«جناب آقای یزدان عشیری/ نظر به تجربه، صلاحیت
و توانمندی جنابعالی به حوزه روابط عمومی، مناسبات
اجتماعی و ارتباطات رسانه‌ای؛ شما را به سمت مدیر روابط
عمومی و ارتباطات رسانه‌ای نخستین جشنواره بین‌المللی
فیلم و عکس «مسیر عشق» (اربعین) منصوب می‌نمایم. از

محمد اسماعیل سعیدی عضو کمیسیون فرهنگی مجلس:

وضعیت مهندسی فرهنگی در کشور بلا تکلیف است



وضعیت مهندسی فرهنگی در کشور ما همچنان نامعلوم و بلا تکلیف است و رفع توقیف فیلم‌ها چالشی اساسی است که با آن روبرو هستیم.

به گزارش سوره سینما، محمد اسماعیل سعیدی عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در باره فیلم‌هایی که با مجوز وزارت ارشاد تولید می‌شود، اما بعد از اکران با چالش توقیف روبرو می‌شوند، گفت: متأسفانه وضعیت مهندسی فرهنگی در کشور ما همچنان نامعلوم و بلا تکلیف است و رفع توقیف آنها چالشی اساسی است که با آن روبرو هستیم. تا زمانی که راهبرد دقیق، روشن و بدون ابهام داریم این مشکلات خواهد بود.

وی افزود: این امر بستگی به تغییر دولت‌ها ندارد. هر فردی سلیقه خودش را معیار عمل می‌داند، در حالی که اگر چارچوب و معیارها مشخص نشود نتیجه آن هم روشن خواهد بود.

سعیدی با بیان اینکه در این راستا باید وضعیت فرهنگی جامعه را شناسایی کرد، گفت: مسائل، مشکلات، چالش‌ها،

نیازها و ضرورت‌ها را باید شناخت، ریشه‌ها، علل و عوامل آن وضعیت را شناسایی کرده تا وضعیت مطلوبی که از نظر فرهنگی مدنظر ما قرار دارد را براساس آن تدوین کنیم.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس با اشاره به ابهاماتی که در صدور پروانه نمایش فیلم‌ها وجود دارد، عنوان کرد: یکی از ابهامات این است که دلایل و معیار مشخصی برای توقیف فیلم‌ها وجود ندارد و خط قرمزها بدرستی مشخص نیست، در حالی که در زمان صدور پروانه ساخت باید این دلایل برای سازندگان فیلم‌ها مشخص باشد.

منبع: خبرگزاری صبا



سخنگوی شورای صنفی نمایش:

هفتاد و سه میلیارد و ششصد میلیون تومان فروش سینماهای کشور در چهار ماهه نخست سال



غلامرضا فرجی مدیر امور سینماهای حوزه هنری و سخنگوی شورای صنفی نمایش آمار گیشه و مخاطب سینماهای ایران را در چهار ماه نخست سال اعلام کرد.

غلامرضا فرجی مدیر امور سینماهای حوزه هنری و سخنگوی شورای صنفی نمایش در گفت و گو با سوره سینما بیان کرد: چهار ماه نخست امسال فروش فیلم‌ها در سراسر سینماهای ایران به مبلغ هفتاد و سه میلیارد و ششصد میلیون تومان رسیده که این رقم در چهار ماه سال گذشته شصت و شش میلیارد و دویست و پنجاه میلیون تومان بوده است.

وی ادامه داد: مخاطب سینماها در همین زمان امسال هشت میلیون و هشتصد هزار نفر بوده اما چهار ماه نخست سال گذشته این میزان ده میلیون نفر برآورد شده است.

مدیر امور سینماهای حوزه هنری در ادامه در خصوص گردش مالی مناسب فیلم‌ها در چهار ماه نخست امسال گفت: کیفیت و محتوای فیلم‌ها در جذب مخاطب حرف اول را می‌زند و اینکه بتوانند بر تماشاگر تأثیر لازم را بگذارند تا به سینما بیایند. تبلیغ دهان به دهان قطعاً برای فیلم‌های با کیفیت مطلوب تأثیر لازم را دارد. وی همچنین افت مخاطب سینما را اینگونه بررسی کرد که در این بازه زمانی خیلی از فیلم‌ها در معرفی خود به مخاطب نتوانستند موفق عمل کنند در حالیکه همه می‌دانیم بحث تبلیغات در گیشه فیلم‌ها تأثیر بسزایی دارد، به عبارتی بنیه مالی تولیدکنندگان به آنها فرصت تبلیغات گسترده را نمی‌دهد این درحالیست که صدا و سیما و شهرداری می‌توانند از فیلم‌ها حمایت کنند.

فرجی گفت: شهرداری به لحاظ بیلورد شهری فیلم‌ها در سطح تهران همکاری

لازم را داشته اما در شهرستانها فیلم‌ها از کمترین تبلیغات برخوردارند.

فرجی در بخش دیگری از صحبت خود گفت: همچنین بر طبق گزارشی که از جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان ارائه شده دو فیلم «بیست و یک روز بعد» و «قهرمان کوچک» که در جذب مخاطب موفق بودند و تأثیرگذاری لازم را بر مخاطب داشتند حمایت لازم انجام خواهد شد.

وی با اشاره به اینکه به نظر می‌رسد این فیلم‌ها در جذب مخاطب خود موفق واقع شوند گفت: فیلم «بیست و یک روز بعد» در گروه کورس و فیلم «قهرمانان کوچک» در گروه آزادی به نمایش در می‌آید.

مدیر سینماهای حوزه هنری گفت: به این نکته دقت کنیم که اگر حامی فیلم‌های کودک سینمای خودمان نباشیم و سینماهای ما برای گروه کودک و نوجوان فیلمی نداشته باشند بن‌تن‌ها در ایران فراگیر می‌شوند و فرهنگ ما را مورد هدف قرار می‌دهند. کشور ما قهرمان‌های زیادی دارد که ما باید آنها را برای فرزندانمان الگو قرار دهیم.

معینی بخش معاون مالی و اداری حوزه هنری:

نوسازی و تعویض صندلی‌های سینما «فلسطین» بروجرد انجام می‌شود



علیرضا معینی بخش معاون مالی و اداری حوزه هنری گفت: نوسازی و تعویض صندلی‌های سینما «فلسطین» انجام می‌شود و هدف ما از سفر به بروجرد این است که اتفاق خوبی رخ دهد.

به گزارش سوره سینما، معاون مالی و اداری حوزه هنری کشور بعد از بازدید از سینما «فلسطین» بروجرد در جلسه‌ای که در فرمانداری برگزار شد گفت: بروجرد را قطب فرهنگی غرب کشور می‌دانیم و متاثر هستیم چرا در این سالها بروجرد آنگونه که باید در بخش فرهنگ رشد نکرده و نیاز است اقداماتی صورت گیرد.

وی اضافه کرد: به نظر می‌رسد امروز سینمای یکپاراز صندلی در شهرها پاسخگو نیست و می‌توان این سالن را به چند سالن ۳۰۰ نفره تبدیل کرد و با این

۴۰ میلیارد تومان به وزارت ارشاد جهت بازسازی سینماها داده می‌شود و می‌توان از این هزینه استفاده کرد.

وی افزود: تعویض صندلی‌های سینما «فلسطین» بروجرد و یک بازسازی مطلوب در دستور کار قرار می‌گیرد که به زودی این اقدامات انجام خواهد شد.

«فلسطین» بروجرد صورت گیرد. به گفته وی با ورود به این سینما وضعیت خوبی دیده نشد و تمایل داریم تا این سینما هم مانند سایر سینماهای بزرگ کشور تغییر یابد که هدف ما از سفر به بروجرد تشریفاتی نیست بلکه هدف این است تا اتفاقی خوب در این شهر رخ دهد. معاون مالی و اداری حوزه هنری تصریح کرد: سالانه

اقدام چند فیلم همزمان اکران می‌شود و صندلیها خالی نمی‌ماند.

معینی بخش اظهار داشت: تعویض صندلیهای سینما «فلسطین» بروجرد مطلوب مردم بروجرد نیست و اگر هم تعویض صورت گیرد، مشکلاتی در سقف و کف سینما وجود دارد و با توجه به این که بودجه عمرانی نداریم اما تلاش می‌کنیم تعویض صندلیهای سینما

همزمان با مراسم بزرگداشت مجید انتظامی در حوزه هنری صورت می‌گیرد

رونمایی از مستند «ابوایست» جدیدترین محصول مرکز مستند سوره



درخشان و غنی استاد انتظامی و حضور و جایگاه تاثیرگذار ایشان در عرصه موسیقی سینما بویژه، سینمای انقلاب و دفاع مقدس طراحی شده است.

شایان ذکر است مجید انتظامی یکی از تاثیرگذارترین آهنگسازان حال حاضر کشور است که نزدیک به ۱۰۰ موسیقی فیلم و حدود ۱۰ موسیقی صحنه‌ای نوشته است، موسیقی فیلم‌های آژانس شیشه‌ای، روز واقعه، از کرخه تا راین، ترن، دوئل، سردار جنگل، عقاب‌ها، مریم مقدس، کانی مانگا، بوی پیراهن یوسف و ده‌ها فیلم سینمایی دیگر، یا موسیقی سریال‌هایی مانند تنهاترین سردار، مردان آنجلس، شیخ بهایی و کلاه پهلوی، از جمله آثار اوست.

مراسم بزرگداشت انتظامی عصر فردا سه شنبه ساعت ۱۸ در تالار سوره حوزه هنری برگزار می‌شود.

همزمان با مراسم بزرگداشت استاد مجید انتظامی که در تالار سوره حوزه هنری برگزار می‌شود از جدیدترین محصول مرکز مستند سوره با عنوان مستند «ابوایست» نگاهی به زندگی استاد مجید انتظامی نیز رونمایی می‌شود.

روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری با اعلام این خبر افزود: مراسم بزرگداشت استاد مجید انتظامی با حضور هنرمندان، سینماگران، مدیران فرهنگی و اهالی رسانه سه شنبه ۲۴ مرداد در تالار سوره حوزه هنری برگزار می‌شود.

بر پایه این خبر، در این مراسم از فیلم مستند «ابوایست» با نگاهی به زندگی و آثار این هنرمند که توسط مرکز مستند سوره تولید شده برای نخستین بار رونمایی می‌شود.

این مراسم به منظور پاسداشت کارنامه



به بهانه انتشار تازه‌ترین نظرات رهبری درباره یک فیلم

همه آرای سینمایی رهبر معظم انقلاب

ایشان درباره لزوم توجه سینما به شهید لاجوردی خطاب به کارگردان ماجرای نیمروز فرمودند: ان شاء الله یک کاری هم برای آقای لاجوردی بکنید. ایشان از آن شخصیت‌هایی است که شایسته است برای‌شان کار انجام بشود. در این فیلم اسمش بود اما لاجوردی کسی است که از قبل از انقلاب ما به او می‌گفتیم «مرد پولادین». مقام معظم رهبری در پایان نیز خاطرنشان کردند: «فیلم خیلی خوب بود. خیلی عالی بود.»

واقع‌نمایی، راهبرد سینمای جامعه پرقهرمان

ایشان همچنین از فیلم‌هایی که پیرامون شخصیت‌های بزرگ تاریخ ساخته شده، همواره تمجید کرده‌اند. فیلم «چ» یکی از آنهاست که ابراهیم حاتمی‌کیا، کارگردان این فیلم روایت می‌کند که مقام معظم رهبری با روی باز و چهره‌ای بشاش از این فیلم تعریف کرده و گفته‌اند همان چمرانی بود که من می‌شناختم. ایشان همچنین فیلم «محمد رسول الله» مجید مجیدی را تمجید کرده و از سریال «یوسف پیامبر» نیز به عنوان شروعی برای کارهای هنری خلاقانه با پردازش داستانی قوی در مجموعه هنر انقلابی یاد می‌کنند و می‌فرمایند: یکی دیگر از ویژگی‌های این سریال، به تصویر کشیده شدن شخصیتی جامع‌الاطراف و نبوت واقعی از یوسف

با نگاهی به اظهارنظرهای رهبری پیرامون فیلم‌های سینمایی می‌توان دریافت که ایشان همواره چارچوبی معین برای نقد آثار هنری و به طور خاص فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی دارند. رهبر انقلاب عمدتاً فیلم‌هایی را مورد تمجید قرار داده‌اند که «آینه واقعیت» و بازتاب رویدادهای واقعی است که در طول تاریخ یا عصر حاضر رخ داده‌اند. ایشان همچنین همواره فیلم‌هایی که در پی تحریف واقعیت و تاریخ قرار داشتند را مورد مذمت قرار داده و از آنها به بدی یاد کرده‌اند.

ماجرای نیمروز، بهتر از عالی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار عوامل فیلم ماجرای نیمروز فرمودند: «این فیلم بسیار خوب بود. همه اجزای فیلم عالی بود، کارگردانی عالی بود، بازی‌ها عالی، قصه عالی بود. فیلم خوش ساخت بود.» رهبر معظم انقلاب با اشاره به سکانسی از این فیلم درباره محاصره و پاکسازی خانه موسی خیابانی توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی فرمودند: «آن روزی که این قضیه (محاصره منزل موسی خیابانی) اتفاق افتاد، من محضر امام (ره) بودم. بچه‌ها آمدند و گفتند: از جمله همین آقای سیف‌اللهی؛ آمدند و گفتند که قضیه تمام شده. آمدند که به امام گزارش بدهند. با دیدن فیلم شیرینی آن روز تکرار شد.»

ایشان درباره لزوم توجه سینما به شهید لاجوردی خطاب به کارگردان ماجرای نیمروز فرمودند: ان شاء الله یک کاری هم برای آقای لاجوردی بکنید. ایشان از آن شخصیت‌هایی است که شایسته است برای‌شان کار انجام بشود. در این فیلم اسمش بود اما لاجوردی کسی است که از قبل از انقلاب ما به او می‌گفتیم «مرد پولادین».

به گزارش سوره سینما، روزنامه وطن امروز در تازه‌ترین شماره خود به بهانه اظهارات تازه منتشر شده مقام معظم رهبری پیرامون فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز» به بررسی مهم‌ترین آرا و نظرات ایشان در ارتباط با سینما پرداخته است. در بخشی از این گزارش آمده است:



پيامبر بود که اين شخصيت دينی علاوه بر معنويت و توجه به دعا و ذکر، در صحنه مدیریت جامعه، تدبیر امور، مبارزه با ظلم و اِستادگی در مقابل فشارها نقش بارزی داشت. «طلا و مس»، «شيار ۱۴۳»، «مارمولک» و... نیز فيلم‌هایی بودند که داستان مستندی را روايت نمی‌کردند اما قصه و مفهوم کلی فيلم برگرفته از واقعيت و حقيقت موجود بود که باعث شد رهبری از آنها به عنوان فيلم‌های برجسته یاد کنند.

بازنمایی فرهنگ ایرانی-اسلامی، یکی از آن واقعیاتی است که همواره مورد تاکید ایشان بوده است. در واقع فيلم‌ها لزوماً بنا نیست حادثه‌ای اعجاب‌انگیز را روايت کنند، بلکه بیان زندگی روزمره در سیر داستانی نیز تاثیر بسزایی در بازنمایی و انتقال سبک زندگی پرداخته‌شده دارد. ایشان به‌رغم آنکه اقبال چندانی به تلویزیون ندارند اما پیرامون سریال پایتخت فرمودند: پایتخت‌ها را پیگیری کرده‌ام. روابط سالم بین خانواده‌های ایرانی و شئونات یک خانواده ایرانی در این سریال‌ها رعایت شده است. به مسئولان صداوسیما هم گفته‌ام که این سریال‌ها الگوی خوبی برای سریال‌سازی است. ایشان با اشاره به مردمی بودن این سریال همچنین گفته‌اند: «پایتخت» خیلی خوب بود. یک فيلم ایرانی. من همیشه اعتراض به هنرمندان این است که حتی دیالوگ‌ها را از روی کپی‌های فرنگی انتخاب می‌کنید. این، خب خیلی غلط و بد است. این نه، یک فيلم ایرانی کامل و درست است.

عکس برگردان واقعیت، از اوشین تا پایتخت

ایشان روايت زندگی معمولی در قالب فيلم را بسیار مهم دانسته و حتی از «اوشین» به عنوان الگویی موفق یاد می‌کنند. رهبر انقلاب در دهه ۷۰ به این سریال اشاره کرده و فرمودند: «اِپنی‌ها برمی‌دارند از زندگی معمولی و شخصی یک نفر، یک موضوع برای فيلم درست می‌کنند که مطابق با واقع است. اصلاً علت جاذبه فيلم‌های ژاپنی هم این است. البته هنرپیشه‌های خوبی دارند اما علت جاذبه این است که درست مطابق با واقع است. این سریال «سال‌های دور از خانه» ای که نشان می‌دادند که همه را جذب کرد، حتی امام را- حاج احمد آقا می‌گفت که امام مرتب این سریال را نگاه می‌کردند- علتش چیست؟ چون زندگی‌ای که آن شخص در فيلم دارد و آن کاری که او دارد می‌کند، درست مطابق با واقع است؛ یعنی همانی است که واقعیت دارد. اصلاً هنرمند این است؛ باید واقعیت را عکسبرگردان کند و به آدم نشان بدهد، حتی آن مقداری که آدم نمی‌بیند، برجسته کند، واقعیت را با همه ریزه‌کاری‌هایش جلا بدهد و جلوی چشم آدم بگذارد.»

وقتی ضعیف‌ترها قهرمان می‌شوند

اما در مقابل، رهبر انقلاب همواره از فيلم‌هایی که با عنصر جذابیت سعی دارند واقعیت را تحریف کنند، به بدی یاد کرده و آن را از رسالت هنر دور می‌دانند. ایشان درباره فيلم «لینکلن» فرموده‌اند: «من فيلم لینکلن را ندیده‌ام و هرگز نخواهم دید. چون معتقدم لینکلن ضعیف‌ترین رئیس‌جمهور آمریکا بوده و بدون شک در فيلم لینکلن، از او یک قهرمان ساخته‌اند». همچنین تحریف ایران در سینمای جهان نیز از جمله مسائلی است که همواره در هالیوود حضور داشته است، از جمله آن فيلم‌ها می‌توان به «۳۰۰»، «آرگو»، «بدون دخترم هرگز» و... اشاره کرد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «من تعجب می‌کنم که فيلم «آرگو» چقدر دیر ساخته شده است»، «همان کسانی که ۳۰ سال با این ملت مبارزه کردند، معارضه کردند، عناد ورزیدند، همان کسانی که در عرصه فرهنگی به قصد نابود کردن بنای خانواده و شکستن حریم عفاف و حجاب شبکه درست می‌کنند، در زمینه‌های سیاسی، فيلم «بدون دخترم هرگز» را، فيلم «۳۰۰» را می‌سازند که علیه حیثیت ایرانی است و سر تا پا دروغ و خباثت است؛ همان آدم‌ها ادعا می‌کنند که با ایران دشمنی ندارند، با ملت ایران دشمنی ندارند اما شب و روز دشمنی می‌کنند. این مساله خیلی مهم است.»

از نق تا انتقاد

البته بسیاری تفاوتی بین واقع‌گرایی و انتقاد با نق زدن و سیاه‌نمایی قائل نمی‌شوند. ایشان در تبیین واقع‌گرایی و چارچوب انتقاد می‌فرمایند: «یک فرق اساسی وجود دارد بین انتقاد کردن و نق زدن. انتقاد کردن این است که شما یک نقطه منفی را پیدا کنید، با تکیه بر نقطه مثبتی که در این اثر نمایشی شما، در این داستان شما وجود دارد، آن نقطه منفی را نشان بدهید و مغلوب کنید. جانمایه یک اثر نمایشی طبعاً داستان است، قصه است، سرگذشت است. شما در این سرگذشت، یک قهرمان دارید، یک هدف دارید. این هنرمندی که این فیلم‌نامه را می‌نویسد یا این کارگردانی که کارگردانی می‌کند، می‌خواهند چه

بکنند؟ می‌خواهند خروجی و محصول این مبارزه باشد؟ این خیلی مهم است. اگر محصول این مبارزه باید این باشد که در چالش خیر و شر، خیر بر شر فائق و غالب بیاید، پس بایستی شما حرکت خیر را، جریان خیر را توی این نمایش نشان بدهید. بله! حرکت شر را هم- ایرادی ندارد- نشان بدهید، اما معلوم بشود یک حرکت خیر وجود دارد که کاراکتر قهرمان دنبال آن است، برای آن مبارزه می‌کند، برای آن جانفشانی می‌کند؛ حتی گاهی جانش را بر سر آن می‌گذارد، برای اینکه به آن هدف برسد. یعنی درست است که شما عیب و زشتی را نشان دادید اما یک چیز بزرگ‌تری را نشان دادید و آن، جهاد برای مبارزه با این زشتی است؛ این می‌شود انتقاد. من به عنوان یک روحانی و به عنوان یک مسؤول در نظام جمهوری اسلامی، به شما عرض می‌کنم: اینجور انتقادی هیچ اشکالی ندارد، بلکه مطلوب است، چون این انتقاد، جامعه را به سمت رفع نواقص پیش می‌برد و حرکت می‌دهد؛ این خوب است.»

راز توفیق در هنر برتر

آنچه در این میان مشهود است، اهمیت واقع‌گرایی در سینماست. سینما با توجه به اینکه می‌تواند تمام حواس انسان را درگیر کند و جذابیت این هنر، قدرت تفکر را تا حد زیادی از انسان دریغ کند، همواره می‌تواند دستاویز تحریف و تغییر تاریخ شود. برجستگی وجه سرگرمی سینما موجب شده عده‌ای از این صنعت در جهت منافع خود سوءاستفاده کنند. از دیدگاه ایشان، هنر و به طور خاص سینمایی حائز ارزش است که با خود رسالتی به همراه داشته باشد. اهمیت سینما در نگاه ایشان تا درجه‌ای رفیع است که از آن به عنوان «پدیده‌ای منحصر به فرد و خاص» یاد کرده‌اند؛ ایشان می‌فرمایند: «هنر سینما بلاشک یک هنر برتر است؛ یک روایتگر کاملاً مسلط- که هیچ روایتگری تاکنون در بین این شیوه‌های هنری روایت یک واقعیت و یک حقیقت، تا امروز به این کارآمدی نیامده- و یک هنر پیچیده و پیشرفته و متعالی.» اما از دیدگاه ایشان، سینما و هنر به طور کلی دارای رسالتی است که هنر را از خطر بی‌قیدی و تبلی رها می‌کند. ایشان علاوه بر اینکه سینما را به عنوان «کلید پیشرفت کشور» معرفی می‌کنند، یادآوری می‌شوند که «هنرمند، هم در باب فرم و قالب هنر خودش و هم در قبال مضمون تعهد دارد. کسی که قریحه هنری دارد، نباید به سطح پایین اکتفا کند. این یک تعهد است. هنرمند تنبل و بی‌تلاش، هنرمندی که برای تعالی کار هنری خودش و ایجاد خلاقیت تلاش نمی‌کند، در حقیقت به مسؤولیت هنری خودش در قبال قالب عمل نکرده است... علاوه بر این، تعهد در قبال مضمون است. ما چه می‌خواهیم ارائه بدهیم؟ اگر انسان محترم و عزیز است، دل و ذهن و فکر او هم عزیز و محترم است. نمی‌شود هر چیزی را به مخاطب داد، فقط به صرف اینکه او نشسته و به حرف‌های ما گوش می‌دهد». این نظرات که سینما باید آینه واقعیت و حقیقت باشد و هنر لاجرم رسالت تعهد به جامعه را بر دوش دارد، و وجه مشترک بسیاری با نظرات شهید سیدمرتضی آوینی دارد که نگاه اشراقی به هنر اسلامی را رقم می‌زند. □

روایت مدیر سازمان سینمایی حوزه هنری از غلبه نگاه سیاسی در وزارت ارشاد دولت یازدهم

پای سیاست توی کفش فرهنگ



اختلال وزارت ارشاد دولت یازدهم موضوعی است که مدیر سازمان سینمایی حوزه هنری تلویحاً به آن اشاره کرده و همین اختلال را زمینه ساز وضعیت نابسامان سینما در کشور به لحاظ محتوایی خوانده است؛ اختلالی که به زعم محمد حمزه زاده بیش از همه ناشی از غلبه نگاه سیاسی مدیران فرهنگی دولت یازدهم است.

مدیر سازمان سینمایی حوزه هنری در گفت و گویا روزنامه جوان از نظرسنجی هایی که در حوزه هنری با گروه هایی از مردم انجام گرفته و نتایج آن سخن گفته است؛ نتایجی که بار دیگر ضعف مفرط سینمای ایران در برقرار کردن نسبت درست با مخاطب را عیان می کند، وضعیتی که باعث شده حوزه هنری به جای وزارت ارشاد برای اثرگذاری بر این شرایط نامطلوب از اهرم های قانونی خود استفاده کند.

به گفته محمد حمزه زاده، حاصل این نظرسنجی ها و مطالعات میدانی دستمایه ما می شود برای اینکه بتوانیم برنامه ریزی کنیم و بر آن مبنای پیش برویم. علاوه بر اینها، سالانه حدود ۵ تا ۸ میلیون بلیت در سالن های سینما به فروش می رسد که جامعه مهمی برای نظرسنجی به شمار می روند. از این جامعه، بیش از نیمی شهرستانی هستند. نظر آنها این است که فیلم ها جذاب نیستند، اتفاق و حادثه خیلی قابل اعتنایی ندارند، فیلم ها قهرمان ندارند، داستان فیلم ها خیلی سطحی است، خیلی شهری و تهرانی است و ربطی به مسائل شهرستان ها ندارد. هنوز در شهرستان های ما پوستر فیلم های حادثه ای و اکشن دهه ۶۰ عروسی دیوار هاست، مثلاً هنوز پوستر فیلم افی را می بینید، تاراج را می بینید، زینال بندری هنوز آنجا یک معنی و مفهومی دارد.

حمزه زاده تلویحاً به بحران در انتخاب سوژه و مضامین در سینمای ایران هم اشاره کرده و گفته: بخش مهم تری که به محتوا و جهت گیری و مضمون فیلم ها مربوط می شود، موضوعاتی است که سینما به سمت آنها می رود. این موضوعات نه اینکه برگرفته از مسائل مهم جامعه نباشد، ولی بعضی از آنها اساساً قابل طرح در یک جامعه و فضای عمومی مانند سینما نیست. بالاخره سال هاست که راجع به آسیب های اجتماعی ایران بحث می شود و فهرستی از این آسیب ها تهیه شده و در اختیار اصحاب رسانه، هنر و مسئولان مربوط قرار گرفته است. بعضی از هنرمندان و نویسندگان احساس تکلیف می کنند تا براساس این آسیب ها تولیداتی داشته باشند و فیلم هایی بسازند. گاهی دغدغه اصلی مردم را شناخته ایم اما نوع نگرش به آن مسائل، مصائب و آسیب ها و نحوه طرح آنها با ملاحظات اجتماعی مواجه است. گاهی راه حل هایی که نشان داده می شود، در حوزه خط قرمزها است و نهایتاً موجب شکستن بعضی از حریم ها می شود، مثلاً در موضوعات مربوط به خانواده، بعضی از صحبت ها گاهی باید بین یک زن و شوهر و یک روانشناس در یک اتاق در بسته

باید به مسئولیت سنگین خودشان واقف باشند و بدانند که تساهل، تسامح و نادیده گرفتن حساسیت هایی که به عهده شورا است، بعدها چه اشکالات و فجایعی در حوزه مخاطبان و مشتریان ایجاد می کند. البته می دانم چه دغدغه هایی وجود دارد و با بعضی از دوستان یک مذاکراتی داریم، اما از خروجی کل شورای پروانه نمایش خصوصاً در ماه های اخیر، یک مقدار احساس نگرانی کردیم و با مسئولان ارشاد هم جلساتی داشتیم و صحبت کردیم.

در همین صفحه در مطلبی با عنوان مردانی که در زمین فرهنگ سیاست درو می کنند، نوشتیم که دایره اهداف و آمال بخش عمده ای از مردان فرهنگی دولت یازدهم سیاسی است و همین سیاست زدگی سبب می شود فضای فرهنگی کشور نیز سیاسی شود. بخشی از سخنان محمد حمزه زاده نیز به همین واقعیت تلخ اشاره داشت: «گاهی این خروجی تماماً حاصل تصمیمات شورای نمایش نیست و می دانیم که مثلاً وزیر این اختیار را دارد که خودش به فیلمی پروانه ساخت و پروانه نمایش بدهد یا حتی جلوی آن را بگیرد. همین الان بعضی فیلم هایی که از سوی وزارت ارشاد توقیف شدند - که خود وزارتخانه پروانه ساخت داده است - مسیرهای معمول برای دریافت پروانه ساخت را طی نکرده اند. یعنی مسئول مربوط دستور داده و گفته من با مسئولیت خودم به این فیلم پروانه می دهم و این مسائل باعث شده مشکلاتی در حوزه نمایش فیلم ها به وجود بیاید. یکی از دلایل به وجود آمدن این وضعیت، نزدیک و دور شدن به موقعیت ها و مناسبت های انتخاباتی است. فشارهایی که سیاستور روی حوزه سینما می آورند، توقعاتی که سیاسی ها از سینماگران دارند و انتظاراتی که سینماگران از سیاستور دارند،

مطرح شود، نه روی پرده سینما. افرادی روی صندلی سینما می نشینند که گزینش نشده اند؛ خانواده های مختلف هستند، دارای گرایش ها و باورهای مختلفی هستند.

گاهی فیلم برای بسیاری از آنها معنی دار است و گاهی برای خیلی از آنها «خط قرمز» است یا رعایت سن شان یا جایگاه اجتماعی شان نشده است. نه اینکه موضوعاتی که اینها می پردازند مسئله جامعه نیست و باید چشم روی اینها بست، بلکه نحوه طرحش و پیشنهادی که فیلم به مخاطبان می دهد، در جامعه مشتری سینماها، چالش هایی ایجاد کرده است که در درآمدت منجر به ریزش مشتریان شده است. یک یا دو بار، شخص با خانواده اش به سینما می آید، وقتی ببیند فیلم رعایت حدود خانوادگی را نمی کند، ترجیح می دهد که تفریح دیگری را انتخاب کند. در حالی که براساس ارزیابی هایی که شده یکی از ارزان ترین تفریحات خانواده ها، سینما رفتن است و با این روند، خانواده ها از همین تفریح هم محروم می شوند؛ اتفاقی که الان هم افتاده است.

مدیر سازمان سینمایی حوزه هنری بخشی از این ناهنجاری سینمایی را ناشی از ضعف شوراهای نظارتی می داند: «پیشنهادهای خاصی نداریم که ترکیب اعضای شوراها از صنوف مختلف باشد یا چطور باشند، پیشنهاد و دغدغه ما عمدتاً این است که این افراد باید از جهت اعتقادی صددرد اصولگر به معنای واقعی و نه سیاسی کلمه باشند، یعنی عامل و مراقب اصول و مبانی اخلاقی اسلام و انقلاب باشند. زمانی که ما راجع به خود سینما صحبت می کنیم، می گوئیم سینماگر باید اصلاحگر و مصلح باشد. باز منظورمان معنی سیاسی اصلاح طلبی نیست. واقعیت این است که اعضای شورا

اکران فیلم مبتذل آرامش سینما را دوباره بر هم می‌زند؟!

پا تو کفش ۵۰ کیلو آلبالو!



نوروز سال ۹۵ شاهد بودیم که مانی حقیقی که بیشتر سینمای تجربی و معناگرا را دنبال می‌کرد در چرخشی آشکار به سمت سینمای بدنه، کمدی دم‌دستی «۵۰ کیلو آلبالو» را ساخت که به دلیل محتوای ضد خانوادگی، انتقادهای زیادی را به همراه داشت. «۵۰ کیلو آلبالو» در اواخر اکرانش با دستور مستقیم وزیر وقت ارشاد توقیف شد. بعد از آن بود که حسین فرحبخش در پنجمین تجربه کارگردانی نیز از درام‌های اجتماعی به سمت سینمای کمدی رفت و فیلم «پا تو کفش من نکن» را ساخت؛ فیلمی که گفته شده شباهت زیادی به فیلم مانی حقیقی دارد.

فرحبخش که بیشتر فعالیت سینمایی‌اش به تهیه‌کنندگی فیلم‌های تجاری و متوسط سینما اختصاص داشته و تلاش کرده است تا جریان فیلمسازی را با بازسازی فیلم‌های مشهور قبل از انقلاب، زنده نگه دارد، این بار هم خط داستانی را که «۵۰ کیلو آلبالو» ترسیم کرده است، ادامه داده است. در برخی از نقدها درباره «پا تو کفش من نکن» این فیلم را نسخه دوم «۵۰ کیلو آلبالو» معرفی کرده‌اند.

حالی که سینمای جهان دوباره به سمت جذب خانواده‌ها به سینماها گام برمی‌دارد و فیلم‌های مناسب برای تمامی اعضای خانواده بیشترین میزان استقبال را در سینماها دارند، در ایران فیلم‌هایی تولید می‌شود که نمی‌شود آنها را با همه اعضای خانواده دید؛ سینمایی که تلاش دارد سینما را از محیطی خانوادگی به فضایی تبدیل کند که فیلم‌ها صرفاً با رده‌بندی سنی قابل مشاهده باشند. گفته شده که «پا تو کفش من نکن» قرار است برای کودکان زیر ۱۲ سال ممنوع شود اما سامانه فروش اینترنتی این فیلم هیچ اشاره‌ای به چنین محدودیتی ندارد و صرفاً این کار را می‌توان در ادامه تبلیغات و خبرسازی برای این فیلم دانست. حتی اگر چنین رده‌بندی سنی اعمال شود، آیا داستان این فیلم برای نوجوانان زیر ۱۸ سال مناسب است؟! با نادیده گرفتن حقوق خانواده‌ها در داشتن یک سینمای سالم، قطعاً در آینده با کاهش حضور خانواده‌ها در سینما شاهد افت فروش و ضرر اقتصادی به بدنه سینما خواهیم بود. ●

منبع: روزنامه جوان/هادی عسگری

با وجود انتشار اخباری مبنی بر توقیف فیلم سینمایی «پا تو کفش من نکن»، این فیلم اکران شد.

«پا تو کفش من نکن» به کارگردانی حسین فرحبخش داستان دو زوج است که برای عقد به محضر می‌روند ولی در شلوغی محضر، در درج عقد آنها اشتباهی صورت می‌گیرد و ماجراهایی بعد از آن رخ می‌دهد. فضای کلی این فیلم سینمایی شباهت زیادی به «۵۰ کیلو آلبالو» دارد که به خاطر ابتذال بیش از حد از سوی علی جنتی وزیر ارشاد وقت توقیف شد. در نقدهایی که طی روزهای اخیر درباره اکران فیلم «پا تو کفش من نکن» منتشر شده، به خاطر این شباهت محتوایی تذکرات متعددی به وزارت ارشاد داده شده است. به خصوص اینکه برخی از رسانه‌ها میزان ابتذال این فیلم سینمایی را خیلی بیشتر از «۵۰ کیلو آلبالو» عنوان کرده‌اند. متأسفانه تا به امروز سازمان سینمایی نسبت به این نقدها واکنشی نداشته است و گویا لزومی برای توجه به این نقدها هم نمی‌بیند.

فیلم‌های کمدی امسال نیز در رأس فروش سینماها قرار گرفته‌اند تا بار دیگر ثابت شود در ژانرهای سینمای ایران، حرف اول را فیلم‌های کمدی می‌زنند. دو سالی است که از مجموع فروش سینماهای کشور، کمدی سهم قابل توجهی را به خودش اختصاص داده و اگر میزان فروش این فیلم‌ها را از مجموع درآمد سینما کسر کنیم، چیزی جز ضرر و زیان برای سینما باقی نخواهد ماند.

جریان اقتصادی فیلم‌های کمدی باعث شده تا هم میزان ساخت و هم میزان اکران آنها نسبت به دیگر ژانرها افزایش چشمگیری داشته باشد و کارگردان‌های متعددی با ساخت فیلم شانس خود را برای موفقیت سینمای کمدی بسنجند.

هجوم بی‌رویه برای ساخت فیلم کمدی باعث شده است میزان کیفیت آثار تولید شده با نزول قابل توجهی روبه‌رو شود و نویسندگان فیلم‌نامه‌های کمدی از دم‌دستی‌ترین ایده‌ها برای خلق موقعیت طنز استفاده کنند.

در کمال تأسف که شاهد هستیم که این ایده‌ها صرفاً به مسائل جنسی و به کار بردن الفاظ رکیک خلاصه شده است. نمونه‌ای از این رویکرد را در

زمینه‌ساز برخی مشکلات موجود است.

در اوایل تشکیل دولت یازدهم، آقای روحانی در روزهای اول با وزرای دولت قبل جلساتی می‌گذاشت و گزارشاتی از آنها می‌گرفت. یکی از وزرایی که از حوزه فعالیتش گزارش داد، آقای سیدمحمد حسینی وزیر سابق ارشاد بود. وقتی از جلسه بیرون آمد از وی پرسیدند: «سؤال رئیس‌جمهور از شما چه بود»، گفت: «آقای رئیس‌جمهور پرسید چند کتاب الان در نوبت ممیزی مانده و توقیف است؟» این سؤال برای ما که در حوزه نشر هم بودیم خیلی جالب بود، چرا که مسئله ممیزی و سانسور در حوزه کتاب به لحاظ کمیتی آن قدر مهم نیست که در اولین ملاقات رئیس‌جمهور منتخب کشور با وزیر ارشاد دولت قبل مطرح شود. این مسئله به معنی این است که عده‌ای نزد رئیس‌جمهور این بحث‌ها را بزرگنمایی کردند یا اینکه در زمان انتخاب وزیر فعلی ارشاد آقای صالحی امیری، وزیر رسماً به معاونش نامه می‌نویسد که تکلیف چهار فیلم توقیفی را تا دو ماه دیگر مشخص کنید.

این در حالی است که فیلم‌های زیادی هنوز در نوبت اکران است و سالانه ۳۰ تا ۴۰ فیلم به دلیل بی‌عدالتی‌های برنامه‌اکران با همین ظرفیت فعلی اکران که وجود دارد، از نمایش بازمی‌مانند. مشخص است پشت این مکاتبه‌ها و پشت این دغدغه‌هایی که برای وزیر ایجاد می‌شود، دغدغه سیاسی است، خصوصاً وقتی اینها در سطح رسانه مطرح می‌شود، مثلاً من وزیر هستم و شما معاون من هستید. من می‌توانم به شما یک پیامک بدهم بگویم این فیلم‌ها چه شد؟ یا نامه بنویسم در سیستم ارسال کنم یا زنگ بزنم بگویم تکلیف این چهار فیلم چه شد؟ وقتی می‌آیم در سطح رسانه یک نامه منتشر می‌کنم که آقای معاون! تکلیف آن چهار فیلم را روشن کن، یعنی دارم با یک گروهی در بیرون صحبت می‌کنم. به رسمیت شناختن این فشارهای بیرونی و توقعات گاهی غیرمنصفانه و غیرقانونی هم یکی از مشکلاتی است که فشارش هم روی شورای پروانه نمایش است و هم شورای پروانه ساخت، یعنی یک فیلم می‌آید برای صدور پروانه نمایش و فشار بیرونی زیادی وارد می‌شود که برای این فیلم کاری نکنید و گاهی موجب این می‌شود که ما با یک فیلمی مواجه می‌شویم که نمی‌توانیم اکران کنیم.»

به گزارش «جوان»، ذهنیت سیاسی مدیران فرهنگی کشور معضل بزرگی است که همواره موجب جلوگیری از رشد و ارتقای فرهنگ در کشور شده است. ذهنیتی که به جای دیدن منافع ملی و برقرار کردن نسبت فرهنگی با این منافع اهدافی چون کسب قدرت را اولویت خود قرار می‌دهد. همین نگاه باعث شده دستگاه‌های فرهنگی دولت یازدهم اغلب دچار کار افتادگی و نوعی سردرگمی باشند و اختلال در آنها کاملاً به چشم بیاید. ①

منبع: روزنامه جوان/جواد محرمی

آیا شوخی‌های اروتیک و مبتذل شأن سینمای ایران است؟



در شرایطی که اعتراضات از سوی اقشار مختلف به آثار نامناسب سینمایی صورت گرفته بود، جمعی از اهالی سینما با قومی قبيله‌ای کردن دعوای توقیف فیلم‌ها کمپین «شأن سینما» را برای مخالفت با این موضوع تشکیل دادند.

سینمای ایران ظرف چند سال گذشته، ایام پر حاشیه‌ای را پشت سر گذاشته است؛ آن هم حاشیه‌هایی که در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی از بدنه فرهنگی کشور اسلامی ایران قابل پذیرش نیست. بازگشت رو به عقب سینماگران کشور ما نه تنها در اظهار نظرهای شخصی بلکه در آثارشان نیز به روشنی قابل رویت است و در برخی موارد حقیقتاً باعث تاسف است.

شاید کسی گمان نمی‌کرد ۴۰ سال بعد از پیروزی انقلاب روی پرده‌های سینمای کشور شاهد شوخی‌های رکیک جنسی و محتواهای عجیب و غریبی باشیم که جز دهن کجی به احکام الهی هدف دیگری نمی‌توان برای‌شان متصور شد. علاقه زیاد اهالی خانواده سینما به هنجار شکنی‌های دینی و اعتقادی جوری شدت گرفته که بیش از بدنه فرهنگی جمهوری اسلامی به طرز فکر غالب اعضای گروهک‌های تندروی ضد اسلامی شبیه است.

جالب اینکه دکتر صالحی امیری وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی به تازگی در حاشیه جلسه هیأت دولت در جمع اهالی رسانه عنوان کردند: «ما معتقد هستیم که حتماً باید حساسیت لازم نسبت به حساسیت‌های دینی داشته باشیم و فیلم‌ها حتماً باید ارزش‌های دینی و اخلاقی را تبلیغ کنند.»

حساسیت داشتن نسبت به مفاهیم دینی و اهتمام به ارزش‌های مذهبی و اخلاقی بدیهی‌ترین نکته‌ای است که هر مقام مسئولی در دولت باید به آن «وظیفه‌مند» باشد بویژه، مدیران و مسئولان حوزه فرهنگ و اخص، حوزه سینما

شکی در درستی این گفتار نیست. آثار سینمایی، هنری و محصولات فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی باید به دغدغه‌های دینی، اخلاقی و اعتقادی جامعه توجه نمایند و چنانچه، شواهد و مواردی خلاف این رخ نماید وزارت ارشاد نخستین جایی است که باید پاسخگو باشد.

حال باید از مدیران فرهنگی و سینمایی پرسید: فارغ از فضای انتخابات و جریان سازی‌های رسانه‌ای در افکار عمومی در مسیر فعالیت‌های فرهنگی و سینمایی در چند ماهه اخیر چه اتفاقاتی دارد می‌افتد؟ اعلام رفع توقیف فیلم‌هایی که در وزارت ارشاد

شوخی‌های اروتیک، حضور کارکتری که معلوم نیست زن است یا مرد و در خانه یک زن تنها زندگی می‌کند در عین اینکه به مردان تمایل دارد، تمسخر فرهنگ از دواج و... همه دارایی فیلمی است که در نهایت ناباوری این روزها در حال اکران است.

«پاتو کفش من نکن» در روزهای ابتدایی اکران فروش بسیار ضعیفی داشته که به نظر می‌رسد ناشی از سطح پایین بودن و به اصطلاح زرد بودن بیش از اندازه فیلم، اما این فروش کم، از مسئولیت وزارت ارشاد برای اعطای مجوز ساخت و نمایش به این فیلم کم نمی‌کند؛ همانطور که فروش بالای برخی فیلم‌ها نشان از فاخر بودن آن اثر نیست.

وزارت ارشاد با اتکا به کدام مکتب دینی فیلم‌های مستهجن را نظارت می‌کند؟

وقتی اثری در دولت جمهوری اسلامی مورد تایید واقع شده و به پرده‌های سینما راه پیدا می‌کند یعنی باید از حداقل‌های استاندارد اخلاقی و دینی برخوردار باشد، چیزی که این روزها با اهتمام وزارت ارشاد به اکران فیلم‌های توقیفی کمتر می‌توان دید

آیا در فیلم‌واره‌های جنسی و جوک‌های تصویری با همان «ساندویچ‌های کثیف»ی که این روزها پشت سر هم از گلوگاه نظارتی ارشاد به جامعه سرریز می‌شوند حساسیت‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی لحاظ شده است؟

آیا این هجویه‌های مستهجن که الفاظ نامناسب، توهین آمیز و محتویات سخیف و شرم آور، بی‌حیایی، بیان استعاره‌ها و کنایه‌های رکیک، شوخی‌های اروتیک، حرف‌های دو پهلوی معانی وقیح، شوخی‌های جنسی، ادبیات جنسی و رفتاری، خارج شدن از دایره

همین دولت متوقف شده اند و تشکیل کمیته‌ای برای تسریع در پاسخگویی به جو هیجان زده و احساسی بعد از انتخابات و در پیش گرفتن سیاست درهای باز که منجر به عرضه فیلم‌هایی مغایر با باورهای اعتقادی، اخلاقی و دینی جامعه شده است و نیز، گشایش میدان برای عرض اندام و سیطره فیلم‌های شبه طنز مریض و هجویه‌های جنسی در حوزه سینما و صدور مجوز برای نمایش‌های وهن آلود و تئاترهای هنجار شکن، انتشار نامه سرگشاده هفده نماینده مجلس و جمعی از عالمان و هموطنان ارمنی و مسیحی، نامه بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)، و... گوشه‌های از عملکرد وزارت ارشاد طی ماه‌های اخیر است.

علاقه‌مندی زنی شوهردار به مردی دیگر روی پرده‌های سینما!

این روزها زنجیرهای از آثار هنجار شکن و موهن زینت بخش سالن‌های سینما و تئاتر کشور است. مادر قلب اتمی، اکسیدان، پنجاه کیلو آلبالو (نمایش خانگی)، من عصبانی نیستم (بازار سیاه)، و فیلم سخیف «پا تو کفش من نکن»، اثری زرد که سعی دارد با شوخی‌های مبتذل و جنسی برای محتوای توهین آمیزی که ارائه کرده جذابیت ایجاد کند.

داستان این فیلم دقیقاً مشابه داستان فیلم توقیفی «پنجاه کیلو آلبالو» است که در دولت یازدهم مجوز گرفت و بعد از واکنش‌های بسیار زیادی که داشت از روی اکران برداشته شد.

قصه حول محور ثبت اشتباه اسامی دوزوج در شناسنامه‌های شان است که ماجرا را به ابراز علاقه یکی از مردان قصه به زنی شوهر دار و همچنین علاقه مندی زنی متأهل به مردی غیر از همسرش می‌کشاند.



عفت عمومی در کلام و رفتار و حتی، مسخره کردن آئین‌های مذهبی خانواده‌های مسلمان و مسیحی همچون: سفره‌های نذری و آئین کلیسا به وفور در آن‌ها موج می‌زند با نگاه به همین حساسیت‌ها و معیارهای اخلاقی و دینی وارد متن جامعه شده‌اند؟

اگر پاسخ وزارت ارشاد به این پرسش‌ها مثبت است، باید به‌رسم آقاییان با نگاه به احکام کدام دین و معارف کدام مکتب اخلاقی این آثار را مورد بررسی قرار داده‌اند حجم وسیع اعتراضات علما، مردم، مسئولین و حتی تاثیرگذاران عرصه سینما مثل مسئولین حوزه هنری به جو موجود نشان می‌دهد که این روزها بیش از هر زمانی، محصولات سینمایی و هنری در سایه ضعف‌های نظارتی به جامعه عرضه می‌شوند و به نوعی شاهد «تساهل و تسامح»ی هستیم که بی‌شک می‌تواند مخاطرات زیادی را متوجه جامعه ایران بکند.

بیان شوخی‌های رکیک در جمع نشان دهنده اختلال روانی فرد است!

برخی با این توجیه که برای اکران فیلم‌های سینمایی رده سنی تعیین می‌کنیم سعی دارند اکران این فیلم‌ها را در مسیری معقول جلوه بدهند، در حالی که اساساً به نمایش در آوردن شوخی‌های رکیک از نظر علمی برای هیچ یک از رده‌های سنی مناسب نیست.

در این باره دکتر علی اصغر اصغرزاد روانشناس بالینی و عضو گروه بهداشت روان دانشگاه علوم پزشکی ایران به خبرگزاری دانشجو گفت: در مورد مخاطرات احتمالی شوخی‌های جنسی در سینما گفت: شوخی بسیار لازم و مفید است، اما حد و حدود خودش را دارد، از لحاظ عقلی همه چیز یک چارچوب و حدود مشخصی باید داشته باشد شوخی هم همین طور است.

او ادامه داد: وقتی کسی خیلی بی‌حیا و دریده صحبت کند شأن و احترام خودش را زیر سوال می‌برد و قطعاً دیگران در مورد او قضاوت خواهند کرد.

اصغرزاد توضیح داد: به هر حال مغز ما انسان‌ها برای بازداری از گفتن حرف‌های نامناسب تم‌هایی دارد. ممکن است در مغز ما هر فکری وجود داشته باشد، اما آن‌ها را به زبان نمی‌آوریم و یا حداقل آن را در هر مکان و به هر کسی نمی‌گوییم! اگر فردی خلاف این رویه عمل کند، یعنی هر مطلب زشت و رکیکی را در جمع بازگو کند، این معنایش این است که به گونه‌ای با اختلال فکری مواجه است. یعنی آن ترمزهای بازدارنده در مغزش کار خودشان را به درستی انجام نمی‌دهند.

این روانشناس بالینی تکمیل کرد: مثلاً فردی که الکلی یا ماده مخدر مصرف کرده باشد هوشیاری کافی ندارد و به همین دلیل ممکن است هر حرفی را به زبان بیاورد؛ اصطلاحاً می‌گویند فلانی عقلش سر جایش نیست! بنابراین طبیعی نیست که فردی در حالت عادی و بدون مصرف ماده‌ای خاص کنترل عقلانی روی گفتارش نداشته باشد، پس احتمالاً دچار نوعی اختلال فکری است.

علی اصغری ادامه داد: حالا اگر قرار باشد این مطالب مستهجن را که به زبان آوردنش در جمع نوعی اختلال روانی محسوب می‌شود، در یک تریبون عمومی به

و نگرانی‌ها برای سلامت جامعه افزایش پیدا کرده بود، جمعی از اهالی سینما با قومی قبیله‌ای کردن دعوی توقیف فیلم‌ها کمپین «شان سینما» را برای مخالفت با این موضوع تشکیل داده و برخی سعی کردند ماجرای توقیف‌ها را سیاسی جلوه بدهند.

هومن سیدی، بازیگر و کارگردان سینما نیز در برنامه اینترنتی فریدون جیرانی در مورد توقیف‌ها گفت: شان سینمای ایران خیلی بیشتر از توقیف است و هیچ فیلمساز ایرانی نیست که فیلمی خارج از مرزهای اخلاقی بسازد!

او همچنین گفت: گروهی فکر می‌کنند حتماً باید یکسری دلواپس بالای سر دوستان باشند. طبیعی است که ما از یک خطی آن طرف‌تر نمی‌رویم. اگر آزادی مطلق هم برای من فیلمساز باشد، چون در این مملکت بزرگ شده‌ام، امکان ندارد که یکسری اخلاقیات را زیر پا بگذارم!

امیر جعفری هم که در روزهای قبل از انتخابات برای حمایت از حسن روحانی مردم را رعیت‌های تن پرور خطاب کرده بود، به تازگی و در واکنش به انتقاداتی که به برخی از این فیلم‌ها شده گفته است: به کار بردن کلمه «مردم» از سوی جناح دلواپس واقعاً خنده دار است. آن‌ها خودشان را از مردم می‌دانند و ما را نه! انگار ما از مریخ آمده ایم.

او همچنین با اشاره به فروش فیلم گشت ۲ تأکید کرده: شاید هم فکر می‌کنند آن مردمی که ۲۰ میلیارد پول داده و گشت ۲ را تماشا کرده انداز مریخ آمده‌اند! من نمی‌فهمم چرا برخی به خودشان اجازه می‌دهند از طرف مردم صحبت بکنند!

حالا باید از وزیر ارشاد، هومن سیدی و سایر همکارانش پرسید آیا واقعاً از نظر آن‌ها شأن سینمای ایران را همین شوخی‌های رکیک جنسی و بی‌احترامی به ادیان و عقاید ساخته است که برای مقابله با توقیفش حاضرند هر کاری بکنند؟

گروه فرهنگی خبرگزاری دانشجو - فاطمه سادات بکائی

گوش همه مردم برسانیم این دیگر نه تن‌ها به شعور اجتماعی فرد مربوط است بلکه نشان می‌دهد از نظر عقلی واقعا در جایگاه سلامتی نیست و وضع خوبی ندارد

عضو گروه بهداشت روان دانشگاه علوم پزشکی همچنین گفت: اینکه بخواهیم روی این اختلال روانی اسم کم‌دی و طنز بگذاریم و آن را در سینما و رسانه به مردم نشان دهیم واقعا یک فاجعه بزرگ است.

او ادامه داد: مردم باید بدانند که این واقعا طنز نیست؛ بین پرده در و طنز خیلی تفاوت وجود دارد. یکسری حرف‌ها متعلق به فضای بسیار خصوصی است و تن‌ها آن دو نفری این‌ها را به هم می‌گویند که خیلی با هم صمیمی و محرم هستند، معلوم است که گفتن حرف‌هایی تا این حد خصوصی و سرت در تریبون رسمی رسانه و سینما کار عاقلانه‌ای نیست و کسی که به گفتن این حرف‌ها در ملا عام اصرار دارد دچار اختلال روانی است.

اصغرزاد اضافه کرد: متأسفم که این روزها این اختلال از طریق رسانه دارد همه گیر می‌شود؛ وحشتناک است که یک ناهنجاری رفتاری دارد تبدیل به یک هنجار و رفتار عادی می‌شود. باید بدانیم که هرزه‌گویی نوعی اختلال است و واقعا بی‌معنی است که یک نفر بیاورد اختلال شخصیتی‌اش را در رسانه به همه مردم نشان دهد و آن‌ها را تشویق کند که شما هم مثل من باشید.

این روانشناس در تایید صحبت هایش گفت: انسان اول فکر می‌کند بعد فکرش را به زبان می‌آورد و بعد به آن عمل می‌کند. این یک رویه طبیعی و اثبات شده است، بنابراین غیر منطقی نیست اگر بگوییم به زبان آوردن حرف‌های زشت در ملا عام مقدمه عمل به همان رفتارها در جمع است و این بسیار نگران‌کننده است. موج سواری سیاسی هنرمندان از روند «توقیف» آثار نامناسب/وقتی توهین کننده به مردم، حامی‌شان می‌شود

در شرایطی که این نگرانی‌ها و اعتراضات از سوی اقشار مختلف به آثار نامناسب سینمایی صورت گرفته

درجه‌بندی سنی یا یک حرکت نمایشی اطمینان کاذب نیست؟

و تلویزیون پدیده جدیدی نیست. از اوایل قرن بیستم و در بازه زمانی نزدیک به عمر خود سینما، این قانون بوجود آمد و با شدت و حدت اجرا می‌شود و سازمان‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی نگران تأثیرات مخرب بسیاری از فیلم‌های تولیدی هالیوود و کمپانی‌های فیلم سازیشان بودند و به مقابله و وضع قوانین برای صیانت از کودکان و نوجوانانشان در قبال فیلم‌هایی پرداختند که باعث ترویج مسائل غیر اخلاقی و رشد ضد ارزش‌ها در اجتماع بوده. فیلم‌هایی که در آن کلمات زشت، صحنه‌های خشونت‌بار، نمایش عریان خشونت و نمایش صحنه یا کلام خشونت‌آمیز یا غیر اخلاقی و... آمده باشد. از این رو آمدند فیلم‌ها را در گروه‌های مختلف سنی تقسیم کردند. این گروه‌ها شامل «G» (برای همه سنین)، «M» (با نظارت والدین) و «R» (مختص گروه سنی بالای ۱۷ سال) بود و گروه «X» هم به طور کلی فیلم‌های غیر اخلاقی را در بر می‌گرفت و برای رده سنی بالای ۱۸ سال در نظر گرفته شده بود. در سال ۱۹۶۹ تبدیل به PG گردید و این قانون همچنان در حال احراست.

در این میان، نهادهای صاحب سینما و یا سینماداران هم این حق را ندارند در مواجهه با اثری که برخی از شاخصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و ضرورت‌های خانواده‌ها و نوجوانان و جوانان را رعایت نکرده از اکرانشان حذف کنند. چرا که به مذاق عده‌ای خوش نمی‌آید و با استفاده از انواع فشارهای رسانه‌ای و جنگ‌های روانی این گونه اقدامات را «فراقانونی» تعبیر می‌کنند و با شلتاق، سفسطه و هیاهو آن نهاد را تخریب و تخطئه می‌کنند. به هر حال درجه‌بندی فیلم‌ها با توجه به مضمون و نوع آثار، یک ضرورت انکار نشدنی است. در شرایطی که دستگاه‌های مسئول فاقد ابزارهای کارآمد و موثر در این عرصه باشند و قادر به وضع قوانین محکم و پیش‌بینی تمهیدات موثر نباشند یا وظیفه صیانت از اصول اخلاقی و سلامت نوجوانان و جوانان و امنیت و آرامش خانواده‌ها در سینماها از مراکز فرهنگی دلسوز و وظیفه‌مند سلب می‌شود؟

به نظر می‌رسد دادن ویژگی درجه‌بندی سنی به برخی فیلم‌ها از جمله: پا تو کفش من نکن ساخته محمدحسین فرحبخش بیش تر شبیه یک پز نمایشی و شو هست و هیچ گونه مبنای اجرایی ندارد، چرا که اقدامی چنین عجولانه و شتابزده بدون شک، فاقد مکانیسم‌های اجرایی و ابزارهای نظارتی است.

تسنیم

تماشاگران عمومی GENERAL AUDIENCES G All Ages Admitted		محتوای جنسی و خطرناکی برای کودکان نیز ندارد
با راهنمایی و تصمیم والدین PARENTAL GUIDANCE SUGGESTED PG Some Material May Not Be Suitable for Children		ممکن است مواردی برای بچه‌ها مناسب نباشد و در واقع ممکن است والدین دوست نداشته باشند کودکان ببینند
تذکر قاطع به والدین PARENTS STRONGLY CAUTIONED PG-13 Some Material May Be Inappropriate for Children Under 13		بعضی از موارد برای بچه‌های زیر ۱۳ سال مناسب نیست و والدین برای اجازه دادن به فرزندان‌شان باید دقت کنند. این فیلم‌ها حاوی نمایش کامل سکس، خشونت و پرهنگی نیستند
الزام به همراهی والدین برای زیر ۱۷ سال RESTRICTED R Under 17 Requires Accompanying Parent or Adult Guardian		بچه‌های زیر ۱۷ سال باید با والدین همراه باشند و با شخص بزرگتری صورت‌بندی آنها باشد. این فیلم‌ها ممکن است حاوی کلمات رکیک، خشونت، سکس و نمایش استعمال مواد مخدر باشند
ممنوعیت برای اشخاص ۱۷ سال و کوچک‌تر NO ONE 17 AND UNDER ADMITTED NC-17 Adults Only No One 17 and Under Admitted		به هیچ عنوان اشخاص ۱۷ ساله و کمتر از این سن حق نمایش این فیلم‌ها را ندارند. این فیلم‌ها ممکن است حاوی صحنه‌های واضح سکس، بی‌حاشیایی، خشونت زیاد و یا نمایش این موارد باشند

سازی‌های مقطعی ناشی شده است. مطالبات کمپرس شده در حوزه فرهنگ و ناتوانی و ناکارآمدی مدیران سینمایی ارشاد در حل و فصل اصولی و ریشه‌ای معضلات دلیل موجهی نیست تا از کنار جدی‌ترین مشکلات سینما، تابوشکنی‌ها، هنجار شکنی‌ها و خیانت به فرهنگ عمومی با ابلاغ «یک بند بی‌کیفیت» بگذریم.

آقای وزیر محترم و رئیس سازمان سینمایی اش باید پاسخ‌گو باشند. وقتی برای فیلمی درجه سنی ۱۸+ تعیین می‌شود این درجه‌بندی در سینمای جهان به دسته خاصی از فیلم‌ها اطلاق می‌شود. واقعا با کدام ابزار و سازوکار نظارتی و اجرایی قرار است این قاعده در سالن‌های سینمایی رعایت شود؟

مسئله رده‌بندی سنی محصولات فرهنگی، در جوامع جدید به یک امر مهم و جدی بدل شده و بسیاری از برنامه‌ها با محوریت رشد، آموزش، بهداشت و حمایت از کودکان و نوجوانان در برنامه‌ریزی‌های کلان ملی تعریف می‌گردند و این نقش دولت‌ها را در تأمین حقوق اساسی کودکان و خانواده‌ها و سلامت اطلاع‌رسانی درست به کودکان نشان می‌دهد.

درجه‌بندی سنی برای پخش فیلم و تأثیر در سینماها

اقدام شتابزده ابلاغ درجه‌بندی سنی به برخی فیلم‌های مسئله‌دار و هنجارشکن از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جای تأمل دارد.

به نظر می‌رسد مسئولان ذیربط در زمینه درجه‌بندی یک فیلم نیز مانند بسیاری از موقعیت‌ها و موارد حساس عرصه فرهنگ سعی کردند به صورت باسهمه‌ای و فرمایشی عبور کنند و قابل تأمل‌تر اینکه این حرکت شتابزده نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها در این حوزه فاقد پشتوانه‌های مطالعاتی و زمینه‌های پژوهشی است و بیشتر به نوعی پز ژورنالیستی و «شو» شبیه است.

چا دارد بپرسیم چه کسی نظارت بر رعایت درجه‌بندی سنی در سینماهای کشور را بر عهده دارد؟ سازمان سینمایی وزارت ارشاد؟ شورای صنفی اکران؟ انجمن سینماداران؟ خانه سینما؟ و چه سازوکاری برای نظارت و «رویه‌مندسازی» این تصمیم وجود دارد؟

در سال‌های گذشته هم شاهد بوده‌ایم که برای بعضی از فیلم‌ها این درجه‌بندی صورت گرفته بود. ولی تا کی قرار است که بی‌تفاوت از کنار مصوبات توخالی و تصمیم‌گیری‌های بی‌هویت و صرفاً خبرساز عبور نماییم؟ آیا این ترفندی برای فریب مردم و

تشویق جوانان نیست؟ در صورت عدم رعایت این درجه‌بندی چه برخوردی با سینمادار صورت می‌گیرد؟ آیا اساساً، ایده درجه‌بندی به صورت شتابزده نوعی ایجاد سوپاپ اطمینان کاذب نیست؟ و ...

شکی نیست که نبود نظام درجه‌بندی سنی برای مخاطبان و تماشاگران حلقه مفقوده سینماست که با وجود اهمیت آن، مورد غفلت مدیران و مسئولان فرهنگی واقع شده است. متأسفانه، هیچ شورا یا نهادی به صورت مستقل یا وابسته به سازمان‌های دولتی ذیربط، کارگروه ارزیابی برای توزیع مخاطبان این گونه فیلم‌ها در ایران وجود ندارد.

به نظر می‌رسد اداره کل نظارت و ارزشیابی به مثابه دکتراه‌های عمومی عمل می‌کند. علامه‌گی می‌کند و به تعبیری حکم آچار فرانسه را دارد. پروانه ساخت می‌دهد، پروانه نمایش می‌دهد؟ باند، بخیه و اصلاحیه می‌زند، درجه‌بندی می‌کند و ...

برخورد کارمندی و اداری و تبصره‌ای با یک جریان مهم اجتماعی و نگاه رفع تکلیفی خطرناک است. شاید بخش عمده‌ای از مصائب و چالش‌های حوزه فرهنگ و سینما از همین نگاه بی‌ثبات و فاقد استراتژی و دافعه

به بهانه مصاحبه اخیر کارگردان اکسیدان

آیا «شوخی‌های غیر اخلاقی» تنها راه خنداندن مردم است؟



موضوعاتی توانسته‌اند طیف گسترده‌ای از مخاطبان را به خود جذب کنند و اتفاقاً جز پر مخاطب‌ترین و ماندگارترین آثار سینمای ایران شوند.

۲. محمدی در ادامه با ذکر این عبارت که «واقعاً دوست دارم بدانم آقایان معترض به فیلم‌های کمدی در خانه و فضای شخصی‌شان، به چه چیزهایی می‌خندند؟!» صراحتاً به این اشاره کرده که شوخی‌های جنسی تبدیل به امری رایج در گفت‌وگوهای میان همه اقشار مردم شده است. حتی با فرض صحت این ادعا سوال اصلی این است که مگر هر شوخی که در گفت‌وگوهای غیررسمی مردم بیان می‌شود، قابلیت تکرار در یک اثر فرهنگی را دارد؟ شاید آن آقایانی که جناب محمدی به آن‌ها اعتراض کرده نیز در شوخی‌های خصوصی و جمع‌های خودمانی خود بسیاری از این شوخی‌ها را مطرح کنند؛ ولی این یک اصل بدیهی و «همه فهم» است که هر موضوعی را نمی‌توان در هر جایی مطرح کرد همچنان که حضرت حافظ در یکی از غزلیات خود می‌فرماید: «هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد»

۳. نکته سوم این مصاحبه در ارتباط با ادعای محمدی درباره عدم امکان شوخی با سیاست‌یون برای افرادی همچون او و گلایه وی از تمسخر رئیس دولت اصلاحات توسط گروهی دیگر است. هر چند که تمسخر هیچ فردی مورد تأیید دین نگارنده این متن نیست و حرکت‌های صورت گرفته در این زمینه را هیچگاه تأیید نمی‌کند، ولی ایکاش آقای محمدی به خودشان زحمت یک جستجوی ساده در اینترنت را می‌دادند تا ببینند پاران و هواداران رئیس دولت اصلاحات (که ایشان سنگشان را به سینه می‌زنند) تا امروز چند بار در فیلم‌ها و مجلات، روزنامه‌ها و سایر رسانه‌هایی که در اختیار دارند؛ جناح مقابل خود را به سخره گرفتند و برای دیگران «سَم کشیدند» و خود را افرادی مقید به اخلاق معرفی کردند! ﴿

فردا نیوز

ایران یک فیلم کمدی نشان دهید که سراغ مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نرفته باشد. اصلاً بیایید کمدی‌های خوب را نام ببریم. «مارمولک»، «لیلی با من است»، «مومیایی سه»، «آجاره نشین‌ها» و... در کدام یک از این فیلم‌ها شوخی‌های اروتیک وجود ندارد؟ اصلاً لازمه کمدی در همه دنیا این گونه شوخی‌هاست. هنر کمدی‌ساز این است که تا اندازه‌ای به مسائل جامعه ورود پیدا کند و باقی ماجرا را به مخاطب بسپارد. آنهایی که از ساخت فیلم‌های کمدی ناراضی‌اند، وقتی می‌خواهند برای هم جک بفرستند و بخندند، با چه موضوعاتی شوخی می‌کنند؟! واقعاً دوست دارم بدانم آقایان معترض به فیلم‌های کمدی در خانه و فضای شخصی‌شان، به چه چیزهایی می‌خندند؟! خب بگویند ما هم یاد بگیریم. آنهایی که معتقدند فیلم‌هایی چون «اکسیدان» مصداق بارز ولنگاری فرهنگی است، بد نیست به ما بگویند و یاد بدهند چطور می‌خندند.»

وی همچنین در ادامه با گلایه از اینکه چرا شوخی با سیاست‌یون فقط برای عده‌ای مجاز است و افرادی همچون او حق شوخی با سیاست‌یون را ندارند، اظهار کرد: «این نمی‌شود که عده‌ای به رییس دولت اصلاحات بخندند و توهین کنند و آن وقت در مقابل فیلم‌های کمدی بایستند و سینه سپر کنند. راستش را بخواهید فهم این ماجرا برای من فیلمساز و دوستان هنرمند سخت است. اینکه ما باید با چه کسانی و در چه فضایی شوخی کنیم، کار را سخت می‌کند.

هر چند که چندی پیش در نقدی «مفصل» به بررسی محتوایی آخرین ساخته سینمایی جناب محمدی پرداختیم اما به نظر می‌رسد در ارتباط با اظهارات تازه ایشان چند نکته قابل تامل وجود داشته باشد

۱. آقای محمدی در حالی در این مصاحبه لازمه ساخت کمدی را ورود به مسائل اروتیک معرفی کرده است و برای اثبات حرف خود از فیلم‌هایی همچون «مارمولک» و «مومیایی ۳» مثال آورده است که در تاریخ سینمای ایران فیلم‌های کمدی همچون «خراجی‌ها» نیز تولید شده‌اند که بدون ورود به چنین

حتی با فرض آن که استفاده از شوخی‌های جنسی تبدیل به امری رایج در صحبت‌های روزانه و غیررسمی مردم شده است؛ ولی این یک اصل بدیهی و «همه فهم» است که هر موضوعی را نمی‌توان در هر جایی مطرح کرد همچنان که حضرت حافظ در یکی از غزلیات خود می‌فرماید: «هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد»

فیلم سینمایی «اکسیدان» جدیدترین ساخته حامد محمدی فرزند منوچهر محمدی تهیه‌کننده شناخته شده سینماست. فیلمی کمدی که اگر آن در سینماها با اعتراض ۱۷ تن از نمایندگان مجلس و بسیاری از چهره‌های فرهنگی روبرو شد.

این فیلم که روایتگر قصه تلاش‌های جوانی عاشق پیشه برای گرفتن ویزا و خروج از کشور برای رسیدن به نامزدش است؛ علاوه بر آن که در بسیاری از موارد از خط قرمزهای عرفی جامعه عبور کرده؛ در بخش‌هایی نیز با ورود شخصیت اصلی قصه به فضای کلیسا شوخی‌هایی را با دین مسیحیت انجام داده که باعث ناراحتی و گلایه بسیاری از هموطنان عزیز مسیحی شد.

حال اما حامد محمدی به همراه امیر جعفری یکی از دو بازیگر اصلی این فیلم با روزنامه اعتماد گفت‌وگو کردند و مسائل تازه‌ای را در ارتباط با این فیلم و نظرات خودشان در باب سینما، سیاست و جامعه مطرح کرده‌اند.

اما نکته جالب توجه در ارتباط با این گفت‌وگو برخی از اشارات و کنایه‌های محمدی، کارگردان اکسیدان به جریانات سیاسی و گروه‌های مخالف اثرش است. این آقا زاده سینمایی که خود با حمایت همه جانبه پدرش وارد سینما شده است در بخشی از این گفت‌وگو با به کار بردن چند باره عبارت «دلواپسان»، به موضوع سختی‌های ساخت آثار کمدی در کشورمان پرداخته است و البته به بهانه این موضوع به این اشاره کرده که لازمه ساخت آثار کمدی پرداختن به مسائل اروتیک و سیاسی است!

محمدی در این زمینه گفت: «چرا در دنیا، در

چرا «اکسیدان» باید وصیتنامه منوچهر محمدی باشد!



فیلم سفارشی آنها خوب بفروشد در ستایش فرمایشات راهبردی بزرگان لب سخن می‌گشایند، اما اگر اثرشان در سینماهای حوزه هنری اکران نشود، در تقییب جماعت دلوایسان سخن به زبان می‌آورند.

متأسفانه در امور فرهنگی و هنری دچار حافظه زود گذری شدیم. همین حافظه زود گذر و عدم رجوع به حافظه بلند مدت برای عرصه فرهنگ و هنر ما دردسر بزرگی شده است. این مسئله حافظه بلند مدت را گوشه ذهن بسپاریم و به مسئله تهیه کنندگی در سینمای ایران بپردازیم.

در ایران تهیه کنندگی دو حالت بیشتر ندارد. نخست تهیه کنندگی با سرمایه شخصی، که در چنین پروسه ای معمولاً نهنگ عنبر و گشت ۲ و از این دست فیلم‌ها به قصد گیشه ساخته می‌شود. یک مدل هم تهیه کنندگی ارگانی داریم که به یک گروه مشخص متشرع ظاهراً انقلابی بودجه می‌دهند که فیلم به اصطلاح ارزشی بسازند. تجربه در این سال‌ها نشان می‌دهد اغلب تهیه کنندگانی که مدعی ارزشی بودن دارند، برای بدست آوردن سود در تولید و قبل از اکران عمومی، ژست‌های منحصر به فرد انقلابی می‌گیرند تا بتوانند از کمک‌های ارگانی برای ساخت فیلم‌های سفارشی بهره ببرند. یکی از تهیه کنندگان که در سینمای ایران موفق شده که طی سال‌های طولانی با پول ارگان‌های مختلف فیلم بسازد منوچهر محمدی است.

در تحلیل شرایط فرهنگی، تکلیف نظام جمهوری اسلامی با اصغر فرهادی، بهمن فرمان‌آرا، عبدالرضا کاهانی، رخشان بنی‌اعتماد و ... کاملاً مشخص است. فیلمشان را در چهار چوب قوانین می‌سازند و موفقیت‌های بین‌المللی بدست می‌آورند اما محتوای آثارشان به قصد سیاه‌نمایی و دریافت حیوانات و نباتات طلایی جشنواره‌های فرنگی ساخته می‌شود و پس از یک دعوی سیاسی داخلی در جریده‌ها، اصغر فرهادی اسکار می‌گیرد و بنی‌اعتماد هم عضو آکادمی اسکار می‌شود. آن طیف نسبتی با داخل کشور ندارد و دلخوش به همان پانصد هزار نفری است که در داخل، به سینما می‌روند و فیلمشان را می‌بینند و دل خوشی بیشترشان کشف جویز فرنگی است.

اما با گروهی که موسوم به ۱+۹ هستند، به پیش‌قراولی منوچهر محمدی، تکلیف نظام با آنها مشخص نیست. امثال منوچهر محمدی بیشتر فعالان سینمایی هستند که تا بودجه فیلم‌هایشان از سوی نهادها و ارگان‌های مختلف تامین می‌شود، قربان صدقه نظام می‌روند و وقتی بودجه‌شان قطع می‌شود، سوار موج اپوزیسیون‌نمایی خواهند شد. این طیف موسوم به دوگانه‌سوزان سینما حالشان عجیب و قریب و نامعلوم است. فیلم سفارشی آنها خوب بفروشد در ستایش فرمایشات راهبردی بزرگان لب سخن می‌گشایند، اما اگر اثرشان در سینماهای حوزه هنری اکران نشود، در تقییب جماعت دلوایسان سخن به زبان می‌آورند.

اکسیدان فیلمی است که از حقیقت منوچهر محمدی و طیف ۱+۹ به خوبی رونمایی می‌کند. در حال حاضر آقازاده منوچهر محمدی (حامد محمدی) در گفتگو با

محترم ایران اکسید و اکسیدتر شود، اصلاً مشکلی وجود ندارد. در این مقطع تشخیص جناب محمدی این بوده خبری از شارژ ارگانی نیست و بهتر است که فیلم اکسید شده برای پول در آوردن بسازند. به هر دلیل مختارند و کسی هم نمی‌تواند قوانین جمهوری اسلامی را نقض کند و به ایشان و آقازاده محترمشان توهین کند. اما اکسیدان حقیقت فیلمسازی منوچهر محمدی را در علاقه شدید به ساخت فیلم‌های متوسط کره نشان می‌دهد.

باید احترام ایشان را نگاه داشت اما آف بر مدیرانی که توسط فرزند جناب محمدی دلوایس محسوب می‌شوند و پس از اکسیدان پول نهادهای ارگانی‌اشان را به کسی بدهند که ادعایش ساخت فیلم ارزشی است. باید به این مدیران هشدار داد سابقه ایشان نشان می‌دهد که ایشان بودجه‌های طلایی را گرفته‌اند و محصول مسی تحویل ارگان سفارش دهند داده‌اند و در حال حاضر نصیب همان مدیران دلوایس (از منظر فرزند ایشان)، حوض فحاشی سیاسی (اشاره به حوض نقاشی) شده است. در این سال‌ها کوتوله‌های فرهنگی زیادی به ایشان بودجه‌های کلان داده‌اند و جناب محمدی به اسم طلا به مردم مس قالب کرده‌اند.

اما در این شرایط بررسی بلوف‌هایی که ایشان زده‌اند جای تامل و بررسی دارد. ایشان در گفتگوی با خبرآنلاین در تاریخ یازدهم فروردین ۱۳۹۴ (اینجا) فرموده‌اند که ساخت کتاب دا وصیتنامه حرفه‌ای ایشان محسوب می‌شود. این جمله را باید در نظر مدیرانی که بودجه این سریال را تامین خواهند کرد بارها نشان داد که بهتر است فیلمی مثل اکسیدان وصیتنامه جناب منوچهر محمدی باشد تا ساخت اثر محترمی با اقتباس از کتاب دا. چون ایشان با کسب سود حاصله از ساخت سریال «دا» قطعاً اکسیدان دیگری را خواهند ساخت. □

رسانه‌های اصلاح طلب دائماً از جماعت دلوایس سخن به زبان می‌آورند. جماعتی که جمع بسته می‌شوند و منظور نور دیده آقای محمدی همان طیف‌های فکری هستند که تا پیش از این بودجه فیلم‌های آقا محمدی را تامین می‌کردند.

اکسیدان متر و معیاری برای سنجش عملکرد منوچهر محمدی است. کسی که اکسیدان را با بودجه مستقل خودش ساخته است نمی‌تواند از فیلم بازمانده به عنوان فیلم شاخص کارنامه‌اش یاد کند. ساخت فیلم اکسیدان را باید به تک تک مدیرانی که ادعای ارزشی بودن دارند دائماً یادآوری کرد که رفتار دوگانه منوچهر محمدی را به خاطر بسپارند و این مشروعبیت کاذب بیست و اندی ساله از ایشان گرفته شود و حداقل سازمان‌ها و نهادهایی که به زعم فرزند ایشان دلوایس هستند، دیگر بودجه فیلم‌های شبه ارزشی یا شبه دلوایسی ایشان را تامین نکنند.

جناب محمدی و فرزند دلبندشان، برای هیاهو و فروش بیشتر در مقابل جریان ارزشی با عبارت «دلوایسان» مواضع سختی اتخاذ کرده‌اند. مدیران ارزشی که از امثال جناب محمدی تعالی سینما را انتظار داشتند، تکلیفشان با سازنده فیلم موزیکال گربه لاتِه) گربه آوازه خوان) مشخص است. فیلم در حال اکران است و انتقاد جدی برای پایین آوردن فیلم وجود ندارد و حتی روزنامه کیهان موضع متعادلی نسبت به فیلم اتخاذ کرده است اما لقلقه کلامی و زبانی فرزند منوچهر محمدی، اظهار نظر درباره دلوایسان است و قصد آنان برای پایین آوردن فیلم است.

جناب حامد محمدی به صورت خیلی علنی ارزشی‌ها، اصولگرایان، مذهبی‌ها و طیف‌های مختلف فکری اصولگرا را با عبارت دلوایسان جمع زده‌اند. در صورتی که روند اکران فیلم اکسیدان با هیچ مشکلی مواجه نیست و فروش بالای فیلم نوش جان تهیه کننده، اصلاً جناب محمدی سالی صد تا اکسیدان بسازد تا بدنه سینمای

وزارت ارشاد در دوراهی اکران فیلم مبتدل



خبرگزاری فارس: وزارت ارشاد در دوراهی اکران فیلم مبتدل / ماجرای «۵۰ کیلو آلبالو» تکرار می‌شود؟

وزارت فرهنگ و ارشاد درباره نمایش دادن یا ندادن فیلمی که سخیف‌تر و مبتدل‌تر از فیلم «۵۰ کیلو آلبالو» است، باید تصمیم‌گیری کند. حال باید دید این وزارتخانه چه تصمیمی درباره اکران فیلم خواهد گرفت؟

فیلمی که به مراتب سخیف‌تر و مبتدل‌تر از «۵۰ کیلو آلبالو» است با پروانه نمایش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی امکان نمایش یافته است.

بر اساس پیگیری خبرنگار فارس اما وزارت ارشاد در اکران فیلم با توجه به ابتدال موجود در آن مردد شده و براساس آئین‌نامه‌های موجود در این وزارتخانه درباره اکران فیلم‌ها، قصد دارد جلوی اکران فیلم را بگیرد.

به نظر می‌رسد تاکنون وزارت ارشاد از این که نامه‌ای رسمی در راستای اکران نکردن فیلم به شورای صنفی نمایش ارائه دهد، پرهیز کرده است و شورای صنفی نمایش نیز با توجه به مأموریت و نوع عملکردش امکان عدم ثبت قرارداد و عدم نمایش فیلم را نداشته و همچنان در انتظار نامه رسمی از وزارت ارشاد برای جلوگیری از اکران فیلم است.

امروز وزارت ارشاد باید درباره اکران یا عدم اکران فیلمی بگیرد که ابتدال در تار و پود آن تنیده شده و با وجود شوخی‌های جنسی و مبتدل دست به هرکاری زده است. سازنده اثر تنها به بهانه تولید فیلم در بخش خصوصی از هر موضوع سخیفی برای خنداندن مخاطب بهره برده است. از شوخی‌های مبتدل گرفته تا حضور یک فرد خاص در داستان همه و همه باعث شده به ابتدال فیلم بیافزاید. حال باید دید وزارت ارشاد درباره فیلم چه تصمیمی می‌گیرد؟

در شرایطی که نزدیک به مراسم تحلیف رئیس جمهور هستیم، به نظر می‌آید وزارت ارشاد تصمیم به اکران نکردن فیلم گرفته و اجازه اکران فیلم را براساس آئین‌نامه اکران نخواهد داد اما نکته حایز اهمیت این که این فیلم در هر شرایط زمانی دیگر هم اگر قرار باشد اکران شود، واقعه تلخ دیگری مانند فیلم «۵۰ کیلو آلبالو» برای ارشاد فراهم می‌کند.

در گذشته وزارت ارشاد با تصمیم غلط و بی‌تدبیری باعث اکران فیلم «۵۰ کیلو آلبالو» شد که این فیلم با واکنش‌های تند مواجه شد و وزیر وقت (علی جنتی) به دلیل ابتدال موجود در فیلم آن را در راستای فروپاشی بنیان خانواده خواند و مجبور به عذرخواهی از اکران فیلم شد.

حال باید دید این فیلم با توجه به ابتدال موجود در آن می‌تواند اکران شود یا سازمان سینمایی برای عدم اکران فیلم تدبیری اتخاذ خواهد کرد؟

با مجوز وزارت ارشاد

تکرار «فیلم مستهجن» در سینمای ایران!



فیلم با به استهزا کشیدن سنت حسنه ازدواج و به سخره گرفتن ازدواج موقت قصد دارد به هر بهانه‌ای مخاطب را بخنداند.

فیلمی انتظار اکران را می‌کشد و برخی از کانال‌های طرفدار فیلم‌ساز تعداد روز باقی مانده به اکران فیلم را با ذوق‌زدگی اعلام می‌کنند که فیلم مملو از الفاظ و شوخی‌های رکیک جنسی است.

فیلم با به استهزا کشیدن سنت حسنه ازدواج و به سخره گرفتن ازدواج موقت قصد دارد به هر بهانه‌ای مخاطب را بخنداند.

این فیلم با قرار دادن یک شخصیت در بخشی از داستان قصد ترویج فعالیت یک گروه خاص را دارد. گروهی که مدتی است فعالیت‌هایشان مورد توجه کشورهای داعیه آزادی است و ایران را به دلیل به رسمیت نشناختن این گروه همیشه به عنوان ناقض حقوق بشر می‌داند.

فیلمساز که داعیه تولید آثار در بخش خصوصی را دارد به هر بهانه‌ای خود را محق عبور از هر خط قرمزی می‌داند و در این فیلم که به لحاظ محتوا بسیار نزدیک به «۵۰ کیلو آلبالو» است با مجوز وزارت ارشاد قصد اکران دارد.

فیلم با مجوز پروانه ساخت و نمایش خود را آماده اکران می‌کند در شرایطی که با بی‌تدبیری ارشاد یک بار وزیر مجبور به عذرخواهی شد حال باید دید شورای وزارت ارشاد قصد دارد بار دیگر با ارایه مجوز به فیلم مذکور وزیر را وادار به عذرخواهی کند؟

حال باید دید سازمان سینمایی از اختیارات خود برای عدم اکران فیلم سخیف و مستهجن بهره می‌برد یا با بی‌تدبیری فیلم را روانه اکران و موجب عذرخواهی وزیر و دولت یازدهم خواهد شد! و رکورد عذرخواهی وزیر و اعتراضات برای ارایه مجوز به فیلم‌هایی که بنیان خانواده را متزلزل و باعث فروپاشی آن می‌شود، خواهد شد؟!

سرویس فرهنگی پایگاه خبری شهدای ایران

نقدی بر «اکسیدان»

از شوخی های جنسی تا فرار از دست سفیر انگلیس؛ راه هایی برای رسیدن به کجا؟

را می گوید؟ «پلنگ پیر»، «شراب شیراز» و یا «نماهای اروتیک دوربین فیلمبرداری» را؟! شاید منظور فرار از دست سفیر انگلستان است که به کاراکتر فیلم پیشنهاد جاسوسی از کشور را می دهد، اما «اصلان» به عنوان یک ایرانی در خاک خودش مجبور می شود فرار را به قرار ترجیح دهد؟! الله اعلم!

البته باید به این نکته اشاره کرد اکسیدان موضوع مناسبی را دستمایه کار خود قرار می دهد، اما کارگردان همه چیز را فدای گیشه می کند و به موضوع خود پشت می کند و ابتذال را هدف قرار می دهد و این مسیر تا روزی که مخاطب تن به دیدن چنین فیلم هایی دهد، ادامه پیدا می کند، زیرا زمانی که کارگردان و تهیه کننده اثر بدانند با کم ترین زمان به نتیجه مطلوب دست پیدا می کنند چه نیازی به صرف وقت و هزینه بیشتر است؟ ذائقه ای که مدت ها است در میان اهالی هنر ایجاد شده و انگار مخاطبین و بعضی از رسانه های به اصطلاح انقلابی هم زیاد بدشان نمی آید! ①

سینماپرس: مهدی خرامان

میشود، کارگردان کارایی تصویر را می داند و البته بیان مسئله و دغدغه اصلی یعنی «راه های رسیدن به خدا» را فراموش نمی کند، کمدی شکل ابتذال نمی گیرد و مهم تر از همه پیرنگ های اصلی و فرعی داستان بر اساس یک منطق روایی ایجاد می شود تا کنش و واکنش شکل بگیرد، معیار هایی که محمدی حتی به آن نزدیک هم نمی شود و قیاس آن به راستی جفا در حق «مارمولک» است.

از سوی دیگر به تازگی نقد های عجیب و غریبی با دورن مایه: «خندان مخاطب برای اینکه حرف های مهمی را به زبان طنز به گوشش برسانی و بتوانی پیام مهمی که شاید اصل آن جذابیتی برای مخاطب نداشته باشد را به این شکل برای او شیرین و قابل فهم کنی هنری است که در فیلم سینمایی «اکسیدان» می توان آن را دید» از رسانه ای اصولگرا منتشر می شود، اما باید از نویسنده محترم پرسید، آیا طنز با کمدی متفاوت نیست؟!، آیا کمدی مفرح با ابتذال متفاوت نیست؟!، کدام «هنر» و یا کدام «پیام های ارزشمند»

«اجتماعی-کمدی» یا «کمدی-اجتماعی»، مسئله این است! و حالا کارگردان باید انتخاب کند که کدام یک را چاشنی آن یکی قرار دهد، حامد محمدی گیشه را انتخاب می کند! کارگردان مانند کاراکتر اصلی فیلم خود، بی هدف است و برای فروش بالا تن به هر کاری می دهد.

«اکسیدان» ترکیب دو گونه است، «دغدغه های اجتماعی» و «کمدی» ابتذال، اما درصد تاثیرگذاری را کارگردان تعیین می کند، نگاهی که یک سوی آن به گیشه و سوی دیگر بیان «مسئله» است، مخاطب با دو کاراکتر روبه می شود؛ «اصلان» و «بهمن» و یا «بهمن» و «اصلان»، مسئله این است! «اجتماعی-کمدی» یا «کمدی-اجتماعی»، شاید در نگاه اول تنها تغییر دو واژه است، اما اگر خاصیت جابهجایی نداشته باشد نتیجه نهایی یکسان نخواهد بود، هر کدام نماد انتخاب کارگردان هستند، هر چقدر تماشاگر به دنیای «اصلان» وارد می شود، بیان مسئله شکل می گیرد و به هر میزان که حامد محمدی دوربین خود را دست «بهمن» می سپارد فیلم به سمت لودگی سوق پیدا میکند، از سویی با کاراکتری رو به رو می شویم که به هر دلیلی حتی «لق و بی معنا»، قصد سفر به خارج را دارد، مانند هزاران جوان که هر کدام دلایل و آمل های خود را دنبال می کنند اما مانند «اصلان» معیار های اخذ ویزا را ندارند، پس باید تن به هر کاری برای خروج دهند، یکبار تغییر مذهب، بار دیگر در نقش یک همجنسگرا ظاهر شوند و حتی اگر نترسند بر علیه کشور بشورند، اما اکسیدان سوی دیگری هم دارد شخصیتی قاچاقچی با دغدغه های جنسی که تنها هدفش ابتذال است، و حالا کارگردان باید انتخاب کند که کدام یک را چاشنی آن یکی قرار دهد، حامد محمدی گیشه را انتخاب می کند، «ابتذال بیشتر، فروش بیشتر!» مسئله ای که شاید تلخ باشد اما «از ماست که بر ماست»!

کارگردان مانند کاراکتر اصلی خود بی هدف است و برای فروش بالا تن به هر کاری می دهد، اکسیدان با فیلمنامه ای پر حفره و دیالوگ های حشو، میزانشن های اشتباه و ریتم کند باعث خسته شدن مخاطب می شود، محمدی برای فرار، از کاتالیز شوخی های جنسی استفاده می کند، کاتالیزگری که مانند ماده اکسیدان زود واکنش نشان می دهد اما استفاده بیش از حد آن نتیجه را معکوس می کند و اگر سکانس ابتدایی و یا قسمت همجنسگرایی فیلم را جدا کنیم که مرون بازی خوب جواد عزتی و البته طراحی لباس مناسب است، چیز دیگری نمی ماند!

اما باید به این نکته اشاره شود که در این روز ها اکسیدان را با فیلم مارمولک مقایسه می کنند، مقایسه ای اشتباه و البته بی ربط که تنها به دلیل یکسان بودن تهیه کننده آثار صورت گرفته است، و گر نه در «مارمولک» مخاطب وارد دنیای کاراکتر «رضا»





ریشه‌های ولنگاری کلامی در سینما

شیخ طادی: حتی خانواده‌های برخی فیلمسازان هم فیلم‌های آنها را نگاه نمی‌کنند!

اگر همه جهان هم بی‌ادبی بخواهند، یک فیلمساز نباید برای پول و سرمایه به هر کاری دست بزند. لذا خود فیلمساز باید یک منش و ارزش و استقلال شخصیتی و اخلاقی داشته باشد. فیلمساز یک نقاش خصوصی نیست که یک نقاشی را داخل خانه‌اش بکشد و بگذارد و بگوید من هستم و گناه شخصی و خدای خودم. فیلمساز دارد یک محصول اجتماعی تحویل می‌دهد و یک محصول اجتماعی، مسئولیت اجتماعی به همراه دارد. اگر فیلمساز مسئولیت اجتماعی را نادیده بگیرد و فقط به فکر سودآوری خودش باشد، این پول، یک لقمه شبهه‌دار می‌شود و به لحاظ فقهی و شرعی باید به آن فکر کند. اگر فیلمسازان ملی هم که وطن و اصالت خود را دوست دارند، بخواهند فقط دنبایی نگاه کنند، راه به جایی نخواهند برد. درواقع تخریب جهان اجتماعی اتفاق می‌افتد که این هم خطرناک است. نسلی که با سینما تربیت و با آن بزرگ می‌شود و اخلاق و فرهنگ خود را با سینما تنظیم می‌کند و تاثیرپذیری آن زیاد است، در مواجهه با دیالوگ‌ها، صحنه‌ها و فیلم‌های نامناسب که فقط به دنبال سودآوری بیشتر هستند، در معرض آسیب‌های جدی قرار دارد. اگر قرار است این بچه‌ها پای پرده سینمای نامناسب فیلمسازان بزرگ شوند، این یک خیانت و جفای ملی است. هیچ کس با ملت و خانواده‌اش این کار را نمی‌کند. برخی فیلمسازان را سراغ دارم که حتی خانواده‌هایشان هم فیلم‌های آنها را نگاه نمی‌کنند.

کارگردان دفتری از آسمان و سینه سرخ افزود: در یک جامعه برخی مسئولیت‌پذیر هستند و برخی نیستند. اینجا باید قانون به میدان بیاید؛ قانونی که حافظ منافع اخلاقی جامعه باشد. وقتی اسم نظارت می‌آید، همه موضع می‌گیرند، اما به نظرم حافظ منافع اخلاقی و اجتماعی مردم و کشور است. به همین دلیل وقتی مسئولیت‌پذیری توسط نظام سرمایه‌داری در سینما کم‌رنگ می‌شود، این دستگاه‌های نظارتی و شخصیت‌های فرهیخته و متعهد نسبت به جامعه که در آنها کار می‌کنند، وظیفه اعمال قانون را به عهده دارند. آنها باید با قانون کاملاً واضح، شفاف و تصویب شده کشور، جلوی بی‌تعهدی و خسارت‌ها را در سینما بگیرند. ❀

روزنامه جام جم

ببند سینما در حال افزایش است. پرویز شیخ طادی، نویسنده و کارگردان سینما که ساخت فیلم کمدی «دایناسور» با بازی خسرو شکیبایی را در کارنامه دارد، درباره ابتذال برخی دیالوگ‌ها و صحنه‌ها در سینما به جام جم گفت: یک نگرش کلان و نگاه به جامعه و اقتصاد جامعه وجود دارد که سینما هم زیرمجموعه همین نگرش و نگاه است. این نگاه متعلق به ما نیست. این یک نگاه سودمحور است که می‌گوید جذب سود و سرمایه به هر قیمتی قیمت این موضوع تعیین نشده و این که به چه قیمتی و با چه اندازه خسارت می‌توان به آن دست یافت. این فقط مربوط به سینما نیست، بلکه می‌تواند همه حوزه‌ها را درگیر کند که خیلی خطرناک است. اگر خودمان را مدام با جهان سرمایه‌داری تنظیم کنیم و بخواهیم شکل و شمایل اقتصاد، فرهنگ و فضای اجتماعی خود را براساس نظام سرمایه‌داری مصرف‌گرای سودمحور ببینیم، آسیب‌ها و ترکش‌های آن تمام حوزه‌ها را دربرمی‌گیرد از جمله سینما.

کارگردان پشت پرده مه و امپراتور جهنم افزود: جذب سرمایه و سودآوری این قدر ارزش شد که تعریف‌ها را هم عوض کرد. درواقع این تاکیدها و این ارزشگذاری بر سود و گیشه، یکسری مسیرهای دور از شأن اجتماع و اخلاق جامعه را شکل داد؛ با این تعاریف که ما برای گیشه می‌سازیم و اقتصاد سینما باید خودمحور و خودچرخش باشد. درواقع تبصره‌های این موضوع دیده نشد. ما در مسیری افتادیم که آسیب‌های اجتماعی خیلی زیادی به همراه دارد، اولین آسیب‌ها هم نصیب خود سینماگران می‌شود و فرزندان و خانواده اینها با این فیلم‌ها بزرگ و تربیت می‌شوند و تبعات آن وارد ادبیات اجتماعی، احترام، اخلاقیات و ارزش‌های جامعه می‌شود. وقتی هر کدام از اینها توسط سینما ضربه می‌خورد، هم گریبان اجتماع را می‌گیرد و هم گریبان فیلمساز و خانواده و اطرافیان او را. درنهایت و خدای ناکرده شاهد عاقبت شومی در این زمینه خواهیم بود.

شیخ طادی ادامه داد: فیلمسازانی که بچه مسلمان هستند و آنها که خود را مقید و انقلابی و متعهد به دین و خدا می‌دانند، باید بدانند که درآمد فیلم هم حلال و حرام دارد و اگر ما بی‌ادبی را ترویج کنیم، به لحاظ شرعی حرام است. مردم ما که این‌طوری نیستند، اما

به نظر می‌رسد به تدریج برخی خانواده‌ها ترجیح می‌دهند برای تماشای فیلم‌ها به سینما نروند، هرچند هنوز هم در مقایسه با جمعیت کشور درصد بسیار اندکی در سینما فیلم می‌بینند، اما حالا حتی همین جمعیت اندک سینما هم که مدتی است با سینما آشتی کرده‌اند، به دلیل برخی دیالوگ‌های نامناسب و سخیف و صحنه‌های مبتذل از فیلم و سینما دلزده می‌شوند و دوست ندارند مواجهه بویژه بچه‌های در حال رشد خود را با چنین کلام و رفتارهای ناپسند و زنده‌ای ببینند.

انگار در این زمینه داریم به دوره مبتذل فیلمسازی و سینمای پیش از انقلاب رجعت می‌کنیم و دیگر از دیالوگ‌های پاکیزه خبری نیست. آن هم در شرایطی که فیلم‌های بسیاری را حتی الان و از جمله در سینمای کمدی می‌توان مثال زد که برای جلب نظر و خوشایند مخاطب دست به هر کاری نمی‌زنند و موفق و ماندگار هم هستند. این البته فعلاً شامل برخی فیلم‌ها و اتفاقاً بعضی لحظات آنها می‌شود، اما به نظر می‌رسد تعداد آن روز به روز بیشتر و به یک جریان تثبیت شده در سینمای تجاری ایران تبدیل می‌شود.

این موضوع بویژه در سینمای موسوم به کمدی در همین یکی دو سال اخیر و در این نوبت‌های اکران قابل ردیابی است و نویسندگان و سازندگان برخی فیلم‌ها برای جذب تماشاگر به هر طریق و تفرندی از جمله استفاده از دیالوگ‌های اروتیک و بی‌ادبانه متوسل می‌شوند. متأسفانه فروش بالای بعضی از این فیلم‌ها هم به بقیه چراغ سبز نشان می‌دهد تا خود را مجاز به این ولنگاری فرهنگی در سینما بدانند.

بجز این رعایت نکردن درجه‌بندی فیلم‌ها هم باعث می‌شود بخش مهمی از تماشاگران این فیلم‌ها بچه‌ها باشند که خیلی زود تحت تاثیر دیالوگ‌ها و تکیه کلام‌های نامناسب آثار قرار می‌گیرند و طوطی‌وار آنها را تکرار می‌کنند که این روند، در کوتاه مدت و درازمدت تاثیرات مخرب خود را در جامعه خواهد داشت. در این میان نباید از سستی و کاهلی نهادهای نظارتی در تولید و نمایش این فیلم‌ها گذشت که خواسته یا ناخواسته به یک جریان مخرب، اجازه جولان می‌دهند. بله، در انفعال و گوش و چشم بسته مدیران فرهنگی، دیالوگ‌های گوش‌ات را بگیر و صحنه‌های چشم‌ت را

درباره «اکسیدان» که می‌توانست کمدی ماندگاری شود

وقتی لودگی به همه چیز می‌چربد



«اکسیدان» با توجه به قصه‌اش و سر در آوردن بهمن و اصلان به کلیسا و سپس مسجد و در ادامه سفارت؛ آن‌هم با ظاهر متفاوت که گاهی لباس کشیش به تن اصلان است و گاهی لباس‌های تنگ و رنگی همراه با عشو، بستری مناسبی می‌شود برای شوخی و غفلک دادن و حتی دست انداختن پدیده‌ها و اتفاق‌هایی که معمولاً عادت داریم به سرعت از کنارشان بگذریم و خودمان را به ندیدن بزنیم؛ همان چیزهایی که فارغ از کیفیت، به تصویر کشیدنش دل مخاطب را خنک می‌کند و به او لذت می‌دهد. همان‌هایی که موجب استقبال از «لیلی با من است» کمال تبریزی و شوخی با رزمندگان و فضای خشک و ایزوله جنگ بشود و یا استقبال عجیب و غریب از «مارمولک» با فیلمنامه خوب پیمان قاسم‌خانی که با الگوبرداری از فیلمی هالیوودی، سرگذشت دزدی را در پوشش یک روحانی روایت می‌کند. فیلمی که با حواشی بسیاری هاره شد و خیلی زود از پرده سینما پایین کشیده شد اما گذر زمان نشان داد، نگاه سلیقه‌ای و تعصب بی‌مورد، موجب خورده گرفته بی‌جا به فیلم شده بود. اتفاقی توسط مدیران خشک و سخت‌گیر حوزه هنری برای «اکسیدان» هم رخ داد و البته این بار نه تنها کاری از پیش نبرد که موجب استقبال گسترده از آن هم شد. هر چند تجربه ثابت کرده است این تفکر نه تنها محدود کردن سلیقه‌ها نخواهد که متأسفانه مخاطب را برای دیدن چنین فیلم‌هایی تشنه‌تر هم می‌کند؛ فیلم‌هایی که ممکن است از پایین‌ترین استاندارد سینمایی هم بهره نبرده باشند اما به واسطه انتخاب سوژه‌ای این چنین مخاطب را به سینما بکشانند و رکوردهای فروش را جابه‌جا کنند؛ مخاطبی که ممیزی، سانسور و خط قرمزها که مانع از تأمین خوراک فرهنگی‌اش شده، گلولی‌اش را فشار می‌دهد و راه نفس کشیدن‌اش را تنگ کرده و او برای خلاص شدن از آن، حاضر است هر فیلم کمدی و منتقدانه‌ای ولو بی کیفیت را ببیند و در این برهوت که سلیقه‌اش را تنزل داده است، از فیلم لذت هم ببرد.

نویسنده: سعید طاهری

متمول و تنها که برای به دست آوردن اصلان هر کاری می‌کند و همان قدر که دلبسته اوست، از بهمن متنفر است اما در انتها به کودکان‌ترین شکل ممکن با بهمن ازدواج می‌کند. شخصیت دیگری هم در فیلم حضور دارد که به عنوان رئیس اصلان در نمایندگانی خودرو مشغول به کار است و شقایق دهقان بازی‌اش می‌کند؛ شخصیتی که ای کاش زودتر وارد داستان می‌شد و زمان پرت آغاز فیلم صرف او می‌شد تا مخاطب بیشتر بشناسدش، باورش کند و در انتها ازدواج‌اش با اصلان را بپذیرد. تمام داستان بر سر شکست عشقی و فرار بی‌خبر نامزد اصلان به خارج از کشور است و روایت‌گر اصلان بی‌نوا با بازی جواد عزتی که مثل همیشه از پس نقش‌اش برآمده و با آن که با همان شکل و شمایل سریال‌های کمدی تلویزیونی که در سال‌های اخیر در شبکه سه بازی کرده، پا به فیلم گذاشته است. جوانی سخت‌کوش، متعهد و با اخلاق که برای رسیدن به هدفش هر کاری می‌کند و به ناچار حاضر است روی اصول‌اش پا بگذارد چرا که پای هدف بزرگ‌تری در میان است. اصلان برای گرفتن ویزای شینگن و پیدا کردن معشوقه‌اش هر کاری می‌کند اما... «اکسیدان» یکی از تلف‌شده‌های سال سینمای ایران است. یکی از همان‌هایی که اگر دچار سطحی‌نگری، رعایت خواسته گیشه و نگاه محافظه‌کارانه حاکم بر سینمای ایران در سال‌های اخیر نمی‌شد، می‌توانست به عنوان یک کمدی مهم مثل «مارمولک» در ذهن مخاطب سینمای ایران ثبت و ماندگار شود. همه چیز برای یک کمدی درجه یک آماده است؛ قصه توانایی بدل شدن به آن را دارد و تقلاي جوان عاشق پیشه و پریشان‌حال برای گرفتن ویزا که گاهی با لباس کشیش‌ها به سفارت می‌رود و گاهی در جلد یک هم‌جنس‌گرا که مجبور است توی سفارت به بهمن عشق بورزد یا زمانی که با آن شلوار تنگ مرد موتورسوار که تیکه‌ای بارش کرده را دنبال می‌کند، مخاطب را به خنده وامی‌دارد و هم غصه‌دارش می‌کند؛ مثل زمانی که بغض فروخورده‌اش توی دست‌شویی می‌ترکد و می‌زند زیر گریه...

فیلم‌های انگشت‌شماری هستند که با زیرکی سازندگان‌اش نه تنها از سد تحریم می‌گذرند که از آن به نحو احسن استفاده می‌کنند و مخاطب را دسته‌دسته به سالن سینما می‌کشانند و بیش از آن چیزی که شاید در شرایط عادی اکران عمومی عایدشان می‌شد، می‌فروشند.

«اکسیدان» حامد محمدی پسر و منوچهر محمدی پدر یکی از همین فیلم‌ها است؛ فیلمی که داشتن تجربه «مارمولک» به واسطه تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی و شرایطی که برای اکران‌اش پیش آمد، از قبل همه چیز را پیش‌بینی کرده بود و توانست از شیوه مدیران حوزه هنری و نامه هفده نماینده مجلس برای جلوگیری از اکران گسترده‌اش و موجی که به وجود آمده بود، بهترین استفاده را ببرد و با سوار شدن بر موجی که منتظرش ایستاده بود تا جایی که جا دارد، بتازاند و تماشاگر را با پیش‌فرض‌هایی مانند شوخی با ادیان، شوخی با ازدواج و رواج همجنس‌گرایی غفلک بدهد و به سینما بکشاند. البته تمام پیش‌فرض‌ها را نمایندگان مجلس و مدیران حوزه هنری توسط رسانه‌های همیشه در صحنه و دائم‌النظران به تماشاگران دادند و برای تماشای «اکسیدان» وسوسه‌شان کردند...

اگر فیلم را در سالن سینما همراه با نوجوان‌ها و جوان‌هایی که برای سرگرمی به سالن آمده‌اند و قصدشان از تماشای فیلم خندیدن است، ببینید، قطعاً از قهقهه‌های گاه و بی‌گاه و عکس‌العمل‌های غریزی‌شان به لوده‌بازی‌های امیر جعفری در نقش آقا بهمن، کلافه می‌شوید و توی دل‌تان به زمین و زمان و امیر جعفری با آن بازی بد و شخصیت لمپن فحش می‌دهید. شخصیتی که یک‌تنه کمر همت بسته تا فیلم را به قهقهه را ببرد که متأسفانه با هر چیز دیگری، موفق می‌شود و به هدف‌اش می‌رسد. شخصیت خام و لوده‌ای که شوخی‌های مسخره و لوس فضای فیلم را برهم می‌زند و درست در لحظه‌ای که همه اجزا به درستی کارشان را انجام می‌دهند و قصه در مسیر درستش قرار گرفته، در کسری با جمله بچه‌گانه‌ای «صلوات فرستادن مدام وسط خاکسپاری مسیحیان با اصرارش به حاج آقا صدا زدن کشیش و تلاش مضحک‌اش برای دلبری از شخصیت شهلا که خود توهین به زن است» فضا را می‌شکنند و همه چیز را بر باد می‌دهد؛ هر چند با ریسه رفتن مخاطب از خنده مواجه می‌شود. یعنی دست همان چیزی که کارگردان بر دوش شخصیت بهمن نهاده و آن چنان آزادش گذاشته که دلکمی تمام عیار بدل شود.

«اکسیدان» نقطه‌ضعف‌های فاحش دیگری هم دارد که مانع از ماندگار شدن فیلم در ذهن مخاطب می‌شود و اثر را به تجربه‌ای قرار و زودگذر بدل می‌کند. کنار نقش آقا بهمن، شخصیت شهلا هم وجود دارد که تأکید کارگردان روی بیوه بودن و دلبری کردن‌اش چنان غلو شده و اگر جره است که نه تنها کسی باورش نمی‌کند که به نوعی توهین به زن هم هست. شخصیتی که عاشق اصلان، شخصیت اصلی یا بازی جواد عزتی است. زنی

چرا حوزه هنری از کنار فروش میلیاردی فیلم‌های هنجارشکن عبور می‌کند؟

امیر حسین محمدی

کاری کنیم که مردم به سینما پشت کنند. این نگاه است که به نفع تجارت و اقتصاد سینماست. متأسفانه مسیری که بخشی از سینمای ایران الان طی می‌کند، از مایه خوردن است. در اواخر رژیم پهلوی و سال‌های ۵۳ و ۵۴ به خاطر نوع فیلم‌ها و وضعیتی که سینماها داشت اصلاً کسی به سینما نمی‌رفت. نباید سینما به دوران سالهای ۵۴ و مانند زمان طاغوت برگردد و وضعیت به جایی برسد که کسی سینما نرود و این صنعت بخواهد.

حوزه هنری انقلاب اسلامی به لحاظ مالی و اقتصادی سرمایه‌گذاری عظیمی در سینما کرده و این روند همچنان ادامه دارد.

این نهاد از طریق موسسه بهمن سبز فقط در سال گذشته بیش از ۱۲ هزار صندلی به ناوگان سینمایی کشور اضافه کرده است. پس قطعاً، با راهبردهای روشن و شفاف و بر اساس برنامه‌های کلان و هدفمندش مسیریابی در سینما را ادامه می‌دهد و ابایی ندارد که در مقاطعی به خاطر عدم اکران چند فیلم که جز دردسر و هزینه برای جامعه و سینما پيامدی ندارند به لحاظ مالی و اقتصادی متضرر شود.

کاش این نگاه و تدبیر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم وجود می‌داشت تا امروز بعد از گذشت چهار دهه با سیاست‌های متغیله و متساهلانه این وزارتخانه شاهد بال و پر گرفتن دوباره فیلمفارسی و حتی، بدتر از آن نباشیم. آثاری که بعضاً روی فیلمفارسی‌ها را هم سفید می‌کنند.

حال که نهادی انقلابی به دلیل اهداف متعالی فرهنگی و اجتماعی سینما و درک کارکردها و کاربردهای رسانه سینما در متن جامعه و تأثیرات آن در کاهش آسیب‌های اجتماعی با استفاده از حقوق قانونی و متداول خویش و به حسب رسالتی که دارد از ۲ تا ۳ درصد فیلم‌های تولیدی سال اجتناب می‌ورزد چرا عده‌ای زیاده‌خواه همین اندک حق انتخاب فیلم‌ها را می‌خواهند از این نهاد سلب نمایند؟

آیا جای قدردانی ندارد که متولیان حوزه هنری برای صیانت و حراست از سینما و حفظ منافع کلان سینما از منافع مادی‌شان می‌گذرند؟ آیا این نگاه و دغدغه ارزشمند و فرهنگ‌ساز نیست که حوزه هنری دنبال این است که سینماهایش از ناحیه خانواده‌ها به عنوان یک فضای امن برای ارائه یک محتوای خوب شناخته شود. به عنوان یک فضای اخلاقی دارای امنیت و اطمینان برای خانواده‌ها به حساب آید و مبنایش جلب اعتماد خانواده‌هاست. (۲)

منبع: خبرگزاری دانشجو

بود و هم، صاحبان فیلم‌ها. این وسط اگر چند فیلم از حدود و ثغور قوانین فراتر رفت و خطوط قرمز را شکستند و صدای مراجع، علما و طیف‌های مختلف مردم و جبهه‌های فرهنگی انقلاب را در آوردند ارجاع بدهند به وزارت ارشاد به عنوان متولی اداری و قانونی سینمای کشور که پاسخگو باشد. آیا مسئولان سینمایی حوزه هنری نمی‌توانند از این گونه مفرها استفاده کنند تا میان عده‌ای از مدیران و سینمایی‌ها «بده» نشوند؟ شکی نیست که مسئولان سینمایی حوزه هنری همه این رویکردها، زمینه‌ها و ظرفیت‌ها را می‌شناسند.

محمد حمزه زاده در گفتگویی تلویزیونی به طور



صریح در این باره صحبت کرده است: ما با عدم اکران یک فیلم گاهی از یک میلیارد تا چهار میلیارد تومان درآمد صرف نظر می‌کنیم. در حالی که گاهی برای تأمین حقوق ماهانه‌ی سازمان به مشکل داریم. طبیعی است این زنجیره سینماها با صدها نیروی متخصص در کشور به منابع مالی نیاز دارد.

چرا چشم از این درآمد می‌پوشیم؟ به این دلیل که به اعتقاد ما فروش نباید در این حد باشد، بلکه باید فروش سالیانه‌ی سینمای کشور ۵۰۰ میلیارد و هزار میلیارد تومان باشد. چه زمانی ممکن است به این فروش برسیم؟

وقتی که پای مردم به سینماها باز شود. نباید برای منفعت کوتاه مدت، منافع بلند مدت را از دست بدهیم.

باید با چشم‌پوشی از منافع گذرا، آن ظرفیت عظیم مردمی و اعتماد مردمی را به سینما برگردانیم. نباید

در شرایط بحران اقتصادی و رکود در بدنه سینما چرا و به چه دلیل و براساس چه اهداف و انگیزه‌هایی حوزه هنری از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل اقتصادی‌اش استفاده نمی‌کند و ضرر و زیان را به جان می‌خرد؟

در شرایط بحران اقتصادی و رکود در بدنه سینما چرا و به چه دلیل و براساس چه اهداف و انگیزه‌هایی حوزه هنری از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل اقتصادی‌اش استفاده نمی‌کند و ضرر و زیان را به جان می‌خرد تا مانع نمایش برخی فیلم‌های هنجارشکن که بعضاً، از گیشه‌های شلوغ و پررونقی هم برخوردارند گردد؟

این چه منطقی است که یک نهاد انقلابی بدون حزم و دوراندیشی و بی توجه به همه وجوه منافع اقتصادی اکران فیلم‌ها، خودش را در متن چالشی قرار دهد که جز آسیب اقتصادی نتیجه‌ای ندارد؟

واقعاً، این دیگر چه جور معادله‌ای است؟ مسئولان حوزه هنری چند چند هستند؟ چرا حواس شان به اطراف نیست. در رقابت گیشه و کورس گذاری برای کسب منافع و سودهای کلان افق نگاه این عزیزان به کدام سمت و سواست؟

چه لزومی دارد که خودشان را به آب و آتش بزنند و نیش و کنایه عده‌ای از سینماگران را بشنوند؟ چرا خیلی راحت توپ را به زمین وزارت ارشاد پاس نمی‌دهند؟

آیا اگر حوزه هنری نسبت به اکران همه فیلم‌هایی که از مجاری به اصطلاح قانونی پروانه نمایش می‌گذرند واکنش نشان ندهد و مطابق اعلام شورای صنفی نمایش تمکین کند چه خرده و انتقاد می‌توان از این نهاد گرفت؟ تازه، به دلیل داشتن بیش از ۱۰۰ سالن سینما در سطح کشور درصد بالایی از درآمد گیشه سینماها را به خود اختصاص می‌دهد؟

بد نیست به موضوع از سوی دیگر نگاه کنیم. حوزه هنری می‌تواند بدون دردسر و حواشی از طریق موسسه بهمن سبز مانند: موسسه‌های مختلف فعال در حوزه سینماداری و پخش همه فیلم‌ها را اکران نماید و یک سوم درآمد و سود حاصله از اکران فیلم‌ها را به جیب بزند. تازه، به دلیل نگاه موفق اقتصادی و هوش و شم تجاری شاید از سوی مدیران بالادستی هم مورد تشویق قرار گیرد. به موازات آن، آن عده قلیل سینماگران و فعالان سینمایی ناراضی هم راضی‌تر می‌شوند. دیگر بیانی‌ای صادر نمی‌شود؟ کسی از مدیران حوزه هنری دلخور نمی‌شود و دیگر، جماعت قیل و قال پرست هم مجبور نمی‌شوند با اجیر کردن عده‌ای علیه حوزه هنری موشن گرافیک، بیانیه، انیمیشن و ویدیوهای جعلی بسازند. نوعی بازی دو سر بردی اتفاق می‌افتد. هم حوزه دینفع خواهد

TITLE	RATING	DISTRIBUTION	WK	LOCS	LOC CHANGE	ESTIMATED WEEKLY GROSS (\$)
Spectre	PG13	Sony	1	3,929		73,000,000
Peanuts Movie, The	G	20th Century Fox	1	3,897		45,000,000
Martian, The	PG13	20th Century Fox	6	2,855	-363	9,300,000
Goosebumps	PG	Sony	4	3,051	-567	7,000,000
Bridge Of Spies	PG13	Disney	4	2,767	-106	6,096,000
Hotel Transylvania 2	PG	Sony	7	2,274	-688	3,600,000
Burnt	R	The Weinstein Company	2	3,003	0	3,003,000
Last Witch Hunter, The	PG13	Lionsgate	3	2,295	-796	2,650,000
Intern, The	PG13	Warner Bros.	7	1,071	-450	1,810,000
Paranormal Activity: The Ghost Dimension	R	Paramount	3	1,087	-443	1,650,000
Our Brand Is Crisis	R	Warner Bros.	2	2,202	0	1,500,000
Woodlawn	PG	Pure Flix	4	922	-333	1,185,000

PG-13 PARENTS STRONGLY CAUTIONED
SOME MATERIAL MAY BE INAPPROPRIATE
FOR CHILDREN UNDER 13

Some movies may have depictions of violence in a PG-13 movie, but generally not both realistic and extreme or persistent violence.

R RESTRICTED
UNDER 17 REQUIRES ACCOMPANYING
PARENT OR ADULT GUARDIAN

A rated motion picture might include adult themes such as persistent sex or that parents are cautioned to take this rating very seriously.

Amount of gun violence in PG-13 rated films has increased dramatically over the past three decades, and is now more common than in R rated films.

Amount of gun violence in popular PG-13 rated films released since 2010 has more than tripled. That amount exceeded the gun violence in R rated films in 2010.

Study conducted by American Public
Opinion at the University of Pennsylvania

BARBARA BYLER / Managing editor of design

BRITISH BOARD OF FILM CLASSIFICATION (BBFC) RATINGS SYSTEM

	U Universal. Suitable for everyone, and contains no content unsuitable for children.
	PG Parental Guidance. Contains content unsuitable for younger children.
	12A Cinema rating only. Those aged 12 and under should be accompanied by an adult.
	12 Unsuitable for under-12s. No sales to anyone under the age of 12.
	15 Unsuitable for under-15s. No sales/entry to anyone under the age of 15.
	18 Unsuitable for under-18s. No sales/entry to anyone under the age of 18.
	R18 Restricted to licensed sex shops and cinemas only. No sales/entry to under-18s or distant sales via telephone and internet.

THE FILM RATING SYSTEM

EMPOWERING FAMILIES TO MAKE INFORMED MOVIE CHOICES

GENERAL AUDIENCES 	G All Ages Admitted Rating: Material suitable for all ages.
PARENTAL GUIDANCE SUGGESTED 	PG Parental Guidance Suggested Parents should be aware that some material may be inappropriate for children.
PARENTS STRONGLY CAUTIONED 	PG-13 Parents Strongly Cautioned Parents are urged to be cautious. Some material may be inappropriate for children.
RESTRICTED 	R Restricted Children under 17 are not admitted.
NO ONE 17 AND UNDER ADMITTED 	NC-17 No One 17 and Under Admitted Children under 17 are not admitted.

FILM RATING BOARD

رده‌بندی فیلم‌ها در آمریکا، اروپا و شرق آسیا چگونه است

مخاطب، البته برای تعدادی از کشورها این نکته یک قانون نیست بلکه طرحی اختیاری محسوب می‌شود که مدیریتش بر عهده والدین است.

در ادامه به وضعیت رده‌بندی سنی در چند کشور نگاهی داشته‌ایم که به شرح ذیل آمده است:

• هیأت رده‌بندی سنی فیلم‌های بریتانیا
هیأت رده‌بندی سنی فیلم‌های بریتانیا سازمانی مردم‌نهاد واقع در لندن است که در سال ۱۹۱۲ بنیان‌گذاری شد. این سازمان، در حیطه بازی‌های ویدئویی و فیلم، در ناحیه بریتانیا فعالیت می‌کند.

U: عمومی. برای همگان مناسب است.
PG: برای همه سنین تایید می‌شود. اما نظارت والدین توصیه می‌شود. این هیأت معتقد است، فیلم‌هایی که با عنوان «PG» رده‌بندی می‌شوند موجب آزار و اذیت کودکان ۸ سال و بالاتر نمی‌شوند. اما به والدین توصیه می‌شود این موضوع را در نظر داشته باشند که ممکن است محتوای فیلم موجب آشفته شدن کودکان و یا بچه‌های حساس‌تر شود.

۱۲: افراد زیر ۱۲ سال سن، مجاز به تماشا و یا کرایه فیلم‌های بارده‌بندی ۱۲ نیستند.

۱۵: افراد زیر ۱۵ سال سن، مجاز به تماشا و یا کرایه فیلم‌های بارده‌بندی ۱۵ نیستند.

۱۸: تنها برای بزرگسالان مناسب است. افراد کمتر از ۱۸ سال سن مجاز به تماشا و یا کرایه فیلم‌های بارده‌بندی ۱۸ نیستند.

R: ۱۸: برای ارایه در فروشگاه‌های ویژه (دارای مجوز ویژه) و عرضه برای بزرگسالانی که بیش از ۱۸ سال

پیدا کنند! اما نبود این دست‌قانونها باعث عدم نمایش یا بعضاً توقیف آنها شده است.

یک آسیب‌شناسی دقیق نشان می‌دهد که نداشتن قانون درجه‌بندی، تا چه اندازه باعث می‌شود گروه‌های مختلف فکری و روبروی هم بایستند و هر کدام یکدیگر را محکوم به نگاه سلیقه‌ای کنند. عموماً تنش در میان سینماگران و مدیران ثمره نداشتن چنین ضوابط مشخصی است.

پیش از این در وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی کشورمان در مورد کیفیت فیلم‌ها و مضمون آن‌ها درجه‌بندی‌هایی (مانند الف، ب، ج) صورت می‌گرفت که صرفاً بر اساس آنها قیمت بلیط‌ها کم یا زیاد می‌شد.

حتماً سینمای ما نیاز به قوانینی دارد که با یک بررسی کارشناسانه شورای صدور پروانه نمایش بتواند طبق قانون تصویب شده، مشخص، و روشن که قابل ارائه باشد درجه‌بندی سنی مناسبی را برای فیلم‌هایی که حساسیت برانگیز است لحاظ کند.

البته پر واضح است که در تصویب این قوانین در هر کشوری نوع فرهنگ، مذهب، عرف جامعه، قانون و فضای سیاسی حاکم نیز تأثیرگذار است، اما باز وجود چنین مواردی در قالب یک قانون یا حتی طرحی در بسیاری از کشورهای صاحب سینما نتوانسته باعث شود که فیلمی در توقیف نماند، اما میزان آسیب به سینما و تشنج در این فضا به حداقل رسیده است و فیلم‌ها با مدیریت درستی اکران می‌شوند.

به همین منظور، نگاهی می‌اندازیم به قوانین سینمایی برخی از کشورها در ارتباط با درجه‌بندی سنی برای

لزم تغییر رویکرد در مدیریت فرسوده و قوانین فاسیل‌شده در سینما ایجاد می‌کند که بدانیم در جهان فعلی نه هنر بلکه هیچ چیزی توقیف‌شدنی نیست اما باید با یک نگاه اصولی و درست برگرفته از فرهنگ ایرانی اسلامی به یک مدیریت منسجم رسید.

این روزها به دلیل فضایی که در سینما در ارتباط با رفع توقیف آثار سینمایی مطرح است و همچنین اعتراضات مختلف برای فیلم‌هایی که نمایش آن نوعی لطمه به بدنه فرهنگی جامعه تلقی می‌شود، بحث رده‌بندی آثار سینمایی دوباره در کانون توجه اهالی سینما و مطبوعات قرار گرفته است. بحثی که گویا یکی از اضلاع اصلی آن یعنی مدیران سینمایی، همچنان نسبت به آن بی‌تفاوت و خنثی هستند.

در بسیاری از کشورهای جهان که دارای سینما هستند و این عرصه برایشان به عنوان یک «هنر-صنعت» شناخته شده است، در ارتباط با اکران فیلم‌های سینمایی قوانینی وضع شده تا کمترین چالش و اصطکاک میان مدیران و سینماگران در زمان اکران فیلم‌ها به وجود بیاید، اما این بدان معنی نبوده که هیچ فیلمی (حتی فیلم‌های هنجار شکن) در این کشورها توقیف نشود بلکه قوانین باعث شده است تعداد فیلم‌های کمتری در این کشورها مهر توقیف بر پیشانی‌شان خورده باشد.

اگر یک نگاه آماری بیندازیم به آثاری که نتوانسته‌اند به بهانه‌های مختلف در کشور ما اکران شوند یا توقیف شده‌اند، در می‌یابیم که تعدادی از این فیلم‌ها بوده‌اند که می‌توانستند طبق ضوابط و قوانینی مانند رده‌بندی سنی یا اکران محدود - که اگر به تصویب برسند - امکان نمایش



سن دارند.

اگر چه سیستم رده‌بندی فیلم در انگلستان، در انجام وظیفه‌هایش از قانون و یا مجریان آن به عنوان پشتوانه‌ای برای اعمال رده‌بندی استفاده نمی‌کند، اما نیروهای مجری قانون می‌توانند رده‌بندی انجام شده توسط این هیأت را نقض کنند. برای مثال، رده‌بندی فیلم سینمایی تصادف «Crash ۱۹۹۶» ساخته دیوید کراننبرگ، توسط هیأت ۱۸ بود و می‌توانست با این شرایط در سالن‌های سینما به نمایش درآید، اما برخی مقامات دولتی مانع نمایش آن شدند.

«فعالیت «انجمن درجه‌بندی نمایشی فیلم‌های سینمایی» در هالیوود

MPAA مخفف The Motion Picture Association of America است که به معنی انجمن فیلم سینمایی آمریکا است، کار این انجمن درجه‌بندی نمایشی فیلم‌های سینمایی است که در اول نوامبر ۱۹۶۸ رسماً کار خود را آغاز کرد.

این سیستم جهت اطلاع والدین از محتویات فیلم است که والدین خود قضاوت کنند که فرزندانشان فیلمی را ببینند یا نه. در واقع این سیستم عنوان نمی‌کند که فیلمی خوب است یا بد است و یا فیلمی باید سانسور شود، فقط جهت راهنمایی والدین می‌باشد که خودشان تصمیم‌گیری کنند.

«درجه‌بندی فیلم‌ها برای گروه‌های سنی در آمریکا گروه G: همه سنین قادر به تماشای این فیلم‌ها هستند و هیچ محدودیتی برای تماشای این فیلم‌ها وجود ندارد.

گروه PG: فیلم‌های این گروه هم مناسب همه سنین است اما به خانواده‌ها هشدار داده می‌شود که بهتر است آنها نیز همراه کودکان حضور داشته باشند.

گروه PG-۱۳: کودکان زیر سن ۱۳ سال اجازه ندارند تا برای تماشای فیلم بدون حضور بزرگ‌تر به سینما بیایند.

گروه R: افراد پایین‌تر از ۱۷ سال می‌بایست برای تماشای فیلم‌های این گروه تحت نظارت بزرگ‌ترها به سینما بیایند.

گروه NC-۱۷: هیچ فرد ۱۷ ساله یا پایین‌تری حق دیدن این رده فیلم‌ها را ندارد.

گروه بدون رده یا NR: فیلم‌هایی که درجه‌بندی نشده باشند در این رده قرار می‌گیرند. معمولاً خانواده‌ها از این فیلم‌ها استقبال نمی‌کنند و اگر شکایتی علیه این فیلم‌ها شود، MPAA دست به اقدام قانونی علیه فیلم خواهد زد.

در اینجا ارائه دادن فیلم جهت دریافت درجه صرفاً یک تصمیم دواطلبانه توسط سازنده فیلم است. به هر حال اکثریت قاطع تولیدکنندگان فیلم پذیرای درجه‌بندی فیلم‌هایشان هستند. تمام پنج مخفف درجه‌بندی فیلم نماد تجاری است و توسط خود تولیدکنندگان گذاشته نمی‌شود. در نتیجه این یک قانون نیست بلکه طرحی است که با استقبال مواجه شده است.

«رده‌بندی فیلم در فرانسه

همچنین در سیستم رده‌بندی فیلم در فرانسه اینگونه است که فیلم‌ها باید از نمایش در سینماها، مجوز نمایش را از وزارت فرهنگ دریافت نمایند. رده‌بندی توسط کمیسیون ویژه‌ای که در جهت نظارت بر فیلم‌های سینمایی تشکیل می‌شود، انجام شده و سپس برای اعمال و صدور مجوز نمایش به این وزارت اعلام می‌شود. فیلم‌ها در یکی از رده‌بندی‌های پنج‌گانه قرار می‌گیرند؛ اگر چه در بعضی موارد، به ندرت، به صادر نشدن مجوز نیز منتهی شود.

U: برای همه تماشاگران مناسب است.

۱۲: تماشا برای افراد خردسال ۱۲ سال سن و کمتر ممنوع است.

۱۶: تماشا برای افراد ۱۶ سال سن و کمتر ممنوع است.

۱۸: تماشا برای افراد ۱۸ سال سن و کمتر ممنوع است.

در هنگام اجرا و در عمل، وزارت فرهنگ همواره تابع تصمیم‌های کمیسیون است.

باید این را اضافه کرد، یک فیلم ممکن است به دلیل بالا بودن میزان صحنه‌های غیراخلاقی یا خشونت، رده‌بندی «X» را دریافت نماید. که در این صورت اینگونه فیلم‌ها با محدودیت‌هایی از قبیل پرداخت مالیات بیشتر و یا نمایش در سینماهای ویژه، که در حال حاضر تعدادشان در فرانسه کم است، مواجه می‌شوند. تصمیم‌های کمیسیون رده‌بندی نیز همانند همه تصمیم‌های اجرایی قابل استیناف و یا بازنگری در دادگاه‌های مربوطه است.

«سیستم رده‌بندی فیلم در ژاپن

G: تماشاگران عام. تمام سنین مجازند.

PG-۱۲: راهنمایی والدین توصیه می‌شود. بعضی از عناصر فیلم ممکن است برای کودکان کمتر از ۱۲ سال سن مناسب نباشد. همراهی والدین یا تماشا در معیت یک نفر بزرگسال مناسب‌تر است.

R-۱۵: محدود است به تماشاگران بالغ ۱۵ سال سن و بالاتر. هیچ‌کسی کمتر از ۱۵ سال سن مجاز نیست.

R-۱۸: محدود است به بزرگسالان ۱۸ سال سن و بالاتر. افراد کمتر از ۱۸ سال سن مجاز نمی‌باشند.

«توقیف نکنید، مدیریت کنید»

به طبع در هر کدام از این کشورها سینماگران ناراضی و منتقد را خواهید یافت که نسبت به فیلم‌ها و توقیف‌هایشان در چنین شرایطی انتقاد دارند، اما یک نکته اساسی وجود دارد آن هم مدیریت فیلمی‌هایی است که می‌توان برای آن شرایطی خاص را فراهم کرد تا اکران و مخاطب مدیریت شده‌ای داشته باشند.

بی‌شک در میان سینماگران شاهد فیلم‌هایی هستیم که بر اساس تعاریف با فرهنگ و عرف جامعه مغایرت دارند به نظر می‌رسد در شرایط فعلی جهانی که در آن زندگی می‌کنیم دیگر توقیف نمی‌تواند آنچنان که باید کار کرد خودش را داشته باشد، وسایل ارتباط جمعی آنقدر گسترده و دقیق شده‌اند که به راحتی صدای افراد و اعتراض‌شان و حتی آثارشان را در دسترس عموم قرار می‌دهد. در چنین جهانی که تکنولوژی حرف اول را می‌زند بهتر است با هر سلیقه فکری پذیرفت که دیگر نه چیزی در جهان فعلی توقیف می‌ماند و نه پنهان.

از طرفی گاهی افراد کم‌سواد و غیر متخصص بر اساس سلیقه دست به توقیف فیلم‌هایی می‌زنند که تنها نتیجه‌اش هزینه‌سازی برای نظام حاکمیتی جامعه مورد نظر و یا هیاهویی پوچ در مورد یک فیلم خاص را باعث می‌شود و نتیجه‌ای جز تنش ندارد.

به نظر می‌رسد و قتش رسیده که نظام نمایشی کشور در عرصه سینما به یک ساز و کار جدید برسد تا با کمترین فیلم توقیفی مواجه شویم. مدیریت در اکران و اختصاص دادن سالن‌هایی خاص به آثاری که مورد تایید نیستند می‌تواند تأثیر گذاری‌هایی را که حاکمان یا مدیران از بابت نمایش یک فیلم نکرانش هستند مدیریت کرد. بهتر است کمیته‌ای با شعار «توقیف نکنید مدیریت کنید» در مقابل مدیران بی‌تدبیر شکل بگیرد. شاید بتوان مدعی شد که در کشور ما رده‌بندی سنی در شورای صدور پروانه نمایش گاهی بر اساس بعضی شرایط، لحاظ می‌شود اما مشخص نیست که اجرای آن را چه نهادی باید بر عهده بگیرد این در حالی است که قوانینی هم برای رده‌بندی سنی وجود ندارد که به طور مشخص و دقیق بتوان روی کاغذ به صورت تصویب شده به آن استناد کرد که اگر این طور بود امروز با حجم زیادی از فیلم‌های توقیف شده و سینماگرانی مطالبه‌گر و مدیرانی غیر پاسخگو مواجه نبودیم.

لزوم تغییر رویکرد در مدیریت فرسوده و قوانینی فسیلی در سینما ایجاب می‌کند که بدانیم در جهان فعلی نه هنر بلکه هیچ چیزی توقیف شدنی نیست اما باید با یک نگاه اصولی و درست برگرفته از فرهنگ ایرانی اسلامی به یک مدیریت منسجم رسید تا کمترین لطمه به سینماگران برسد. اساساً تنه‌ا راه مقابله با فیلمی که به ذهن و روح مثلاً یک کودک آسیب می‌رساند، در شرایطی که قانون وجود ندارد و هیچ آگاهی داده نمی‌شود، صرفاً توقیف آن است در حالیکه با قانون و آگاهی می‌شود هم مانع توقیف فیلم‌ها شد و هم اجازه نداد تا فیلم‌ها در عوض کمک به مخاطب باعث لطمه فرهنگی و روحی به بخشی از آنها شوند. (۵)

خبرگزاری فارس/ علی اکبر دهبان

نگرانی کارشناسان از ابتدال در سینما

تلویزیون و سینما یکی از تأثیرگذارترین رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی جامعه و خانواده به شمار می‌رود. در تمامی جوامع سینمای سالم به طبع جامعه ای سالم خواهد داشت به این منظور که سینما با دادن فاکتور و الگوهای سالم به جامعه و خانواده‌ها، آنها را در مسیر درست هدایت می‌کند. مقوله فرهنگ‌سازی و اهمیت تأثیر سینما بر جامعه و خانواده به قدری حائز اهمیت است که برخی اساتید و کارشناسان از سینما و تلویزیون به عنوان دانشگاه یاد می‌کنند.

مسئله‌ای که این روزها باعث نگرانی اهالی هنر و کارشناسان و صاحب‌نظران این عرصه شده، بحث ابتدال و سوژه‌های سیخ و دم‌دستی در سینما است که نه تنها رسالت اصلی سینما در فرهنگ‌سازی و جهت‌دهی به افکار جامعه تأثیر نداشته بلکه باعث ایجاد یکسری ناهنجارها در جامعه نیز می‌شود.

در این زمینه سوره سینما نظرات کارشناسان و اساتید را جویا شد که در ادامه آن را می‌خوانید:

نقش هدایتگرانه و همچنین، ترویج ابتدال که سینما در جامعه می‌تواند بر عهده داشته باشد توضیح داد: سینما قطعا، یکی از تأثیرگذارترین حوزه‌ها در کشورهاست. امروزی به حساب می‌آید؛ به طوریکه در جوامع توسعه یافته ابتدا واقعیات جامعه به صورت نمایش نشان داده می‌شود و سپس، اصل آن موضوع در جامعه اجرا می‌شود؛ حتی، این مسئله در مورد جنگ‌های مدرن هم صدق پیدا می‌کند.

وی ادامه داد: سینما در کنار بسیاری از ابزارها نقش پررنگی در عرصه سیاست، حوزه دین و عقاید دارد؛ از این جنبه که یکی از ارکان تولید قدرت فرهنگی در جوامع امروزی سینما به شمار می‌رود که نقش هدایتگرانه بر عهده دارد و بخشی از مسئولیت هدایت جوامع را می‌تواند بر عهده بگیرد اما از سویی دیگر اگر به سینما نگاه ابزاری داشته باشیم و این مدیوم از واقعیات ذات خود خارج شود به خط مقدم رواج ابتدال در جامعه تبدیل می‌شود، ابتدال صرفا به طرح مسائل جنسی خلاصه نمی‌شود، بلکه ابتدال گفتمانی محصول عملکرد بد سینماست. در واقع، سینما قدرت ترویج ابتدال به صورت مذهبی، گفتمانی، سیاسی و جنسی را دارد که چنین چیزی در سینمای ایران امروز رخنه کرده و در فعالیت‌های سینمایی کلان که به صورت



مستقیم با مردم در ارتباط است را شاهدیم. یزدان‌پناه در ادامه صحبت خود با اشاره به اینکه سینمای بعد از انقلاب سه دوره طی کرده گفت: دوره شکل‌گیری سینمای نوین مبتنی بر جریان انقلاب بود که شاکله آن سینمای دفاع مقدس است که این سینما علی‌رغم وجود تمام محدودیت‌ها عملکردش قابل



با چنین جریانی توضیح داد: به عقیده من سینماگرانی که دغدغه فرهنگی بیشتری دارند به نسبت گذشته فعال‌تر باید باشند؛ همچون مرحوم حبیب‌الله کاسه ساز که برای سینمای ایران و تلویزیون زحمت زیادی کشید یا سریال‌هایی چون «مدار صفر درجه»، «در چشم باد» یا فیلم‌هایی نظیر «بید مجنون» و «خیلی دور خیلی نزدیک» نمونه‌هایی از آثار ارزشمندی هستند که باعث ترویج سلامت فکر در جامعه می‌شود. وی در بخش دیگری از صحبت خود گفت: البته از نگاه دیگر باید گفت این موج راه افتاده هرگز اصیل و پایدار نخواهد بود و ما هم نباید سر به سرش بگذاریم. قطعا این امواج دوام نخواهد آورد به صورت مقطعی می‌آید و می‌رود. چنین امواجی بیشتر بر پایه اعتراض و لجبازی از شرایط موجود شکل می‌گیرند؛ به اعتقاد من مدیریت کلان جامعه هم بیشتر وقتش را به حل مشکلات مردم و رسیدگی به امور عدالت‌خواهی و عدالت محوری قرار بدهد و اصلا اهمیتی به این لودگی‌ها و هرزگی‌ها ندهد تا موج خودبخود خوابیده شود.

دکتر یزدان‌پناه استاد دانشگاه تهران:
سینما از این طاعونی که دچارش شده خود را برهاند

یک استاد دانشگاه معتقد است: سینما در کنار بسیاری از ابزارها نقش پررنگی در عرصه سیاست، حوزه دین و عقاید دارد؛ از این جنبه که یکی از ارکان تولید قدرت فرهنگی در جوامع امروزی سینما به شمار می‌رود و می‌تواند نقش هدایتگرانه بر عهده داشته باشد.

دکتر کیومرث یزدان‌پناه استاد دانشگاه تهران در مورد

رئیس سابق دانشگاه صنعتی شریف:
گروهی منافع‌شان با ترویج ابتدال در سینما و جامعه مرتبط است

استاد دانشگاه صنعتی شریف معتقد است: جریانی موسوم به واپس‌گرا در جامعه وجود دارد که از خارج و داخل برای ترویج ابتدال در جامعه حمایت می‌شود. این گروه منافع‌شان به ترویج ابتدال در جامعه بر می‌گردد که نمونه آن را می‌توانیم به رواج فیلم‌های مبتذل اشاره کنیم.

دکتر رضا روستا آزاد استاد دانشگاه صنعتی شریف و رئیس سابق این دانشگاه در مورد تأثیری که سینمای ایران بر رواج ابتدال در جامعه دارد گفت: از گذشته تا به امروز بافت جامعه از شرایط یکسان برخوردار نبوده و همواره چه در بخش فرهنگ و یا اقتصاد همیشه تفاوت‌هایی را شاهد بودیم.

وی با اشاره به اینکه دهک‌های متفاوتی در فرهنگ ایران وجود دارد گفت: دهک مبتذل که بخش پایین و فرودست جامعه را شامل می‌شود و یا دهک مرتفع با تفکر ارزشمند که شامل مناطق مرفه جامعه است فرهنگ‌های مختلف را شامل می‌شوند. پیش از انقلاب خیابان لاله زار مکانی برای ترویج ابتدال بود و اساسا ماموریت ترویج ابتدال را دنبال می‌کرد که بعد از پیروزی انقلاب، جمهوری اسلامی هدف و کانون تمرکزش را روی دهک‌های فرهنگی بالای شهر قرار داد تا به واسطه آن بدنه جامعه را تحت تأثیر قرار داده و با معاشرت دهک‌های بالا، سطح سواد و شعور مناطق پایین هم ارتقاء کیفی پیدا کند.

رئیس سابق دانشگاه صنعتی شریف افزود: همچنین به این نکته هم باید اشاره کرد که جریانی موسوم به واپس‌گرا در جامعه وجود دارد که از خارج و داخل برای ترویج ابتدال در جامعه حمایت می‌شود. این گروه منافع‌شان به ترویج ابتدال در جامعه بر می‌گردد که نمونه آن را می‌توانیم به رواج فیلم‌های مبتذل اشاره کنیم اما از آنجاییکه صدا و سیما با مدیریت جدی اداره می‌شود ابتدال در آن گسترش داده نمی‌شود اما از آنجایی که سینما محیط بسته‌تر و کوچک‌تری است و خصوصی‌تر هم هست برای رسیدن این گروه به اهدافشان مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

روستا آزاد با بیان اینکه رواج بی‌ارزشی و پستی در جامعه بحث بسیار جدی است که باید از جانب مسئولین مورد توجه قرار گیرد؛ در مورد راهکار مبارزه



افزود: نکته مهم دیگر اینکه صدا و سیما و به خصوص سینما از ادبیاتی استفاده می کنند که بیشتر رواج و لنگاری است.

وی با بیان اینکه و لنگاری ادبی و گفتاری در برنامه های تلویزیونی و فیلم های سینمایی کاملاً مشهود است گفت: مجری ها، خبرنگارها و بازیگران بعضاً از الفاظ و دیالوگهایی استفاده می کنند که احترام در آن رعایت نمی شود گرچند باید بپذیریم که آدم ها تربیت های متفاوتی دارند اما وقتی پشت تریبون جمعی قرار می گیرند باید رعایت پاره ای از ملاحظات را داشته باشند؛ استفاده از واژه های سطح پایین در رسانه های فراگیر به رواج و لنگاری ادبی کمک می کند.

این استاد دانشگاه ادامه داد: به عنوان نمونه استفاده از کلمه «باحاله»، «ما آدم های باحالیم...» به شدت در سینما و تلویزیون رواج پیدا کرده که بسیار باعث تاسف است. وقتی فرزندان در خانه این عبارات را به کار می برد از او می پرسیم: من یا مادرت این کلمه ها را به کار می



بریم که تو از آن استفاده می کنی؟ و فرزندان پاسخی برای سوالم ندارد. واقعاً بگویم از رواج چنین ادبیات سخنی ناراحت می شوم.

وی گفت: به نظر می رسد کسی نظارتی روی چنین برنامه ها و فیلم های سینمایی ندارد و ادامه چنین جریانی نگران کننده به نظر می رسد آن هم در جامعه ایرانی که مبتنی بر فرهنگ و تمدن غنی است.

شاهانی ادامه داد: به نظر می رسد و تا آنجایی که می دانیم سینما و صدا و سیما برای مردم باید همچون دانشگاه عمل کند و پیشرو باشند نه اینکه یکسری دیالوگها و عبارات از کف جامعه به این رسانه ها را پیدا

این بلبشوی فرهنگی گم می شوند این درحالیست که شیوه مدیریت هم به گونه ای است که به هر قیمتی برای جذب مخاطب تلاش می شود و از حداقل ضوابط و هرگونه نظارت بر فیلم ها محروم هستند.

وی ادامه داد: اما در این میان یکسری خانواده ها هستند که برای خود اصالتی قائل هستند و به سینما به عنوان مکانی برای تفریح نگاه می کنند و با دید سالم به آن توجه می کنند در چنین شرایطی از آن روگردان شده و از چرخه مخاطبین خارج می شوند. اینجا کاملاً مشخص می شود سینما به جای پالایش روح جامعه عاملی می شود که در خط مقدم ابتذال قرار می گیرد. وی گفت: به نظر من باید سینمای ایران از این طاعونی که گرفتارش شده خود را نجات بدهد و متناسب با ظرفیت ها که بر گرفته از روح حاکم بر جامعه است و با برنامه ریزی مطلوب حرکت کند و به سینما به عنوان نهادی که در پروسه جنگ نرم بسیار تاثیر گذار عمل کند نگاه شود.

استاد دانشگاه خواجه نصیر طوسی: گروهی قصد ترویج فرهنگ لیبرالیسم را در سینما دارند

امیر رضا شاهانی گفت: تا آنجایی که می دانیم سینما و صدا و سیما باید نقش دانشگاه داشته باشند و پیشرو عمل کنند نه اینکه یکسری دیالوگها و عبارات از کف جامعه به این رسانه ها راه پیدا کنند.

امیر رضا شاهانی استاد دانشگاه خواجه نصیر طوسی در مورد پیامدهای ابتذال در سینما گفت: همواره دو دغدغه که هم مربوط به سینما می شود و هم صدا و سیما با من همراه است؛ اول اینکه معتقدم فرهنگ سکولاریسم، لیبرالیسم و غرب گرایی چندسالیست در فضای صدا و سیما و به خصوص سینما ترویج می شود و اصلاً این قضیه تضاد می نیست و اتفاقاً کاملاً آگاهانه و هدفمند پیش می رود.

وی با اشاره به اینکه این جریان از طرف مراجع رسمی پیگیری نمی شود و با برنامه ریزی نانوشته ای هم همراه نیست گفت: یک عده دست اندر کار تفکر لیبرالیسم قصد دارند به واسطه فیلم ها و سریال ها ارزش ها را در جامعه سست کنند. این دسته به صورت مستقیم به اصول و عقاید ما نمی تازند بلکه با جاذبه های هنری قبح برخی کارها را می ریزند و ارزشها را کم رنگ می کنند.

استاد دانشگاه خواجه نصیر طوسی به صحبت های

دفاع و تاثیر گذار است در حالیکه امروز هم شاهدیم سینمای ایران تلاش می کند آن نوع فعالیت ها را باز آفرینی و باز تولید کند.

استاد دانشگاه تهران به دوره دوم سینمای ایران اشاره کرد و گفت: در دوره دوم سینمای ایران یک خلاء زمانی حس می شود؛ پیر شدن فعالان سینمایی قبل و بعد از انقلاب و جایگزین شدن سینمای کلاسیک که این خود مقدمه ای شد تا سینمای ایران در سرایشی قرار بگیرد و نتیجه اش منجر به یکسری تولیدات شد که نه با شرایط جامعه همخوانی داشت و نه الگوی کشورهای خارج بود که صد البته در این مسیر صدا و سیما هم مقصر بود.

وی ادامه داد: اما از اوایل دهه هشتاد و آغاز دوره سوم، سینمای ایران وارد مرحله ای شد که به جای طرح موضوعات دغدغه مند و تامین خوراک مخاطب که به پالایش روح و روان او کمک کند موجبات ترویج و انتشار نکات لایبالی گری شد که بعضاً اسباب نگرانی خانواده ها را فراهم کرد که منصفانه اگر بخواهیم قضاوت کنیم تنها سینما دلیل ترویج این ابتذال نبود بلکه تقصیر بر گردن راس هرم بود که به نظر نقد اساسی به چگونگی عملکرد وزارت ارشاد، سازمان سینمایی حتی سازمان تبلیغات وارد است. این سازمان ها به جای آنکه به ساختار و مفهوم تولیدات توجه کنند ورود شکلی پیدا کردند؛ در واقع وزارت ارشاد به جای ساخت محصولات اثر گذار بیشتر به دنبال جذب مخاطب است و صدا و سیما هم همینطور در حالی که میلیارد ها تومان هزینه شبکه های آن می شود اما به صورت تکراری ساخت یکسری برنامه را در دست می گیرد که بیشتر در خدمت هنرپیشه ها و به دنبال جذب مخاطب است و تلاش می کند به هر قیمتی که شده مخاطب را به خود جلب کند.

یزدان پناه گفت: با توجه به سلطه جنگ نرم و تأثیری که جنگ نرم در نظام امروزی دارد بدون کمترین هزینه جوامع را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد و در این میان سینما به عنوان خط مقدم آرزوهای محقق شده آنهاست و این باعث می شود علی رغم تولیدات خوب و حتی هنرمندان خوبی که در این وادی تلاش می کنند اما نتیجه ناامید کننده به نظر برسد و من به عنوان یک استاد دانشگاه فعالیت سینماگران در یک دهه اخیر را بیشتر یک عقبگرد فانتزی بدانم و همان تعداد آثار خوبی هم که ساخته می شوند در

کند. واقعا بعضی از این عباراتی که در برنامه ها و فیلم ها می شنویم دیالوگهای مکانیکی است. آیا صدا و سیما و سینما که نقش تربیتی بر عهده دارند جملاتشان باید از مکانیکی گرفته شود یا از نهادهای فرهنگی و هنری؟ به عقیده من باید کمیته های نظارتی روی این موارد نظارت کامل داشته باشند؛ الفاظ با ویرایش خاصی توسط بازیگران یا مجریان و خبرنگاران ادا شود. حتما فیلمسازان و برنامه سازان در خصوص استفاده از چنین الفاظی تذکر ببینند چون در غیر اینصورت رواج و لنگاری گفتاری و ادبی را بیشتر از این در جامعه شاهد هستیم و این روی فرهنگ عمومی تاثیر می گذارد.

محمد احمدی:

سینما فقط تجارت و گیشه نیست

محمد احمدی گفت: شرایط به گونه ای شده که تعدادی از همکاران ما به خاطر پول تن به ساخت هر نوع فیلمی می دهند؛ در حالی که اگر کمی حوصله داشته باشند و ابتکار به خرج دهند از درون همان فیلم نامه های کمدی هم می توان فیلم سالم و سلامت ساخت.

محمد احمدی کارگردان و تهیه کننده سینمای ایران در مورد نقش و اهمیت سینما در ترویج سلامت فکر خانواده و عدم رعایت چنین نکاتی در برخی از فیلم های حال حاضر سینمای ایران گفت: با شما موافقم که تعدادی از فیلم های سینمای ایران برای خانواده ها مناسب نیست.

وی در ادامه به دلایل و چرایی این قضیه پرداخت و گفت: باید بدانیم از وقتی پول و گیشه در راس امور و کارهایمان قرار گرفته این خودمان هستیم که سطح چگونگی ساختار فیلم های خودمان را پایین آوردیم؛ نگاهمان را به خواسته مخاطب دوخته ایم؛ ببینیم او چه می خواهد ما پنج پله پایین تر از خواسته اش را به او تحویل دهیم.

احمدی ادامه داد: بعضی وقتها تماشاگران؛ فیلمسازان را قلقلک می دهند تا به خاطر پول هم که شده مخاطب بیشتری را به سالن بکشاند لذا تن به ساخت هر نوع فیلمی می دهند.

کارگردان فیلم «شاعر زباله ها» با بیان اینکه در شرایط فعلی به نظر می رسد بعضی مخاطبان ابتذال خونشان که پایین می آید با این فیلم ها دوباره ابتذال به خونشان تزریق می شود گفت: ما تهیه کننده هایی که ادعای فرهنگی بودن داریم وظیفه مان است که سطح سلیقه مردم را افزایش دهیم و در هر شرایطی نباید تن به فیلم های سخیف دهیم و نباید هر چه که مخاطب خواست دودستی به او تقدیم کنیم.

وی گفت: فیلم هایی برای سینما ساخته می شود که به واقع کلمات رکیک در آن استفاده می شود و اتفاقا تماشاگران هم از آن استقبال می کنند اما پرسش من اینجاست که آیا مخاطب از هر چه استقبال کرد باید برایش بیشتر بسازیم یا اینکه ما فیلمسازان هم رسالتی بر عهده داریم در جهت دهی ذائقه مخاطب؟ این تهیه کننده با اشاره به اینکه بسیاری از کارگردانان سینما در گذشته چنین فیلم های سخیفی نمی ساختند گفت: متأسفانه باید بگویم که شرایط به گونه ای شده که تعدادی از همکاران ما به

خاطر پول تن به ساخت هر نوع فیلمی می دهند؛ در حالی که اگر کمی حوصله داشته باشند و ابتکار به خرج دهند از درون همان فیلم نامه های کمدی هم می توان فیلم سالم و سلامت ساخت.

وی با اشاره به اینکه سطح سلیقه بسیاری از فیلمسازان سطحی شده گفت: هم مخاطب روی ما اثر می گذارد و هم ما با فیلم هایمان سطح سلیقه آنها را تنزل می دهیم. فیلمسازان باید بدانند سینما تنها بحث تجارت نیست باید برای مخاطب فیلم های خوب ساخت.

احمدی گفت: به جرات می توانم بگویم فیلم های کمدی در طولانی مدت این میزان گیشه را از دست



می دهند. همین تعداد مخاطبی که امروز برای این فیلم ها سر و دست می شکنند دفعه بعد از آن استقبال نمی کند و به دنبال فیلم خوب می رود.

تهیه کننده «به دنیا آمدن» در ادامه گفت: سالم ترین فیلم های خوب در هالیوود ساخته می شوند و وقتی رنج سنی «برای همه نوع مخاطب» می گیرد یعنی هر نوع مخاطبی می تواند این نوع فیلم ها را ببیند. حال جای این پرسش باقی است که چرا خودمان به این قواعد عمل نمی کنیم. چرا ما فیلم های سالم و سلامت برای تماشاگرانمان نمی سازیم؟

دکتر عصمت سوادى جامعه شناس:

خطر انحراف از راهبردهای فرهنگی نظام اکنون شدیدتر و ملموس تر در سینما احساس می شود

یک جامعه شناس و استاد دانشگاه معتقد است: انحراف خیلی سریعتر از هدایت جای خودش را در جامعه باز می کند. هدایت نیاز به زیرساخت های جدی دارد اما خراب کردن بلافاصله و راحت تر انجام می شود. به نظر می آید باید از افراد متخصص و متعهد استفاده کنیم تا سینما از تهاجم فرهنگی به دور بماند.

دکتر عصمت سوادى مسئول بسیج اساتید خاوران تهران بزرگ و جامعه شناس بیان کرد: به طور کلی فیلم و سینما تاثیر زیادی بر سبک و چگونگی زندگی مردم جامعه دارد؛ شاید فیلمسازان خودشان واقف نباشند که با این فیلم هایی که می سازند چگونه نظام فکری افراد را شکل می دهند و سپس، سبک زندگی براساس این نظام فکری تنظیم می شود.

وی ادامه داد: به عنوان مثال شما به پوششی که در صدا و سیما یا سینما به کار گرفته می شود دقت

کنید؛ این نوع پوشش بلافاصله پس از چند روز بین مردم جامعه فراگیر می شود و این نشان از اثرگذاری این رسانه ها است.

سوادى افزود: ما هم مثل همه مردم جامعه مخاطب چنین فیلم هایی هستیم و یا می شنویم که در پاره ای از فیلم ها نکاتی به نمایش گذاشته می شود که خانواده ها را در معرض خطر قرار می دهد. طرز صحبت کردن کاراکترها در پاره ای از فیلم ها متأسفانه از مشکلات موجود در سینما یا صدا و سیما نشأت می گیرد. شما نگاه کنید الان در فیلم ها و سریالها روابط بین دختر و پسر خیلی عادی نشان داده می شود و در سطح جامعه هم چنین روابطی شکل کاملاً عادی به خود پیدا کرده است که اینها همه آسیب و تبعات اجتماعی به دنبال خواهد داشت.

این استاد دانشگاه ادامه داد: به این نکته هم باید اشاره کرد که شاید تعداد این فیلم ها و یا سریال ها کم و ناچیز باشد اما معتقدیم حتی یک فیلم هم با موضوع و مضامین و دیالوگ های ناپسند در جامعه انحرافی را بوجود می آورد که شاید پاک کردن آن به سادگی نباشد. متأسفانه خطر انحراف از راهبردهای فرهنگی نظام چند سالی هست که شدیدتر و ملموس تر احساس می شود و باید با آن مقابله کرد.

وی در بخش دیگری از صحبت خود به جنگ نرم اشاره کرد و گفت: دشمن در سالهای گذشته ثابت کرده که قصد لشکرکشی به کشورها را ندارد و با جنگ نرم، فکر انسانها را تغییر داده و با تهاجم فرهنگی کشورها را تحت سلطه خود در می آورد؛



اولین راه هم از طریق صدا و سیما و سینماست؛ به عقیده من باید از افراد متخصص استفاده کنیم و از کارشناسان نظر بخواهیم تا با ساخت یک سریال و یا یک فیلم شالوده و بنیاد فکری درستی را برای جامعه رقم بزنند.

دکتر سوادى گفت: انحراف خیلی سریعتر از هدایت جای خودش را در جامعه باز می کند هدایت نیاز به زیر ساخت های جدی دارد اما خراب کردن بلافاصله و راحت تر انجام می شود به نظر می آید باید از افراد متخصص و متعهد استفاده کنیم تا سینما از تهاجم فرهنگی به دور بماند.

نگاهی به خاستگاه مشکلات زنجیره ای فیلم های سینمایی؛

پروانه نمایش های سلیقه ای پاشنه آشیل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

یزدان عشیری

می بندند و می تازند و گیشه ها را قبضه می کنند و در کنارش، ده ها فیلم که بخش بزرگی از سرمایه گذاری سینمایی است در انبار ها و پستوها خاک می خورند و هیچگاه رنگ پرده را نمی بینند.

ریشه و منشاء اصلی این مشکلات زنجیره ای سینما به صدور فله ای پروانه ساخت و صدور بی رویه و غیر کارشناسی پروانه نمایش بر می گردد.

وقتی رسانه ملی برای پخش تیزر فیلم های سینمایی مصوبه های شورای پروانه نمایش را قبول ندارد و برخی نهادهای مردمی و انقلابی همچون حوزه هنری و شهرداری نیز همین رفتار را در پیش می گیرند. این بدین معناست که این شورا تاکنون، درست رفتار نکرده و در انجام وظایف قانونی اش تساهل و تسامح داشته و سلیقه ای برخورد کرده است. موضوعی که تشکیل کمیته ویژه بر آن صحنه گذاشته است. یا اصلاحیه های مکرری که بارها و چندباره، در خصوص صحنه هایی از فیلم اتفاق افتاده است.

اینک، این پرسش مطرح می شود: چرا و به چه دلیل جور ساز و کارهای اشکال دار مجاری قانونی و صنفی در توزیع محصولات سینمایی را جامعه سینماداران و مردم بکشد؟

وقتی تشکل های صنفی بعضا، با باندبازی و رفیق بازی و بی توجه به ملاک ها و استانداردهای کافی و وافی اقدام به عضوگیری می کنند و با تمکین زد و بندهای پشت پرده این پروسه را تکمیل و تقویت می کنند فرایند و خروجی این مسیر اشتباه چرا باید به قیمت آسیب های جدی معنوی و مادی به مراکزی چون حوزه هنری، سازمان صدا و سیما، سینماداران و مدیریت سینماداری در کشور منجر شود؟

وقتی سازمان سینمایی و اداره نظارت و ارزشیابی فاقد توان اخذ ارزشیابی و صلاحیت های لازم برای محصولات سینمایی است و بی رویه، فله ای و متاثر از مناسبات و هیجانات و ذائقه های سیاسی و اجتماعی اقدام به صدور پروانه نمایش می کند چرا باید پیامدها و تبعات این جریان، سینماداران، مراکز و سازمان های دیگر را آزار دهد و آسیب های معنوی و اقتصادی آن متوجه سینماداران باشد؟

چرا جریان کلان فرهنگی و مدیریتی سینما، با نمایش ژست های سیاسی در قالب رفع توقیف های سلیقه ای و امتیاز دهی غیراصولی به عده ای خاص، فضایی را دامن می زند که کلیت سینما از آن آسیب ببینند؟

چرا برخی صنوف سینمایی که سابقه، ماهیت و رزومه هسته های محوری شان در دوره های مختلف روشن است در بیانه های پرطمطراق شان به ریشه ها و خاستگاه های اصلی چالش ها و مشکلات زنجیره ای سینماها و فیلم ها نمی پردازند و آدرس غلط می دهند؟

تکلیف فیلم های توقیف شده مجددا بررسی و با نگاهی منصفانه و با پرهیز از اعمال سلیقه، روشن شود. در همین راستا کمیته بازبینی فیلم های توقیفی هم تشکیل شده است.

مفاد دستورالعمل منتشر شده چند نکته را برجسته و مؤکد می سازد:

* اینکه تشکیل کمیته ویژه برغم حضور و فعالیت شورای پروانه نمایش به معنای نامعتبر بودن این شورا است.

* این طرح نوعی تشکیک نسبت همه مصوبات قبلی شورای پروانه نمایش تولید می کند.

* تأیید می کند که تصمیمات شورای پروانه نمایش تاکنون سلیقه ای بوده است.

* مهم تر اینکه می توان تحلیل کرد پس مصوبات این کمیته اگر متفاوت با مصوبات قبلی باشد نوعی اعمال سلیقه جدید صورت گرفته و پارامترها و معیارهای شفاف و روشن در این زمینه وجود ندارد.

اعمال نگاه های سلیقه ای و سیاسی با رفت و آمد دولت ها و فقدان نظارت و مراقبت در گلوگاه هایی نظارتی و اساسا، عدم «ارزشیابی آثار» باعث شده است که بخشی از تولیدات و محصولات سینمایی کشور به هدر بروند. به تعبیر دیگر، در شرایط بحرانی اقتصاد سینما بخش قابل توجهی از منابع و سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی در حال تلف شدن است. مضافا، اینکه فراتر از هزینه ها و ضررهای مالی و اقتصادی به لحاظ اعتباری و اجتماعی نیز، سینما با این روند مدام در حال تحمل هزینه های زاید است.

اشکال دیگر چرخه پروانه های ساخت و نمایش این است که در صدور مجوزهای نمایش تعدادی از فیلم های سینمایی هم، به منافع فردی و گروه گرایی به جای منافع ملی توجه می شود و این «نگرش قبض و بسطی» در هر دوره ای نسبت به جریانات و جناح ها اتفاق می افتد. نتیجه این روند به کجا منجر می شود؟

متاسفانه، فقدان نظارت های جدی و پروانه نمایش های سلیقه ای در حال حاضر به پاشنه آشیل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تبدیل شده است. در این فضای آشفته، بعضا، فیلم هایی را که پروانه نمایش دارند توقیف می شوند، تعدادی از فیلم های «اصلاحیه دار» از طریق رانت و مناسبات فرافقانونی و گروهی راهی پرده سینماها می شوند. فیلم هایی هم وجود دارند که بازپس گیری و لغو پروانه نمایش شان حتی، از ناحیه وزیر صورت گرفته است. تعدادی فیلم هم، از سر لجبازی و اعتراض از طریق فضاهای مجازی عرضه می شوند. فیلم های توقیفی مارک داری هم هستند با چراغ خاموش وارد بازار شبکه نمایش خانگی می شوند. حتی، چند تایی از فیلم های اکران هم به دلیل رخنه سلیق اشخاص و جریانات مشمول تسهیلات اکران یا تبلیغات رسانه های رسمی و رسانه ملی قرار نمی گیرند و نوعی فضای بلبشویی شکل گرفته است که حق به حق دار نمی رسد و در این فضا، موج سواران بارشان را

مشکل کجاست؟ چرا اکران فیلم های سینمایی در ادوار گوناگون و دولت های مختلف با چالش و مشکلاتی مواجه می شود؟ اگر در قانون معیارهای روشن و شاخصه های شفاف وجود دارد چرا این معضل برطرف نمی گردد؟

فهرست بلندی از فیلم های توقیف شده را در هر دولتی می توان نام برد. «فرزند صبح»، «رستاخیز»، «گزارش یک جشن»، «خانه دختر»، «پریناز»، «سپید و سیاه»، «صدسال به این سال ها»، «اشغال های دوست داشتنی»، «خیابان های آرام»، «عصبانی نیستم»، «خانه پدری»، «بی خود و بی جهت»، «زمهریر»، «هفت و پنج دقیقه»، «گس»، «آینه های روبرو»، «پوسته»، و... این ها بخشی از فیلم هایی است که در سال های اخیر توقیف شده اند. آن هم فیلم هایی که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پروانه ساخت دریافت کرده اند. فیلم های مشکل دار معمولا به سه دسته تقسیم می شوند: «یک دسته آثاری هستند که پروانه نمایش داشته و به دلایلی امکان اکران پیدا نکرده اند، مثل «خانه پدری»، «رستاخیز»، «عصبانی نیستم» و «خانه دختر». یک دسته دیگر فیلم هایی هستند که نتوانسته اند از شوراهای پروانه نمایش و عالی نظارت مجوز نمایش بگیرند مثل «ارادتمند، نازنین، بهاره، تینا» که در هر دو شورا رد شده است. دسته سوم هم آثاری هستند که بدون مجوز ساخته شده اند. قانون درباره آثاری که بدون مجوز ساخته شده اند به صراحت اعلام کرده که وزارت ارشاد در قبال آن ها هیچ گونه مسئولیتی ندارد و افرادی که بدون مجوز فیلم ساخته اند کارشان تخلف محسوب می شود و باید شرایط قانونی را طی می کردند. پس این فیلم ها نمی توانند با دو دسته دیگر برابر باشند، چون فیلم های آن دو گروهی که اشاره کردم مراحل قانونی را طی کرده اند و طبق نظر شورای پروانه نمایش به دلایل سیاسی و فرهنگی از نمایش آن ها جلوگیری به عمل آمده است».

بنابراین، در همه دولت ها و دوره ها شاهد ساخت آثاری هستیم که مشمول توقیف می شوند و صلاحیت های لازم را برای نمایش عمومی اخذ نمی کنند. البته، تعدادی از آثار به تناسب تغییر دولت ها و فضاهای اجتماعی به ناگاهان رفع توقیف می شوند و رنگ پرده را می ببینند و یا این شانس را پیدا می کنند که از طریق شبکه نمایش خانگی مورد مصرف و استفاده مردم قرار بگیرند.

با نگاهی به روند و وضعیت فیلم های توقیفی می توان استنباط کرد؛ فقدان معیارها و شاخصه های روشن و صریح؛ و تفسیر متنوع از مفاد قوانین و همچنین، عدم اتخاذ تصمیمات کارشناسانه و اعمال سلیقه ها منشاء بسیاری از این مشکلات است.

به تازگی و بعد از انتخابات ریاست جمهوری به یکباره اعلام شده با دستور مستقیم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان سینمایی، قرار است

در گفتگو با کارگردان و تهیه‌کننده «بیست و یک روز بعد» مطرح شد:

پرچم باشگاه فیلم سوره بالاست

سیدمحمدرضا خردمندان کارگردان و محمدرضا شفاه تهیه‌کننده «بیست و یک روز بعد» در مورد تمام زوایای فیلم از پروسه تولید تا تبلیغات و برنامه‌های عوامل برای اکران گفتگو کردند.

قرار گفتگو با عوامل فیلم «بیست و یک روز بعد» را پیش از اکران فیلم در دفتر باشگاه فیلم سوره گذاشتیم و در یک روز گرم تابستانی میهمان سیدمحمدرضا خردمندان و محمدرضا شفاه کارگردان و تهیه‌کننده این فیلم شدیم. قرار بود مهدی قربانی هم در جمع ما باشد اما به خاطر حضور در تمرین نتوانست در گفتگو شرکت کند. در این گفتگو سعی کرده ایم به تمام زوایای فیلم از پروسه تولید تا تبلیغات و برنامه‌های عوامل برای اکران صحبت کنیم:

الناز نعمتی



لوکیشن‌های خارجی هم قابل کنترل نیستند. لوکیشن‌های فیلم ما اغلب خارجی و در روز فیلم برداری شدند که کار راحت‌تر می‌کرد. آنهم روزهای زمستانی که کوتاه بودند و چالش از دست دادن نور را برای ما بیشتر می‌کردند. از سویی دیگر بیشتر لوکیشن‌های ما که حدود سی/چهل لوکیشن بودند خارج شهر قرار داشتند. اضافه کنید به دردسرهای فیلمبرداری کار کردن با بازیگرانی که اغلب شان نوجوان بودند و بی تجربه‌گی‌شان در زمینه بازیگری کار را برای یک کارگردان جوان سخت‌تر می‌کرد.

خردمندان: همانطور که آقای شفاه اشاره کردند فیلم تولید سختی داشت اما با وجود ایشان به عنوان تهیه‌کننده من با آرامش کارم را آغاز و به سرانجام رساندم. همکاری من و آقای شفاه مبتنی بر اعتمادی دوسویه بود و از این جهت شاید از خیلی از فیلمسازانی که کار اول‌شان را آغاز می‌کنند قدمی جلوتر بودم. این اعتماد محصول سیزده سال همکاری و دوستی مداوم است. زمانی که محمدرضا (شفاه) پایان نامه‌اش را کارگردانی می‌کرد با هم فیلمنامه‌اش را نوشتیم و از همان زمان می‌دانستیم که این همکاری ادامه خواهد داشت و به حرفه‌ای‌ترین شکل ممکنه و تولید فیلم بلند هم خواهد رسید. «بیست و یک روز بعد» اولین فیلم بلند هر دوی ما در مقام کارگردان و تهیه‌کننده بود و از این جهت قطعاً با چالش‌هایی روبرو بودیم. ضمن اینکه با این فیلم مانند یک فیلم اولی با هزینه پایین برخورد شد و این سختی کار را بیشتر می‌کرد. برای مثال ما باید سکانس‌هایی را در لوکیشن‌های خارجی فیلمبرداری می‌کردیم و دستیارم به من تاکید می‌کرد که تنها اجاره یک روز را می‌توانیم طبق برنامه ریزی‌هایمان پرداخت کنیم و باید کار در همین یک روز به اتمام برسد. این موضوع کار را برای من که عادت دارم با وسواس و دقت کار کنم سخت می‌کرد. یا سرقضیه فیلمبرداری قطار چشم من به ریل خشک شد تا بتوانیم دو واگن اجاره کنیم (می‌خندد) ده روز تحت فشار و استرس بودیم و مرتب پلان‌هایی را جایگزین می‌کردیم تا بتوانیم در نهایت پلان‌های مربوط به واگن قطار را فیلمبرداری کنیم اما این اتفاق میسر نشد. شاید باورتان نشود ولی تا همین دیروز ما درگیر کارهای ویزوال مربوط به همین بخش‌های قطار بودیم.

آقای شفاه اگر این فیلمنامه را کسی بجز آقای

ذهنم پروبال گرفتند و تبدیل به داستان فیلم شدند. هر ایده‌ای منشا می‌گیرد و داستان‌ها از تصاویر و رخدادهایی عینی یا خیالی شکل می‌گیرند. مثلاً محمد رحمانیان درباره طرح اولیه فیلم «سینما نیمکت» گفته بود طرح قصه از روی یک تصویر ذهنی درباره فردی لاغر و عریان که در میان برف و سرما ویلن می‌زند شکل گرفته است.

خردمندان: بله همینطور است. یک سری تصاویر در ذهن تان شکل می‌گیرد که حس می‌کنید این قابلیت را دارند که پروبال گرفته و تبدیل به یک فیلم شوند. من تصویر پسری را می‌دیدم که روی ریل قطار ایستاده و سعی در نگه داشتن قطار دارد. من نمی‌دانستم این پسر کیست یا قرار است چه کار کند و یا ماجرای زندگی‌اش چیست؟ فقط می‌دانستم که تلاش می‌کند قطاری را نگه دارد. از سویی دیگر پسر بچه‌ای را در داروخانه سیزده آبان دیدم که به همراه مادر مبتلا به سرطانش برای تهیه دارو آمده بودند. مجموعه این تصاویر تبدیل به طرح و ایده می‌شود. در ذهنم آن پسر را که روی ریل ایستاده به پسری که دارو به دست در داروخانه مادر را همراه می‌کند ربط می‌دهم و به این ترتیب قصه فیلم در ذهنم شکل می‌گیرد. این پروسه همانطور که اشاره کردم در ابتدا آگاهانه نیست اما بعد از ربط پیدا کردن موضوعات و تصاویر ذهنی به هم سروشکلی آگاهانه پیدا می‌کند و به فیلمنامه و ساختمان اثر منجر می‌شود.

از تجربه تان در مورد ساخت اولین فیلم بلندتان بگوئید. معمولاً کارگردان‌های فیلم اولی از سختی‌های ساخت فیلم نخست‌گلا به دارند. برای شما ساخت اولین فیلم تان چطور تجربه‌ای بود؟

شفاه: اجازه بدهید من ابتدا در این مورد کمی توضیح بدهم. فیلم «بیست و یک روز بعد» به عنوان یک فیلم اولی کاری بسیار سخت بود. این فیلم سختی‌ها با یک فیلم اولی با استاندارد‌هایی که از قواعد فیلم‌های اولی در سینمای ایران می‌شناسیم ندارد. استانداردهای فیلم اولی در ایران یعنی ساخت فیلم راحت و نسبتاً کم هزینه و از این جهت فیلم «بیست و یک روز بعد» هیچ شباهتی به فیلم اولی‌ها ندارد. فیلمسازان فیلم اول معمولاً سراغ روایت‌ها و قصه‌های راحت و آپارتمانی می‌روند. این فیلم‌ها اغلب لوکیشن‌های محدود و کاراکترهای کمی دارند اما فیلم «بیست و یک روز بعد» پر است از لوکیشن‌های متفاوت که اغلب شان خارجی هستند و شرایط

در یکی از روزهای زمستان پشت صحنه فیلمتان آدم‌ها و از شما پرسیدم چرا تصمیم گرفتید فیلم بلند بسازید و حالا که فیلم را دیده‌ام تا حدی به جوابم رسیده‌ام اما دوست دارم از زبان خودتان بشنوم. انگیزه‌های مختلفی برای ساخت فیلم بلند وجود دارد. مثلاً اینکه با مخاطب بیشتری ارتباط برقرار کنید یا بلندپروازی بیشتری را در عرصه سینما تجربه کنید و یا اینکه اصلاً داستان انتخابی‌تان در قالب فیلم کوتاه نمی‌گنجیده است. برای شما کدام یک از این سه دلیل پررنگ‌تر بود.

خردمندان: هر سه این دلایل که عنوان کردید وجود داشت. به نظر من مسیری که هنرمندی می‌کند بی‌شبهت به فرایندی که یک جنین در طی مدت رشدش طی می‌کند نیست. در تمام طول زمان رشد جنین تا به نوزادی و کودکی و... یک انسان محسوب می‌شود و فقط این جسم و ظرفیت هایش است که تغییر می‌کند. پروسه فیلمسازی من هم به همین شکل بوده است. **طرح و ایده اولیه فیلم «بیست و یک روز بعد» چطور شکل گرفت؟**

همیشه از من این سوال پرسیده می‌شود که چگونه ایده طرح فیلم در ذهنم شکل گرفت؟ پاسخ به این سوال برایم خیلی سخت است. البته گاهی جواب‌هایی به دوستان و خبرنگاران و منتقدانی که این سوال را می‌پرسند می‌دهم ولی واقعیت این است که این پروسه بسیار ناخودآگاه است. این سوال من را به یاد دختر پانزده ماهه‌ام می‌اندازد. ما هر روز حرکت تازه‌ای از او می‌بینیم و اگر از او بپرسیم که چطور شد که اولین گام هایت را برداشتی بی‌شک جوابی نخواهد داشت چرا که هر فعلی که می‌آموزد و انجام می‌دهد آگاهانه نیست و این فرایند به صورت طبیعی طی شده است. راستش من هم وقتی با این سوال که چطور قصه فیلم‌هایم در ذهنم شکل می‌گیرد مواجه می‌شوم جوابی ندارم. مثلاً به خاطر ندارم ایده فیلم «دوئل» دقیقاً در کدام لحظه شکل گرفته و این موضوع درباره سایر فیلم‌هایم هم صدق می‌کند. فرایند شکل‌گیری طرح و تولید یک فیلم در ذهن بسیار عجیب است و چندان قابل توضیح دادن نیست یا دست کم برای من اینطور است.

«بیست و یک روز بعد» هم مجموعه‌ای بود از طرح‌ها - ایده‌ها تصویرهای ذهنی و تجربه‌ها که در برخی در زندگی شخصی‌ام رخ داده بودند. این طرح‌ها در



خردمندان که همکار قدیمی و دوست تان هستند برای تهیه به باشگاه فیلم سوره ارائه می کرد باز هم آن را تولید می کردید؟

شفاه: اگر فرد مستعدی مانند آقای خردمندان چنین فیلمنامه خوبی را به باشگاه فیلم سوره ارائه می کرد حمایت می شد. درواقع نقش رفاقت و دوستی ما در شکل گیری فیلم صفر بود. نمی توانم انکار کنم اگر آقای خردمندان را نمی شناختم هم قطعا این فیلم به همین صورت تولید می شد اما این فیلمنامه خوب و کامل را نمی شد به راحتی رد کرد. ما در مسیر کاری مان همواره مشارکت فکر داشته ایم و در پروژه هایی که با هم کار کرده ایم از همان ابتدای شکل گیری ایده و طرح باهم همکاری داشتیم. اما می توانم اذعان کنم که نه تنها من به عنوان یک تهیه کننده بلکه هر نهاد هنری در مواجهه با فردی مانند آقای خردمندان باید از سرمایه گذاری روی چنین فیلمی استقبال می کرد. توانمندی های ایشان در حال حاضر اثبات شده و تلفن شان تقریبا قطع نمی شود و مرتب پیشنهاد همکاری برای ساخت فیلم و سریال دارند. این نشان می دهد اساسا تصمیم برای تولید فیلم ایشان یک تصمیم کاملا کارشناسی و حرفه ای بود. ما می دانستیم وقت پریدن این استعداد است و باشگاه فیلم سوره اگر مدعی حمایت از جوانان است حالا وقتش رسیده است شرایطی را برای پیشرفت و پرش این استعداد مهیا کند. ضمن اینکه فیلمنامه ایشان به حدی خوب و دقیق نوشته شده بود که به اصطلاح روی زمین نمی ماند. همچنین در چهار پنج سال گذشته جایزه ای نبوده که ایشان در جشنواره های مختلف فیلم های کوتاه کسب نکرده باشند. پس دلیلی برای تردید در جهت همکاری با ایشان وجود نداشت و خوشبختانه پرچم باشگاه فیلم سوره با تولید این فیلم بالاست.

سراغ سوژه سختی برای ساخت فیلم اول تان رفتید در حالی که می توانستید با ساخت فیلمی راحت تر آغاز کنید که ریسک کمتری هم برایتان داشت. حتما ایده های مختلفی در ذهن تان برای ساخت فیلم دارید اما سراغ ایده موضوع و قصه ای رفته اید که فرایند تولید و کارگردانی چالش برانگیزی دارد.

خردمندان: این استرس همواره با فیلمسازی که کار اول شان را کارگردانی می کنند وجود دارد که سراغ سوژه ای نروند که به اصطلاح در آن بمانند و نتوانند به خوبی به سرانجام برسانند اش. ولی من از روی تجربه می دانم

که اگر به قصه و ایده ای اعتقاد دارم نباید از سختی کار واهمه داشته باشم و اتفاقا وقتی به دل کارهای سخت می زنم نتیجه بهتری می گیرم. «بیست و یک روز بعد» پر از سکانس های مختلف به لحاظ فضا و حس و حال است. در این فیلم هم لحظات تراژیک و عاطفی وجود دارد و هم لحظات کمدی و برابرایجاری این لحظات سراغ تجربه هایی که از ساخت فیلم های کوتاه داشتیم رفتیم به طوری که هر سکانس از این فیلم را یک فیلم کوتاه می دیدم. همیشه به شوخی میگویم آنقدر سکانس هایم را پیش از فیلمبرداری میساییدم که رنگ شان میرفت (می خندد) یعنی واقعا همه سکانس ها را می چلاندم. تجربه ای که از ساخت فیلم کوتاه به دست آورده ام رسیدن به زبان ایجاز و پرهیز از اضافه گویی است. درواقع هر آنچه مغل ارتباط حسی مخاطب با فیلم شود باید حذف شود و من این قاعده را در فیلم بلندم هم رعایت کردم.

خیلی از فیلم های کوتاهی که ساخته ام صد ثانیه ای هستند اما برای هر کدام ماه ها وقت صرف کرده ام. ممکن است فیلمبرداری شان تنها در یک روز به اتمام رسیده باشد اما از مدتها قبل به فیلم و ایده ای که باید پرداخت شود فکر می کنم و فیلمنامه هایم را بارها بازنویسی می کنم تا ظرف و مظهر همدان باشند. در کل معتقدم بزرگترین هنر یک کارگردان این است که بتواند ظرف و مظهر کارش را همسان کند. یعنی اینکه بداند چه سوژه و قصه ای با چه فضا و تاپمی هماهنگ است و همانطور عمل کند. ضمن اینکه در ساخت فیلم های کوتاه تجارب مختلفی در زمینه های مختلف کسب کرده بودم. صحنه های خارجی و داخلی - اکشن - عاطفی - شب و روز و فضای های مختلف را تجربه کرده بودم که در ساخت اولین فیلم بلند سینمایی ام به یاری ام آمدند و در بحث کارگردانی به مشکلی برخورددم.

حفظ ریتم در فیلم های کوتاه راحت از فیلم های بلند است. من فکر می کنم مانند هر کارگردان دیگری یکی از چالش های تان در ساخت اولین اثر بلند سینمایی تان حفظ ریتم بوده است. بخصوص اینکه شاهد کمی افت ریتم در میانه های فیلم هستیم.

خردمندان: در سینما هم زمان روانی داریم و هم زمان فیزیکی. زمان فیزیکی همان تاپمی است که شماروی صندلی نشسته و فیلم را تماشا می کنید اما زمان روانی ممکن است برایتان مانند یک روز یا تنها یک ربع طول بکشد. من ریتم را اینطور می فهمم و تعریف ام از ریتم یک فیلم اینطور است. بازخوردهایی که درباره ریتم فیلم داشتیم درباره میانه های آن نبود و اگر هم انتقادی به ریتم وجود داشت درباره ابتدای فیلم بود. البته در جشنواره فیلم اصفهان همین انتقاد هم وجود نداشت. من فکر می کنم بخشی از این انتقاد به کم حوصلگی مخاطب جشنواره فیلم فجر برمی گردد. مخاطبی که روزی چهار پنج فیلم می بیند. حوصله این مخاطب را نمی توان با مخاطبی که با حوصله و سر صبر بلیت خریده و به سینما رفته مقایسه کرد. طبیعی است که ذهن مخاطب جشنواره خسته و کم حوصله تر است. این مخاطب دوست دارد به سرعت به انتهای فیلم رسیده و کارش را انجام دهد یا فیلم را با سایر آثار مقایسه کند.

همسر آقای موئینی تدوین گر فیلم اتفاقا نظری دیگر

داشت و گفته بودند «این فیلم چرا اینقدر تند است؟ این ریتم فرصت نفس کشیدن به مخاطب نمی دهد.» ضمن اینکه فیلم برای ارکان عمومی هفت دقیقه کوتاهتر شده است.

شفاه: خوشبختانه هم در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان و هم در جشنواره فیلم فجر با بازخوردهای خوبی مواجه شدیم و نشست خبری مان در برج میلاد جوی بسیار مثبت داشت. اتفاقا وقتی یکی از خبرنگاران به فیلم انتقاد کرد سایر منتقدان به انتقاد او واکنش نشان دادند و به ما فرصت پاسخگویی داده نشد. خردمندان: ریتم فیلم باید به گونه ای باشد که مخاطب از بدنه اثر جدا نشود. وقتی مخاطب از بدنه و داستان فیلم جدا شود یعنی فیلم از ریتم مناسب خارج شده است و این اتفاق در فیلم ما نمیفتند.

شفاه: شاید تنها یک دقیقه در فیلم وجود دارد که مخاطب فرصت پیدا می کند که به اصطلاح روی صندلی جابجا شود. آنجا که مادر و مرتضی مشغول صحبت کردن و بافتن مو هستند. این بخش تنها لحظاتی از فیلم است که ریتم کمی آرام می شود که تمهیدی خودخواسته بود برای فرصت دادن به مخاطب برای تنفس و فکر کردن درباره قصه و کاراکترها. قبل از این بخش و بعد از آن تا انتهای فیلم باز هم با ریتمی تند مواجه هستیم.

بخش مربوط به بازی مرتضی با چند بزرگسال در گیم نت هم کمی بیش از نیاز دراماتیک طولانی می شود.

شفاه: آن بخش که به شدت نفسگیر است. ریتم خوبی دارد ولی بنظر کمی طولانی تر از حد نیاز است. خردمندان: اتفاقا خیلی ها آن سکانس را دوست داشتند.

بله علی رغم طولانی بودن سکانس جذابی است. بخصوص برای مخاطبان نوجوان که عاشق بازی های کامپیوتری هستند.

شفاه: شبکه کودک هم برای ساخت تیزر فیلم تمایل داشت بیشتر از همین سکانس استفاده شود. کمی هم در مورد روند انتخاب بازیگران توضیح دهید لطفا. بازیگران فیلم انتخاب های اول تان هستند؟

خردمندان: بله اکثر شان انتخاب های اولم هستند. برای پیدا کردن بازیگر نقش اصلی خیلی تلاش و جستجو کردیم. اوایل به مهدی قربانی فکر نمی کردم اما بعد از مدتی از او خواستم به دفتر بیاید تا ببینم چقدر چهره اش عوض شده است. در این مدت اما بیچار نبودیم و به مکان های شلوغ که نوجوانان زیاد تردد دارند مانند استاد یوم ها، پارک ها، ورزشگاه ها و... می رفتیم. چون فصل تابستان بود و مدارس تعطیل بودند. ابتدا مهدی قربانی برای نقش دیگری کاندید شد اما این بازیگر نوجوان خودش را با استعداد و سماجت به ما تحمیل کرد.

نقش آفرینی خیلی خوبی هم در فیلم دارد. یادم هست وقتی برای گزارش به پشت صحنه آمدم متوجه وسواس و دقتش در بازی شدم و اینکه چقدر نگران نتیجه بازی اش بود.

بله همینطور است. وقتی برای اولین بار به دفتر آمد پسری بسیار ساده بنظر می رسید اما کم کم متوجه شدیم چقدر باهوش و سمج و زرنگ است (می خندد) من او را برای نقش مرتضی انتخاب کردم اما این موضوع را به خودش نگفتم. همان شبی که از او تست گرفته بودم شماره ای ناشناس با من تماس گرفت و دیدم مهدی قربانی است. نمی دانم چطور با این سرعت شماره ام



را پیدا کرده بود. شروع کرد به صحبت کردن و گفت خانواده ام تصمیم گرفته اند اگر قرار است در این فیلم بازی کنم از دماوند به تهران نقل مکان کنند و ما منتظر تصمیم شما هستیم و خلاصه تکلیف من را مشخص کنید (می خندد) من هم جواب دادم شما هر تصمیمی صلاح می دانید بگیرید و اگر انتخاب شدید اطلاع خواهیم داد. اما فردای آن روز و در روزهای بعد هم به بهانه های مختلف تماس می گرفت و همین بحث را پیش می کشید. بعدا فهمیدم اصلا موضوع نقل مکان به تهران مطرح نبوده و مهدی می خواسته زودتر بداند که در این فیلم بازی خواهد کرد یا نه؟ و با تماس های مکرر در ذهن من ماندگار شود که این اتفاق هم افتاد. در نهایت به دستیارم گفتم یکبار دیگر از او تست بگیریم و اینبار خیلی جدی تر از او تست گرفتیم و با اطمینان خاطر برای نقش مرتضی انتخاب شد.

هر چقدر بیشتر مهدی قربانی را شناختم متوجه شباهت اش با دوران نوجوانی خودم شدم. من هم مانند مهدی برای رسیدن به هدفم سماجت به خرج می دادم و تلاش می کردم. شاید به اندازه مهدی جسارت نداشتم اما به همین اندازه برای رسیدن به خواسته ام مصمم بودم. در زمان فیلمبرداری هم هر چقدر جلورفتم متوجه شدم مهدی قربانی چقدر برای نقش مرتضی مناسب است. روزی که قرار بود مهدی روی ریل راه آهن از همکلاسی هایش کتک بخورد صحنه ای بسیار سخت بود و من واقعا نمی دانستم برای بهتر شدن و طبیعی از کار در آمدن این صحنه بدون آنکه بچه ها آسیبی ببینند باید چه کار کنم. ریل قطار پر از سنگلاخ است و ما امکان اینکه زیر بچه ها تشک یا چیز دیگری بگذاریم که سنگ ها اذیت شان نکند نداشتم چون در فیلمبرداری مشخص می شد. لباس تن مهدی هم تنها یک پیراهن نازک بود و این ما را نگران می کرد. این صحنه دوازده بار برداشت شد و هر بار اشکالی داشت که من را اذیت می کرد. اشکال هم اینجا بود که بچه دل شان نمی آمد مهدی را خوب کتک بزنند و صحنه غیر طبیعی و نمایشی از کار در می آمد. بعد از دوازده برداشت مهدی به سمت من آمد و گفت «آقای خردمندان اینا چرا نمی زنن؟ بزنی تموم بشه دیگه» (می خندد) و در نهایت در برداشت نهایی بچه ها واقعا مهدی را کتک زدند و پلان گرفته شد. در این صحنه ها اگر خوب دقت کنید می بینید که مهدی در خودش جمع شده چون واقعا کتک می خورد. بنظر من این ویژگی برای یک بازیگر خیلی مهم است اینکه در جهت بهتر شدن بازی اش هر کاری بکند و هر سختی را متحمل شود و این ویژگی در مهدی قربانی وجود دارد. او می خواهد بازیگر شود و من شک ندارم این اتفاق هم برایش خواهد افتاد. او تصمیم خودش را گرفته و خیلی جدی

تئاتر را دنبال می کند و در حال حاضر هم مشغول تمرین یک تئاتر است.

ساره بیات نقش مادر مرتضی را دارد که یک نوجوان است و معمولا بازیگران جوان دوست ندارند به این زودی ها نقش مادر آنهم مادر یک پسر نوجوان را بازی کنند. ایشان هم انتخاب اول تان بود؟

خردمندان: اجازه بدهید پیش از اینکه درباره خانم بیات و بازی ایشان صحبت کنیم درباره حسین شریفی نیز سخنی بگویم. بنظر من حسین شریفی حتی از مهدی قربانی مستعد تر است. این نوجوان استعداد ناب و ویژه ای در بازیگری دارد و من خیلی خوشحالم او را برای بازی در فیلم ام انتخاب کردم. انتخاب یک شخصیت شهرستانی به عنوان پارتنر مرتضی در فیلم یک انتخاب جسورانه بود. بعد از اکران جشنواره مرتب از من پرسیده شد که این بچه با این لهجه در تهران چه می کند؟ و من جواب دادم که مادر تهران سه میلیون مهاجر داریم که اتفاقا نقشی در فیلم های مان و سینما ندارند.

ابتدا می خواستم نقش دوست مرتضی را یک پسر شیرازی یعنی فردی همشهری خودم بازی کند اما بازی حسین شریفی را در یک فیلم کوتاه حدود دو سال پیش دیده بودم و در ذهن داشتم. حسین در این مدت هیچ فعالیتی در زمینه بازیگری نداشت و پیدا کردنش راحت نبود اما دوستان او را پیدا کردند و برایم عکسش را فرستادند. وقتی عکس را دیدم فکر کردم چقدر به نقش نزدیک است و از او خواستم به همراه خانواده اش به تهران بیایند. وقتی برای اولین بار از او تست گرفتم به عوامل فیلم گفتم حسین انتخاب من است.

بخشی از بار کمدی فیلم هم بر دوش همین شخصیت است. البته در کل، فیلم با اینکه قصه ای تراژیک دارد اما تلخ و گزنده از کار در نیامده است.

خردمندان: بله این یکی از ویژگی های فیلم است که خیلی ها به آن اشاره کرده اند. فیلم داستان غم انگیزی دارد اما قرار نیست مخاطب را اذیت کند. یک بخشی از این قضیه مربوط می شود به انتخاب درست بازیگران. حسین شریفی ذاتا طبع طنز دارد و می توان از او بازی کمدی گرفت. من این طبع طنز را در زمان فیلمبرداری کشف کردم. مثلا در بخش گورستان و برداشتن سیب ها با همفکری هم به این صحنه ها رسیدیم یا یک روز متوجه شدم که پشت صحنه برای دل خودش آواز می خواند و صدای خوبی دارد و از این استعدادش در سکانس پس از اخراج مرتضی از کارواش استفاده کردم. شاید باورتان نشود اما حسین فقط یکبار دیالوگ ها را می خواند و کاملا حفظ میشد. دیالوگ را یکبار می خواند و می گفت «حله» و وقتی تمرین می کردیم متوجه میشدم بدون جانداختن حتی یک کلمه همه را از حفظ است. او آنقدر باهوش و مستعد است که معمولا در همان برداشت اول من را به نتیجه دلخواهم میرساند.

جمله با مزه «شما آدم های خوشبختی هستید که...» هم ایده خودش بود؟

خردمندان: در بخشی از فیلمنامه این جمله بود و حسین آنقدر آن را با مزه ادا کرد که فکر کردیم می توانیم باز هم استفاده کنیم و تبدیل به موتیف شد.

در بخش های قبلی سسولات به انتخاب خانم ساره بیات هم اشاره کردید که صحبت از بازی حسین شریفی به میان آمد و جواب تان را ندادم. در مورد سوال تان باید بگویم ایشان هم انتخاب اول من بودند. ایشان آن

زمان مشغول بازی در سریال «عاشقانه» بودند اما وقتی فیلمنامه را خواندند خیلی مشتاق شدند و کلی درباره فیلمنامه و ایده های مان با هم صحبت کردیم.

بازی خانم بیات خیلی بسته به میمیک چهره شان است و ایشان میمیک قدرتمندی در بازی شان دارند. نقشی که ایشان بازی کردند نقش یک زن مبتلا به سرطان است و قرار بود صورت کاملا تغییر کند و باید چهره ای را انتخاب می کردیم که حتی با وجود این تغییرات باز هم جذابیت زنانه اش را حفظ کند. عده ای در مورد گریم ایشان ایراد میگرفتند که چرا این زن آرایش دارد؟ و من در جواب می گفتم اتفاقا خانم هایی که به بیماری مانند سرطان مبتلا می شوند بیشتر به چهره شان می رسند و این خیلی طبیعی است. من از بازی ایشان و تلاش شان برای درآوردن این نقش رضایت دارم. خانم بیات در طول فیلمبرداری همیشه همراه و کمک رسان ما بودند و هنوز هم در کنار فیلم هستند.

پایان سورئال فیلم هم از موضوعات بحث برانگیزی بود که بعد از اکران فیلم در جشنواره خیلی در مورد آن صحبت شد و نظرات متفاوتی در موردش وجود داشت. برخی این پایان را دوست داشتند و برخی آن را با ماهیت رئال فیلم هماهنگ نمی دانستند.

خردمندان: دقیقا همینطور است نظرهای متفاوتی دریافت کردیم.

من این پایان را دوست داشتم. به نظر من پایانی بسیار خوب برای یک مخاطب نوجوان بود. اینکه به مخاطب تاکید شود در نهایت به خواسته اش خواهد رسید حتی اگر این خواسته و آرزو در ابتدا تنها در ذهن و تخیل اش جاری باشد. درواقع این تخیل می تواند آنقدر محرک و قوی باشد که او را به سمت رسیدن به آنچه آرزو دارد هل بدهد.

شفاه: اگر برداشت همه این باشد ما دقیقا به وسط سبیل زده ایم و به خواسته مان رسیده ایم. برای مان خیلی مهم بود که میان اینهمه سختی که فیلم برای مخاطب نوجوان و بزرگسال روایت می کند همواره رویایی هم وجود داشته باشد. بسیار علاقمند بودیم که مخاطب بداند با کاراکتری منفعل روبرو نیست و این نوجوان آنقدر در راه رسیدن به آنچه می خواهد تلاش و سماجت می کند که به آن میرسد. ما حتی پایان های مختلفی را تست کردیم و یکی از این پایان ها را ساختیم. در این پایان مرتضی روی ریل می ایستد اما هنوز قطار نرسیده فیلم به پایان می رسد. این پایان را روی پرده دیدم و متوجه شدیم ممکن است مخاطب به اشتباه تصور کند پسر جوان قصد دارد برای راحت شدن از فشار زندگی خودش را زیر قطار بیندازد که به هیچ وجه با آنچه فیلم در نظر دارد بگوید سنخیتی نداشت.

خردمندان: البته ما برای پایان فیلم تردیدی نداشتم. تدوینگرمان آقای موثینی به ما گفتند بد نیست تا قبل از ایست کامل قطار فیلم به اتمام برسد. ایشان پیشنهاد دادند مرتضی دستش را به قصد نگه داشتن قطار بالا بیاورد اما تا قبل از ایست کامل قطار فیلم به اتمام برسد و نسخه ای با این شکل هم تدوین کردند و به ما تحویل دادند. آقای شفاه شرایطی مهیا کردند تا مخاطبانی به سینما بیایند و فیلم را با آن پایان تماشا کنند و ما واکنش و برداشت آنها را ببینیم. این درواقع یک آزمایش میدانی بود و نتیجه چیزی شد که همانطور که آقای شفاه گفتند اصلا خواست ما نبود. مخاطبان تصور کردند مرتضی به

نیت خود کشی روی ریل قطار ایستاده که فرسنگ ها با آنچه مد نظر ما بود متفاوت بود.

شفاه: درواقع آقای موئینی هم نمی خواست چنین تصویری در ذهن مخاطب به وجود بیاد اما برداشت مخاطبان اینطور بود.

خردمندان: ضمن اینکه اگر فیلم با آن پایان اکران میشد به واسطه تصور اشتباه مخاطبان با هجمه های فراوانی روبرو می شدیم. این شد که همین پایان که در فیلم مشاهده می کنید و از ابتدا هم قرار بود به همین شکل باشد در تدوین لحاظ شد. من خیلی این سکانس را دوست دارم و از ابتدا با همین حال و هوا در ذهنم بود. نکته دیگر این است که پایان فیلم کاملا با فضای ابتدای فیلم هماهنگ است. پسر ادامه دهنده راه پدری است که بلند پرواز بوده و دلش می خواسته دست به کارهای عجیب و متحیرالعقول بزند. از این نظر پایان فیلم با کلیت فیلم هم سنخیت دارد و درواقع مخاطب با پیش زمینه قبلی برای تماشای این پایان متفاوت آماده است.

خردمندان: اجازه بدهید درباره پایان فیلم مثالی بزنم. شما تصور کنید که در مدرسه یکی از همکلاسی های قلدرتان اذیت تان می کند و ناچار هستید صبری کنید و از کنار این اذیت ها رد شوید چون زورتان به فرد قلدر نمیرسد اما یک روز مصمم می شوید که این بچه قلدر را سر جایش بنشانید. می خواهید بگویید «من هستم» و در آن لحظه عزم تان را جزم می کنید که مقابل فردی که شما را آزار می دهد بایستید. ارتباط مرتضی و قطار به نظر من همین شکل را دارد. من قطار را در فیلم یک کاراکتر مهم می دانم شما به عنوان مخاطب می توانید همه مسایل و مشکلات مرتضی را به نوعی با قطاری که به سمت او میاید نسبت دهید. مرتضی گاهی از کنار قطار رد می شود گاهی از طریق این شیء فیلم می سازد و گاهی سعی در متوقف کردن آن به صورت ساختگی دارد تا به نوعی کاسبی کند اما همیشه از قطار دور است و به آن نزدیک نمی شود و با وجود همه ادعاهایی که دارد این جرات را ندارد که به قطار نزدیک شود. در پایان فیلم اما مرتضی به این مرحله میرسد که بالاخره به قطار نزدیک شود آنهم در حالی که تنهاست و دیگر نه مهران کنارش است که از او حمایت کند نه دوستانش دوروبرش هستند که تشویقش کنند نه کسی او را می بیند و نه حتی سوئیشرت همیشگی و دستکش هایش با اوست. در این صحنه مرتضی کامل تنهاست و باید با چیزی مواجه شود که همیشه از مواجهه با آن به صورت مستقیم طفره رفته و واهمه داشته است.

و در نهایت موفق می شود به خواسته ای که در ذهن دارد و کلی حتی برای رسیدن به آن نقشه کشیده و موفق نشده بوده اینبار بدون دروغ و برنامه ریزی و کلک برسد.

خردمندان: بله بالاخره این موضوع ممکن می شود. او یکبار هم پیش از این در خواب دیده بود که این قطار به سمت او و خانواده اش هجوم می آورد. نمی دانم چرا صحنه های مربوط به خواب خوب دیده نشد و با اینکه صحنه بسیار قدرتمندی است اما برخی از مخاطبان آن را فراموش می کنند. در کل بخش پایانی فیلم برای من بسیار دوست داشتنی است و اصلا یکی از تصاویر ذهنی ام برای ساخت فیلم همین تصویر بود تصویر پسری نوجوان که روی ریل قطار ایستاده و سعی در نگهداشتن آن دارد.

فیلم تان شعار خاصی هم دارد؟

شفاه: جملات بسیاری پیشنهاد شد و در نهایت قرار شد جمله «حسی که رهپایتان نمی کند...» به عنوان شعار فیلم در تیزر رسمی آن استفاده شود.

همکاری های تان اغلب بسیار موفقیت آمیز بوده اند و حالا هم با اولین فیلم بلند سینمایی تان موفق شده اید هم نظر منتقدان و مخاطبان را جلب کنید و هم در جشنواره معتبر کودک و نوجوان اصفهان خوب درخشیدید. درباره ادامه روند این همکاری بگویید و اینکه برنامه تان برای ساخت فیلم بعدی چیست؟

شفاه: اتفاقی که تابحال درباره همکاری مشترک ما افتاده روایی بوده که برایش برنامه ریزی قبلی نداشته ایم. یعنی این همکاری جریان ادامه دار است و خیلی دست ما نیست (می خندد) مشابهت فکری مان و سلیقه مان در زمینه ساخت و تولید فیلم باعث شده است به زبانی مشترک رسیده و همکاری برای مان راحت شود. طبعاً بسیار دوست داریم باز هم با آقای خردمندان همکاری داشته باشیم اما این موضوع را هم می دانیم که ایشان مطمئناً به عنوان یک فیلمساز جوان دوست دارند کار در فضاهای متفاوت و همکاری با افراد و دفاتر سینمایی مختلف را تجربه کنند و این حق منطقی ایشان به عنوان یک هنرمند فیلمساز است.

قطعا قابل تصور است که در آینده ایشان با تهیه کنندگان دیگری همکاری داشته باشند. ایشان یکی از فیلمسازان خوب کشور هستند و همین حالا همانطور که پیش تر عرض کردم پیشنهادهای کاری خوبی دارد. ضمن اینکه باشگاه فیلم سوره هم همواره یکی از همین محافل هنری است که از همکاری با ایشان استقبال خواهد کرد.

فیلم بعدی تان اثری بلند است یا باز هم به سراغ سینمای مورد علاقه تان فیلم کوتاه خواهید رفت؟

خردمندان: مشغول ساخت فیلم کوتاه صد ثانیه ای هستیم که کارهایش را درست پس از ایام جشنواره فیلم فجر آغاز کرده بود.

شفاه: آقای خردمندان حدود هفتاد فیلم صد ثانیه ای ساخته اند و بنظر من بهترین کارگردان در این گونه سینمایی یعنی فیلم صد ثانیه ای در کشور هستند. اینکه کسی به هنر ایده پردازی یک فیلم صد ثانیه برسد خودش یک استعداد ویژه نیاز دارد و یک فن آوری است که آقای خردمندان به آن رسیده اند. ایشان حدود پنج سال است که فیلم صد ثانیه ای میسازد و در هر جشنواره ای شرکت کرده اند موفق به کسب جایزه شده اند.

خردمندان: من هرگز به فیلم کوتاه به عنوان یک پل برای رسیدن به ساخت فیلم بلند نگاه نکرده ام. از نظر من فیلم کوتاه یک گونه سینمایی کاملاً مستقل است که می تواند به حد یک فیلم بلند تاثیر گذار باشد. فیلم کوتاه «پدر» به اندازه فیلم «بیست و یک روز بعد» دیده شده است و شاید بیشتر از آن.

شفاه: بنظر من فیلم «بیست و یک روز بعد» باید خیلی دیده شود تا به مرحله ای برسد که فیلم «پدر» در میان مخاطبان دیده شود و در دل شان جا باز کرد. بسیاری از فیلم های کوتاهی که خودمان تولید کرده ایم برای مان توسط دیگران ارسال می شوند. مثلاً انیمیشن «پدر» روز پدر برای خود من فرستاده شد و من هم در دلم گفتم خب این را که خودمان ساختیم یک چیز دیگر می فرستادید (می خندد) ولی واقعا لذت بخش است می



بینیم آثار کوتاه مان در شبکه های اجتماعی و مجازی بین کاربران به اشتراک گذاشته می شوند. از این جهت باید گفت فیلم کوتاه دارای قابلیت هایی است که فیلم های بلند از آن بی بهره اند. این فیلم ها با وجود گوشه های هوشمند و فضای مجازی تبدیل به یک رسانه عمومی و سهل الوصول شده اند و در جامعه ای که همه گوشی هوشمند دارند این گونه سینمایی ضریب نفوذ فوق العاده ای می تواند داشته باشد.

جالب اینکه تاده قبل فیلمسازان فیلم کوتاه همیشه گله مند بودند که آثارشان دیده نمی شود اما حالا ورق برگشته و با وجود فضاهای مجازی این فیلم ها امکان دیده شدن بیشتری حتی نسبت به آثار بلند پیدا کرده اند. البته در عین حال نمی توان کتمان کرد که فیلم بلند همچنان شهرت و آوازه اجتماعی بیشتری دارد و دارای قدرت است.

با توجه به باز خورد های بسیار خوبی که در دو جشنواره معتبر کشور یعنی جشنواره فیلم فجر و جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان گرفتید و استقبال بسیار خوب مخاطبان از فیلم پیش بینی تان از فروش فیلم و استقبال مخاطبان در اکران عمومی چیست؟

خردمندان: اگر با توجه به استقبال مخاطبان این دو جشنواره قرار باشد حدسی بزنیم باید منتظر شگفتی باشیم اما مردم ما خیلی غیر قابل پیش بینی هستند. ضمن اینکه مردم اقبال بسیاری به فیلم های کمدی نشان می دهند و به دنبال نشاط و خنده هستند و مفرح بودن فضای فیلم برای شان اهمیت دارد. من امیدوارم مردم فیلم ما را هم دوست داشته باشند و آنچه خوشحالم خواهد کرد این است که مخاطبان راضی از سالن خارج شوند و خودشان برای فیلم تبلیغ کنند. این اتفاقی بود که در جشنواره فیلم اصفهان شاهدش بودم. در این جشنواره تماشاگران فیلم برای آن تبلیغ می کردند چون فیلم را دوست داشتند و دل شان می خواست دوستان و خانواده شان هم در لذت تماشای «بیست و یک روز بعد» با آنها سهیم شوند.

شفاه: فیلم ما در مسیر عادی سینمای تجاری حرکت نمی کند. منظورم از سینمای تجاری کمدی های سخیف و بازاری است که شاهد اکران پی در پی شان در سینما هستیم. تجربه نشان داده نقطه قوت «بیست و یک روز بعد» در این است که مخاطب را راضی از سالن بدرقه می کند و این مخاطب به دیگران تماشای فیلم را توصیه می کند. امیدوارم مردم از این فیلم استقبال کنند و شخصاً فکر می کنم فیلم این قابلیت را دارد که به فروش خیلی خوبی دست پیدا کند.

منبع: بهمن سبز



محمد حمزه زاده در گفت و گوی تفصیلی با تسنیم:

بذل و بخشش شورای صنفی نمایش از جیب سینماداران

در تعامل با مخاطبان سینما، ما وظیفه داریم که از طریق شناخت توقعات و نیازها و خواسته‌های مخاطبان، آن‌ها را به مشتری تبدیل کنیم. به سهم خودمان، این نظرسنجی را در سه فرصت مهم و مناسبیت مهم تقویمی انجام می‌دهیم. ویژگی این مناسبیت‌های انتخاب شده این است که در آن‌ها مردم پا به جامعه می‌گذارند و نقشی اجتماعی را ایفا می‌کنند. یکی از آن مناسبیت‌ها، جشنواره فیلم فجر است که عمده سینما دوستان و فعالان سینما و کسانی که سینما برای آنها اهمیت دارد؛ آنجا حاضر هستند. مناسبیت دیگر، راهپیمایی ۲۲ بهمن است. در این روز نیز با جامعه‌ای گسترده و متنوع از مردم مواجه هستیم که علاقه‌مندی خود را به یک کار اجتماعی نشان داده‌اند. مناسبیت دیگر، حضور مردم در شبکه‌های مختلف اجتماعی است. در این فضا هم پژوهش و نظرسنجی داریم.

حاصل این نظرسنجی‌ها و مطالعات میدانی دستمایه ما می‌شود برای اینکه بتوانیم برنامه‌ریزی کنیم و بر آن مبنای پیش برویم. علاوه بر این‌ها، سالیانه حدود پنج تا هشت میلیون بلیت هم در سالن‌های سینمای به فروش می‌رسد که جامعه‌ای مهمی برای نظرسنجی به شمار می‌روند. از این جامعه، بیش از نیمی شهرستانی هستند. نظر آن‌ها این است که فیلم‌ها جذاب نیستند، اتفاق و حادثه خیلی قابل‌اعتنایی ندارند، فیلم‌ها قهرمان ندارند، داستان فیلم‌ها خیلی سطحی است، خیلی شهری و تهرانی است و ربطی به مسائل شهرستانها ندارد. هنوز در شهرستان‌های ما پوستر فیلم‌های حادثه‌ای و اکشن دهه‌ی شصت روی دیوارهاست. مثلاً هنوز پوستر فیلم افعی را می‌بینید، تاراج را می‌بینید. زینال بندری هنوز آنجا یک معنی و مفهومی دارد.

جای صحبت‌های زن و شوهری اتاق روانشناس است نه پرده سینما

بخش مهمتری که به محتوا و جهت‌گیری و مضمون فیلم‌ها مربوط می‌شود؛ موضوعاتی است که سینما به سمت آنها می‌رود. این موضوعات نه اینکه برگرفته از مسائل مهم جامعه نباشد، ولی بعضی از آنها اساساً قابل طرح در یک جامعه و فضای عمومی مانند سینما نیست. بالاخره سالهاست که راجع به آسیب‌های اجتماعی ایران

کمک و همراهی کنند؛ چه در حوزه تولید، چه در حوزه نمایش و چه در حوزه پرورش نیروی انسانی. گروه دیگر، صنف سینماگران و فعالان حوزه سینماست که توقعات مشخصی از حوزه دارند. از جمله اینکه حوزه بتواند شرایطی را فراهم کند که آنها فعالیتشان را توسعه بدهند، فیلم‌های بیشتری بسازند، کمکی به معیشت آنها شود و کمکی به فراهم آوردن فضایی که آزادانه موضوعات مورد نظرشان را مطرح کنند. گروه سوم، مخاطبان هستند. آنها هم مطالباتی دارند که به دلیل گستردگی جغرافیایی و پراکندگی جمعیت‌شان و به این سبب که معمولاً ارتباط با آنها دوطرفه و فعال نیست، ما هستیم که باید بعد از شنیدن مطالبات حوزه فعالان سینما و سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و ناظران حوزه سینما، به هر طریق ممکن به نظرات مخاطبان دسترسی یابیم.

باید ببینیم مخاطبان و مشتریان فعلی سینما -چه در بخش تولید و چه در بخش تماشا- چه توقعی از حوزه هنری دارند؟ به این منظور طرح‌های مطالعاتی اجرا می‌کنیم؛ نظرخواهی می‌کنیم؛ نظرسنجی می‌کنیم -چه میدانی و چه به روش‌های دیگر و چه با استفاده از رسانه‌های جدید- و حاصل این گفتگو با مخاطبان است که ما را متوجه توقعات آن‌ها می‌کند. این توقعات را گاهی در عمل نشان می‌دهند؛ با اقبال یا عدم اقبال از فیلمی. گاهی هم در همین مطالعات و نظرسنجی‌هایی که داریم از آراء آن‌ها مطلع می‌شویم.

بین «مخاطب» و «مشتری» باید تفاوت قائل شد

اول یک فرق بگذارم بین واژه‌ی «مخاطب» و واژه‌ی «مشتری». مخاطب در تعریف ما کسی است که فیلم‌ساز و هنرمند و تولیدکننده اثر، او را انتخاب کرده تا حرفش را با او در میان بگذارد. این مخاطب می‌تواند عضو جامعه‌ای و قشری و گروهی چند میلیون نفری باشد. همچنین می‌تواند عضو جامعه‌ای محدود باشد. مشتری در تعریف ما کسی است که آن اثر را برای دیدن یا شنیدن انتخاب می‌کند و برای آن پول پرداخت می‌کند. در این معنی، پرمخاطب بودن یک فیلم لزوماً به این معنی نیست که آن فیلم پرمشتری باشد. به یک معنی دیگر، مخاطب، همان مشتری بالقوه است و مشتری، همان مخاطب بالفعل.

لزام تبیین سیاست‌ها و عملکرد حوزه هنری در عرصه سینما احساس می‌شود. باید فارغ از جهت‌گیری‌های مثبت و منفی که نسبت به این عملکرد بیان می‌شود به بررسی نگاه سیاستگذاران این نهاد فرهنگی پرداخت تا به دلایل تصمیمات آنها پی برد.

امیر حسین مکاریانی: دغدغه اکران در سینماهای حوزه هنری و تحریم برخی فیلم‌ها از طرف این سازمان محل مناقشه در سینما بوده است. حوزه هنری با استناد بر قوانین و رویکردهای خود تعداد محدودی از فیلم‌های سینمایی را در سینماهای خود نمایش نمی‌دهد و همین موضوع با انتقاد برخی فیلمسازان روبه‌رو شده است. در راستای بررسی این موضوع محمد حمزه زاده قائم مقام رئیس و معاون سینمایی حوزه هنری انقلاب اسلامی و یزدان عشیری مدیر روابط عمومی حوزه هنری با حضور در خبرگزاری تسنیم به این پرسش‌ها و حواشی مرتبط با آن پاسخ گفتند. وی که در چندین برنامه مناظره‌ای و گفتگویی به بررسی موضوع اکران پرداخته معتقد است حوزه هنری در قامت یک سینما دار حق انتخاب دارد و موظف است به تعهدات اخلاقی خود در قبال عملکردش پاسخگو باشد. در ادامه گفتگوی محمد حمزه زاده با خبرگزاری تسنیم را می‌خوانید:

مدتی است درباره موضوع حوزه هنری انتقاداتی وجود دارد و در برنامه‌های مختلف سخن از موضع حوزه هنری در مقابل برخی فیلم‌ها به میان می‌آید، هیچوقت نمی‌توان در برنامه‌های مناظره گونه به صورت صریح یک دیدگاه را بیان کرد، چون بخشی از گفت و گو بر پاسخگویی متمرکز می‌شود. حال بدون هیچ دغدغه‌ای حاکم بر فضای مناظره، نظر خودتان را درباره این انتقادات و موضع‌گیری‌ها بیان کنید.

ما مکرراً درباره تصمیماتی که حوزه هنری در بخش اکران می‌گیرد توضیح داده‌ایم. به طور کلی در این بخش ما با چند نوع توقع از سوی طرف‌های روبرو مواجه هستیم. یکی توقعات دولتها از نهادهایی مانند حوزه هنری است که توقع دارند حوزه در چارچوب سیاست‌های آنها همکاری و همراهی کند؛ برای اینکه بتوانند برنامه‌هایی را که در حیطه کارشان خصوصاً حوزه سینما دارند اجرا کنند. یعنی توقع دولتها از حوزه به عنوان فعال بزرگ صنعت سینما این است که

زرد روشن شده است. به همان تعبیری که در برنامه تلویزیونی مان گفتیم، وزارت ارشاد به منزله یک برج مراقبت است. اگر برج مراقبت درست کار نکند، باید منتظر فاجعه باشیم.

فیلمهایی که با فشار سیاسی پروانه می گیرند
پیشنهاد خاصی نداریم که ترکیب اعضای شوراها از صنوف مختلف باشد یا چطور باشند، پیشنهاد و دغدغه ما عمدتاً این است که این افراد باید از جهت اعتقادی صدرصد اصولگرا به معنای واقعی و نه سیاسی کلمه باشند. یعنی عامل و مراقب اصول و مبانی اخلاقی اسلام و انقلاب باشند. زمانی که ما راجع به خود سینما صحبت می کنیم، می گوئیم سینماگر باید اصلاحگر و مصلح باشد. باز منظورمان معنی سیاسی اصلاح طلبی نیست. واقعیت این است که اعضای شورا باید به مسئولیت سنگین خودشان واقف باشند و بدانند که تساهل، تسامح و نادیده گرفتن حساسیتهایی که به عهده شورا است، بعدها چه اشکالات و فجایعی در حوزه مخاطبان و مشتریان ایجاد می کند. البته میدانم مذاکراتی داریم، اما از خروجی کل شورای پروانه نمایش خصوصاً در ماههای اخیر، یک مقدار احساس نگرانی کردیم و با مسئولین ارشاد هم جلساتی داشتیم و صحبت کردیم.

گاهی هم این خروجی تماماً حاصل تصمیمات شورای نمایش نیست و می دانیم که مثلاً وزیر این اختیار را دارد که خودش به یک فیلمی پروانه ساخت و پروانه نمایش بدهد یا حتی جلوی آن را بگیرد. همین الان بعضی از فیلم هایی که توسط وزارت ارشاد توقیف شدند - که خود وزارتخانه پروانه ساخت داده است - مسیرهای معمول برای دریافت پروانه ساخت را طی نکرده اند. یعنی مسئول مربوطه دستور داده و گفته من با مسئولیت خودم به این فیلم پروانه می دهم و این مسائل باعث شده مشکلاتی در حوزه نمایش فیلمها به وجود بیاید. یکی از دلایل به وجود آمدن این وضعیت، نزدیک و دور شدن به موقعیتهای و مناسبتهای انتخاباتی است. فشارهایی که سیاسیون روی حوزه سینما می آورند، توقعاتی که سیاسیها از سینماگران دارند و انتظاراتی که سینماگران از سیاسیون دارند، زمینه ساز برخی مشکلات موجود است. در اوایل تشکیل دولت یازدهم، آقای روحانی در روزهای اول با وزرای دولت قبل جلساتی می گذاشت و گزارشات از آنها می گرفت. یکی از وزرای که از حوزه فعالیتش گزارش داد، آقای سیدمحمد حسینی وزیر سابق ارشاد بود. وقتی از جلسه بیرون آمد از وی پرسیدند: «سوال رئیس جمهور از شما چه بود؟» گفت: «آقای رئیس جمهور پرسید چند کتاب الان در نوبت ممیزی مانده و توقیف است؟»

پشت پرده دغدغه های وزیر فرهنگ، سیاسی است

این سوال برای ما که در حوزه نشر هم بودیم خیلی جالب بود. چرا که مسئله ممیزی و سانسور در حوزه کتاب به لحاظ کمیت آن قدر مهم نیست که در اولین ملاقات رئیس جمهور منتخب کشور با وزیر ارشاد دولت قبل مطرح شود. این مسئله به معنی این است که عده ای نزد رئیس جمهور این بحث ها را بزرگنمایی کردند. یا این که در زمان انتخاب وزیر فعلی ارشاد آقای

عنوان مثال اگر در جامعه یک محصول خوراکی مانند مرغ کم شود؛ کدام وزارتخانه ها باید پاسخگو باشند؟ دو وزارتخانه مشخصاً در این زمینه باید پاسخگو باشند: یکی وزارت جهاد کشاورزی است و یکی هم وزارت صنعت و معدن و تجارت است، که چرا مصرف بازار را پیشبینی نکرده و بازار را تنظیم نکرده است. حالا فرض کنید مرغ فاسد در بازار پیدا شود، اینجا کدام وزارتخانه است که مسئول مستقیم است؟ وزارت بهداشت. توقعی که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وجود دارد یک توقع نظارتی است و بعداً هدایتی. اینکه یک سینما صندلی دارد یا ندارد، پروژکتورش خوب نمایش میدهد یا نه؟ این مسائل نباید دغدغه اول برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد. اما اینکه روی پرده چه نمایش داده می شود و چه محتوایی و با چه نظارتی ارائه می شود، وظیفه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. حالا این وظیفه نظارتی که به واسطه قانون اساسی و قانون تاسیس وزارت ارشاد، تنظیم و ابلاغ شده است و در اصلهای اولیه تاسیس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وجود دارد؛ وزارت ارشاد را موظف به اعمال نظارتی هایی می کند که قابل واگذاری هم نیست. یعنی تصریح می شود که حتی در قوانینی که بعدها شورای عالی انقلاب فرهنگی هم تصویب و ابلاغ کرده است؛ وزارت ارشاد وظیفه نظارتی خودش را نمی تواند به نهاد دیگری مثل صنوف یا مجموعه های خصوصی یا مردم نهاد محول کند. چنین کاری را از نظر قانونی نمی تواند بکند. خود وزارت ارشاد باید در این زمینه شورهایی تشکیل بدهد که می دهد و کارشناسی را به استخدام بگیرد که می گیرد و شروع کند به انجام بررسیهایی که منجر به صدور پروانه ی ساخت یا نمایش می شود. در حوزه فیلم، سینما و کتاب بررسیها پیش از انتشار انجام می شود؛ اما در حوزه رسانه مانند مطبوعات به خاطر فوریهایی که وجود دارد، بررسیها بعد از انتشار است که خیلی روشن است. شورهایی صدور پروانه ی ساخت و نمایش بسیار مهم هستند. این ها باید به وظایف خودشان به درستی عمل کنند. ترکیب کارشناسی و هویت کارشناسی کارشناسان مهم است. در ترکیب شوراها، لزوماً نباید افرادی باشند که متخصص سینما باشند، بلکه باید جامعه شناس باشد، روانشناس باشد مثلاً مطالعات تاریخی داشته باشد. اینها هستند که روندهای جامعه را و نبض جامعه را در دست دارند و یک وقتی می توانند در این زمینه کمک کنند یا مواردی را ببینند و اعلام خطر بکنند.

احساس نگرانی از خروجی شورای پروانه نمایش

مساله الان واقعاً سر ترکیب شورای پروانه ساخت یا شورای پروانه نمایش نیست. همیشه افرادی جزء این شوراها بودند که از معتمدین و افراد قابل اعتماد جامعه بودند. اما این ترکیب در عمل، متکی به یک نوع رای گیری اقلیت و اکثریت است. من در آن جلسات نبودم، شاید بحثهای خوبی آنجا صورت نمی گیرد، شاید محتوا به درستی آنجا تبیین نمی شود، شاید همه آنها تمام فیلمها را نمی بینند، شاید تحلیل محتوای مناسبی داده نمی شود، اما خروجی را که می بینیم، با خطاهای نسبتاً قابل توجهی در صدور پروانه ساخت و بعداً پروانه نمایش مواجه هستیم که نشان میدهد چراغ

بحث می شود و فهرستی از این آسیب ها تهیه شده و در اختیار اصحاب رسانه، هنر و مسئولین مربوطه قرار گرفته است. بعضی از هنرمندان و نویسندگان احساس تکلیف میکنند تا براساس این آسیبها تولیداتی داشته باشند و فیلم هایی بسازند. گاهی دغدغه اصلی مردم را شناخته ایم اما نوع نگرش به آن مسائل، مضامین و آسیب ها و نحوه طرح آنها با ملاحظات مواجه است. گاهی راهحلهایی که نشان داده می شود، در حوزه ی خطر قزمها است و نهایتاً موجب شکستن بعضی از حریمها می شود. مثلاً در موضوعات مربوط به خانواده، بعضی از صحبتها گاهی باید بین یک زن و شوهر و یک روانشناس در یک اتاق در بسته مطرح شود، نه روی پرده سینما. افرادی روی صندلی سینماها می نشینند که گزینش نشده اند؛ خانواده های مختلف هستند، دارای گرایشات و باورهای مختلفی هستند. گاهی فیلم برای بسیاری از آنها معنی دار است و گاهی برای خیلی از آنها «خط قرمز» است و یا رعایت سنشان یا جایگاه اجتماعی شان نشده است. نه اینکه موضوعاتی که اینها می پردازند مسئله جامعه نیست، و باید چشم روی اینها بست؛ بلکه نحوه طرحش و پیشنهادی که فیلم به مخاطبان می دهد، در جامعه ی مشتری سینماها، یک چالش هایی ایجاد کرده است که در درازمدت منجر به ریزش مشتریان شده است. یک یا دو بار، شخص با خانواده اش به سینما می آید؛ وقتی ببیند فیلم رعایت حدود خانوادگی را نمی کند؛ ترجیح می دهد که تفریح دیگری را انتخاب کند. در حالی که براساس ارزیابیهایی که شده یکی از ارزاترین تفریحات خانواده ها، سینما رفتن است و با این روند، خانواده ها از همین تفریح هم محروم میشوند؛ اتفاقی که الان هم افتاده است.

این دغدغه هاست که باعث شده ما در انتخاب و اکران فیلمها و در تعامل با فعالان سینما و مسئولین حرف هایی را بگوئیم که بعضی وقتها شنیده می شود و بعضی وقتها شنیده نمی شود و به اختلاف نظر و حتی درگیری منجر می شود و اینکه بالاخره حوزه هنری تصمیم میگیرد که چند تا از فیلمها را اکران نکند. مخلص کلام این که اگر می خواهیم مخاطبان سینما به مشتری تبدیل شوند، مسیر درست را باید برویم.

انتقادی که به حوزه هنری وجود دارد این است که میگویند ما باید پیرو یک قانون باشیم. در رابطه با فیلمهای اخیر ما هم انتقاداتی داشتیم اما می گوئیم اگر این قانون میخواهد در کشور یکی شود؛ بیایم سرمنشأ آن را بررسی کنیم و بگوئیم از کجا باید این یکنواختی بر خورد با فیلم ها شروع شود؟ وقتی دنبالش میرویم می رسیم به شورای پروانه ساخت و نمایش. درباره ترکیبی که برای پروانه ساخت و شورای پروانه نمایش شکل گرفته چه نظری دارید؟ آیا مشکل به این شورا باز می گردد که ترکیب درستی از اعضا را شامل نمی شود یا اساساً مشکل جای دیگری است؟

بیایید مقداری به عقب تر برویم و اشاره کنیم به نقش و اهمیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت بهداشت محصولات فرهنگی کشور است. وزارت ارشاد نه وظایف حوزه صنعت را دارد؛ نه وظایف حوزه سرمایه را و نه حتی وظایف حوزه بیمه و تامین اجتماعی را دارد. به

صالحی امیری، وزیر رسماً به معاونش نامه مینویسد که تکلیف چهار فیلم توقیفی را تا دو ماه دیگر مشخص کنید. این در حالی است که فیلمهای زیادی هنوز در نوبت اکران است و سالیانه ۳۰ تا ۴۰ فیلم به دلیل بی‌عدالتی‌های برنامه‌اکران با همین ظرفیت فعلی اکران که وجود دارد؛ از نمایش باز می‌مانند. مشخص است پشت این مکانبه‌ها و پشت این دغدغه‌هایی که برای وزیر ایجاد میشود، دغدغه‌ی سیاسی است، خصوصاً وقتی این‌ها در سطح رسانه مطرح می‌شود. مثلاً من وزیر هستم و شما معاون من هستید. من می‌توانم به شما یک پیامک بدهم بگویم این فیلمها چه شد؟ یا نامه بنویسم در سیستم ارسال کنم و یا زنگ بزنم بگویم تکلیف این ۴ فیلم چه شد؟ وقتی می‌آیم در سطح رسانه یک نامه منتشر می‌کنم که آقای معاون! تکلیف آن ۴ فیلم را روشن کن، یعنی دارم با یک گروهی در بیرون صحبت می‌کنم. به رسمیت شناختن این فشارهای بیرونی و توقعات گاهی غیرمنصفانه و غیرقانونی هم یکی از مشکلاتی است که فشارش هم روی شورای پروانه نمایش است و هم شورای پروانه ساخت. یعنی یک فیلم می‌آید برای صدور پروانه نمایش و فشار بیرونی زیادی وارد می‌شود که برای این فیلم کاری نکنید و گاهی موجب این می‌شود که ما با یک فیلمی مواجه می‌شویم که نمی‌توانیم اکران کنیم.

در بحث کالای خوراکی، مسئولین اغلب برای اظهار نظراتشان مبانی علمی دارند. مثلاً وقتی وزارت بهداشت میگوید سرب در فلان کالای خوراکی زیاد است؛ یک مبنای علمی وجود دارد که بر مبنای آن می‌گویند این قابل مصرف نیست. ولی مشکلی که در بحث کالای فرهنگی وجود دارد این است که تعیین مبنا برای آن، بسیار سخت است. اغلب دغدغه‌ای که با حوزه و شورای پروانه و حتی ارشاد استانها مثلاً برای کنسرت‌ها وجود دارد؛ این است که مبانی تعریف شده‌ای وجود ندارد. به نظر شما اصلاً این مبانی قابل تعریف است؟ تاکنون فکر کردید که برای رفع این آسیب چگونه می‌شود مبنا تعریف کرد که این حرف‌ها پشت یک تصمیمگیری نباشد؟ لقب نگاه شخصی و اجتهاد شخصی به آن داده نشود؟

شما به درستی اشاره کردید. شاید نتوان در بخش‌های سلبی خطوط پررنگ، واضح و صریحی کشید. اما وزارت ارشاد و نهادهایی مانند سازمان تبلیغات، حوزه هنری، سازمان فرهنگی هنری شهرداری، دارای وظایف ایجابی هستند و باید هم داشته باشند. نظام جمهوری اسلامی یک سندی دارد به نام «چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افاق ۱۴۰۴». این‌ها از چه طریقی میتواند در جامعه تسری، توسعه و عمق پیدا کند؟ بخشی از آن از طریق آموزش و پرورش و نهادهای آموزشی است و بخشی از آن هم از طریق محصولات هنری و فرهنگی است. این که ما می‌گوییم نفوذ در جامعه ایران زیاد است و از خطر نفوذ و تهاجم فرهنگی صحبت می‌کنیم؛ در واقع از وضعیت ورود و مصرف محصولات فرهنگی و هنری است که نگران هستیم. بالاخره آموزش و پرورش و وزارت علوم ما که دست آمریکا نبوده. کتابهایی بوده که ما در عرصه علوم انسانی وارد کردیم و ترجمه کردیم و یا اسنادی بوده که گاهی پذیرفتیم و آوردیم و حاکم کردیم. ولی در حوزه

محصولات فرهنگی و هنری، شاید بشود گفت یک بی‌اعتنائی تاریخی نسبت به بعضی از موضوعات مهم کشور به چشم می‌خورد که در سندهای بالادستی ما و سند چشم‌انداز وجود دارد اما اینها الان اساساً تولید نمی‌شود و ما خودمان هم به عنوان حوزه هنری در این زمینه‌ها کم کاری داریم.

در حوزه‌های سلبی واقعاً اینطوری نیست که نشود. مثلاً در حوزه تربیت، در حوزه اخلاق، در حوزه‌های سیاسی می‌شود یک اصولی را نام برد که بر مبنای آنها محصولات فرهنگی - هنری بخواهند ارزیابی شوند. تازه وقتی می‌گوییم خطر قمرز، منظورمان حذف کامل موضوعات چالش برانگیز نیست. بلکه بیان درست و سنجیده و انتخاب مناسب مخاطب است. معنی دیگرش این است که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. تازه می‌رسیم به یک نظامی به نام نظام در جه‌بندی سنی که تقریباً در بیشتر کشورهایی که سینما دارند یا مصرف محصولات فرهنگی دارند، این نظام وجود دارد. یعنی اگر یک جایی اختلاف نظری بود در اینکه چه موضوعی می‌تواند خط قمرز باشد و می‌تواند آسیب بزند یا آسیب نزند، آن وقت نسبتش را با گروه سنی و اجتماعی مخاطبان پیدا می‌کنند. بالاخره بعضی موضوعات است که برای بعضی از گروهها مناسب است و برای بعضی از گروهها مناسب نیست. آن بن‌بست‌هایی در ارزیابی‌ها به سلیقه تعبیر می‌شود، دستکم با نظام در جه‌بندی سنی، باز می‌شود. راحت می‌شود گفت دیگر برای چه گروه سنی چه حرفی را باید گفت و چه حرفی را نباید گفت. حالا این‌ها را جامعه‌شناسان، روانشناسان، معلمان حوزه تربیت و کارشناسان گفته‌اند و مبانی اسلامی و انقلابی آن هم وجود دارد.

اکران برخی از فیلمهای طنز صدای جامعه سینمایی را هم درآورده است

الان مسئله اینجا این نیست که اختلاف نظری بین کارشناسان وجود دارد که فیلمی از نظر عده‌ای مخرب است و از نظر عده‌ای مخرب نیست. ما که در جریان بررسی‌ها و گفتگوها هستیم، می‌بینیم که همه نسبت به خط قمرزها نظری نزدیک به هم دارند، فقط بحث بر سر این است که این حرف را ارشاد باید بگوید یا حوزه هنری؟ الان از اکران بعضی از این فیلمهای طنزی که روی پرده است دیگر صدای جامعه سینمایی هم درآمده است.

تسنیم: عملکرد حوزه هنری این موضوع را به مخاطب سینما القا می‌کند که فیلمهای مخالف با ایدئولوژی فکری حوزه هنری امکان اکران در سینماهایش را پیدا نمی‌کنند اما فیلمهایی که صرفاً برای خندیدن مخاطبان ساخته می‌شوند هر چند که چندان مقبول هم نباشند قابلیت اکران دارند چرا که هجمه و فشار علیه حوزه کم می‌شود. یعنی حوزه هنری فقط به دنبال فروش بالا است و کاری با مباحث ایدئولوژیک ندارد. آیا چنین مسئله‌ای وجود دارد؟

درباره اینکه برای ما کدام مسائل مهمتر است باید بگویم که چند حوزه است که ما به آن حساسیت داریم. یکی از آنها حوزه اعتقادات و مبانی اعتقادی است. به

عنوان مثال در طول یک سال مسئله قصاص سوژه چند فیلم بود. پیش از آن هم چنین مواردی وجود داشت که جمعاً پنج یا شش موضوع می‌شود. ما در جشنواره هر سال مطالعاتی داریم که کارشناسان انجام می‌دهند که بخشی از آن درباره فیلمهایی است که موضوعاتی مثل شراب‌خواری، اختلافات زناشویی، بددهنی یا نابرابری حقوق زن و مرد در اسلام را نشان می‌دهند. زمانی دیدیم گرایش به این موضوعات در فیلم‌ها خیلی زیاد شده است. زمانی روند سینما به سمتی کشیده شده که سالی پنج یا شش فیلم به موضوع قصاص با هدف نقد آن می‌پرداخت. یعنی به ماهیت قصاص حمله می‌کردند نه این که بخواهند بگویند بخشش قاتل، امری پسندیده است. یا مسئله حقوق زنان و نابرابری حقوق زنان و مردان در اسلام را زیر سوال می‌بردند که مواردش نیز زیاد بود؛ همچنین مضامینی مثل خیانت مردان به زنان و زنان به مردان نیز وجود داشت. چنین گرایشات در سینما وجود داشت. از مضامینی که همواره روی آن حساس هستیم مبانی اعتقادی و سیاسی است. گرایشی در سینما هست که دستاوردهای انقلاب را زیر سوال می‌برد و یا این که از جامعه ایرانی یک تصویر سیاه و یک نظام شکست‌خورده در اجرای قولهایش و وجود ناامیدی در جامعه را به تصویر می‌کشد. هر فیلمی بخواهد چنین مضامینی داشته باشد؛ ما حتماً به آن توجه می‌کنیم و اجازه نمی‌دهیم اکران شود. موضوع بعدی ما موضوع خانواده و حفظ ارکان آن است.

جیرانی به حق اصلاح فیلم‌ها برای اکران در حوزه هنری اذعان داشت

در مواجهه با هر فیلمی، در مرحله اول سعی می‌کنیم با صاحبانش صحبت کنیم و اصلاحاتی را به فیلم اعمال کنیم. چون که ۴۰ درصد سهم فروش سینماهای کشور متعلق حوزه هنری است. وقتی که ما می‌خواهیم یک فیلم را از چنین فروشی محروم کنیم؛ باید تصمیماتمان تا حد ممکن دقت زیادی داشته باشد. به همین خاطر در وهله اول، تلاش ما بر این است که فیلم را اکران کنیم؛ اما سعی می‌کنیم تا حد ممکن اصلاحش کنیم. با هم می‌نشینیم و مذاکره می‌کنیم تا به توافق برسیم. اخیراً با آقای جیرانی در یک نشست خصوصی صحبت می‌کردیم. بحث فیلم من هم مادر هستم پیش آمد که ما اکران نکرده بودیم. ایشان گفت در دنیا رایج است که موسسات نمایش و پخش به دلایل مختلف از جمله دلایل سیاسی و اقتصادی، حتی یک سکانس از فیلم را حذف کنند یا پیشنهاد اصلاح بدهند. ایشان نسبت به این موضوع نقدی نداشت.

تسنیم: در چند سال اخیر فیلمهایی بودند که حوزه هنری بدون اینکه احساس خطری بکند؛ بدون آن چراغ قرمزها و چراغ زردها به راحتی از کنارش گذشت. ولی بعضی از فیلمها را نگه می‌داشت و در موردش صحبت می‌کرد. سوال اصلی این است که علت این کار چیست؟ چرا شما به راحتی از کنار بعضی از فیلمها می‌گذرید؟ یعنی شما چشمه‌پتان را روی بعضی از فیلمها می‌بندید و روی بعضی از فیلمها حساس می‌شوید؟

ابتدا باید بگویم که برای ما قائل به امکان اشتباه در انتخاب باشید. ممکن است در انتخاب و تشخیص بعضی از مصادیقی که مدنظر ما بوده و اعلام کردیم



اصلاحاتی برای اکران می‌فرستیم. تنها ملاحظه‌ای که نداریم؛ ملاحظه اقتصادی است و نیازی نیست برایش قسم بخورم. چون بسیاری از فیلمهایی که ما اکران نکردیم؛ فیلمهای پر فروش بودند. در حال حاضر فیلم «اکسیدان» با وجود این که تلقی ما بر پر فروش شدن فیلم بود و حتی امتیاز پخش نسخه ویدیویی آن را هم بخش ویدیویی ما خریده بود؛ کلاً فیلم را کنار گذاشتیم. ما اصلاً نگاه اقتصادی به فیلم‌ها نداریم و دلیلی ندارد داشته باشیم. به اندازه خودمان دستان به دهانمان میرسد و سینماهای موجود ما و فروش فیلمهای ما کفاف امورات حوزه سینما را می‌دهد.

به عنوان مثال زمان اکران فیلم ماجرای نیمروز در شهرستان ساری سالن به اجرای یک کنسرت پرداخت.

دلیل این کار چه بود؟

دغدغهای در بخش اقتصاد گردشگری کشور وجود دارد که تا حد ممکن تلاش کنند مردم در روزهای تعطیل به جای سفر به کشورهای حاشیه خلیج فارس یا ترکیه، به شهرستانهایی بروند که زمینه مسافرپذیری دارند. ساری یکی از این شهرهاست و برگزاری کنسرت و فعالیت‌های فرهنگی دیگر هم از جمله جذابیت‌های گردشگری است. زیرساخت‌های فضاهای فرهنگی هم در شهرستان‌ها بسیار کم است. یک سینماست و چندین و چند توقع برای بهره‌برداری فرهنگی و هنری استان. مجوز برگزاری کنسرت در این استان در دی‌ماه سال گذشته صادر شد. در آن زمان اصلاحی برای اکران فیلم ماجرای نیمروز نبود.

فیلم ماجرای نیمروز هم اساساً قرار نبود در ایام نوروز اکران شود. وقتی جشنواره شروع شد و فیلم آمد در انتخاب تماشاگران، آقای رضوی گفت خوب است از موج خبری جشنواره استفاده کنیم و فیلم در نوروز به نمایش درآید. حالا نقطه‌ای تقاطع این دو می‌شود دو سانس از سینمای سپهر ساری. این البته جزئیات رفتارهای سینماها در شهرستانها که حدود ۹۰ سالن است و اینطور نیست که روی مانیتور من مشخص باشد، من همه اینها را نمی‌دانم. وقتی مطلع شدم، قرار شد نوبت بعدی کنسرت لغو شود. اما بحث تا شورای تامین استان رفت و گفتند نوبت دوم هم باید اجرا شود. بعضی از موضوعات یک ظاهر بیرونی دارد و یک واقعیت باطنی که نمی‌شود دائم درباره‌ی آن‌ها حرف زد و گزارش داد.

شما در یک شهرستان بیشتر از یک هفته نمی‌توانید به فیلمی اکران بدهید که بیش از ۲۰۰ نفر بیشتر نرفتند آن را ببینند. این تلقی غیر کارشناسی است که در بعضی از بجه‌های رسانه و بعضی از سینماگرها وجود دارد که اگر سینماها را سینما بدهند، لزوماً فیلم می‌فروشد. نه اینطور نیست. شما وقتی یک سالن پذیرایی را برای مناسبتی اجاره می‌کنید، مهمانان را باید خودتان ببرید! اینطوری نیست که مهمانان را هم صاحب سالن دعوت کند و بیاورد.

در مورد ویلاپها هم مسئله همین است؟

ویلاپها هم همینطور است. توقعی که از سینما دار وجود دارد این است که سینما پیش را در اختیار فیلم بگذارد. اما سینما دار که نمی‌تواند برای فیلم مشتری بیاورد، نمی‌تواند یک داذن بگذارد جلوی سینما

برای بعضی از فیلمها اشتباه کنیم؛ مانند «پنجاه کیلو آلبالو». در شورای اکران، اعضا درباره این فیلم مذاکره کردند و تقریباً همه گفتند که فیلم بدی است و گفتیم که اکران نشود. اعضای شورای ما کارشناسان خودمان هستند و از سازمان و نهاد دیگری نیامده‌اند. درباره «پنجاه کیلو آلبالو» این تصمیمی که شورا گرفت به درستی به بخش‌های پخش و نمایش منتقل نشد و ما هم غافلگیر شدیم. وقتی فیلم آمد روی پرده، در وهله اول سینماهای نمایش دهنده را تا حد ممکن کم کردیم. مدتی بعد هم که وزیر دستور توقیف فیلم را داد، اکران را متوقف کردیم. این یک اشتباه داخل سیستم بود که تصمیم شورای اکران به بخش‌های پخش و نمایش درست منتقل نشده است.

سعید سهیلی از درد مردم سوءاستفاده نمی‌کند

اگر تعداد اشتباه زیاد باشد ممکن است ایجاد اشکال کند؛ اما در حد یکی دو فیلم بوده آن هم در مقایسه با ۸۰ فیلمی که اکران میکنیم. بالاخره پیش آمده و دیگر نباید پیش بیاید. از این به بعد اگر تعداد این‌ها زیاد شود مشخص است که این یک توجیه است. بعضی از فیلمها مانند نهنگ عنبر ۱، ماجرای یک جوانی است که تقریباً تمام دوران زندگی‌اش به انقلاب می‌خورد و رفته رفته در هر ایستگاهی از زندگی‌اش، این نظام یک بلایی سرش می‌آورد. چه دوره سربازی‌اش باشد که بدون آموزش او را می‌اندازند وسط جبهه، چه زمان گشت کمیت، یعنی واقعاً نماینده نسلی بود که فیلم می‌گفت قربانی انقلاب شده است. ما هیچ اصلاحی به این فیلم ندادیم و گفتیم چنین فیلمی اصلاً قابل نمایش در سینماهای ما نیست و اکران نکردیم. اگر توجه کرده باشید در این فیلم حتی نیروهای ضابط قوه قضاییه همه بسیجی بودند. اما در نهنگ عنبر ۲ این گرایش اصلاً نبود؛ بعضی از ملاحظات را هم کرده بود که بگویند این شهر و این فضا یک فضای فرضی است. به هر حال از رویکرد سیاسی یا ضدانقلابی یا نقد انقلاب اسلامی خارج بود و به نوعی محتوای طنزآمیز قسمت قبلی را بازخورد کرده بود و شوخی‌هایی داشت که با مذاکره حل شد.

در مورد فیلم گشت ۲ هم لازم است بگویم که کلاً آقای سعید سهیلی را فیلمسازی نمی‌دانم که بخواهد از درد مردم سوءاستفاده بکند. ایشان و آقای مصطفی کیایی یک نوع عدالت‌خواهی و نقد منصفانه و مصلحانه اجتماعی در فیلمهایشان وجود دارد. چند وقت پیش آقای کیایی همراه جمعی از هیات مدیره‌ی کانون کارگردانان آمده بود؛ به ایشان گفتم: «شما چرا نمی‌آیید پیش ما فیلم بسازید؟» گمان کنم تعجب کرد. گفتم: «با توجه به رویکرد شما در فیلمسازی و آن نگاه نقادانه و یک نوع نگاه عدالت‌خواهانه‌ای که شما در فیلمهایتان دارید؛ ما دوست داریم سینما بتواند اینها را داشته باشد. اما با بخشهای دیگری از فیلمهای شما گاهی مشکل داریم که می‌گوییم آنها را اصلاح کنید.»

ملاحظات اقتصادی برای اکران نداریم

یک گروه ۱۰ تا ۱۴ نفره تمام فیلم‌ها را می‌بینند و راجع به آنها صحبت می‌کنیم و اگر دلالت کلی فیلم به این مواردی که گفتیم نباشد و گروه به نتیجه برسد؛ باز هم با هم بحث میکنند و در نهایت ما آن فیلم را با یک

و تعدادی مشتری بیشتر جذب کند. وظیفه آوردن مشتری و مخاطب برای فیلم، بر عهده شرکت پخش و بخشهای ترویجی است و حواشی رسانه‌ای که مخاطبان را بیاورد. من به عنوان سینما دار وقتی که بهترین سینمای خودم یعنی سینما استقلال را به عنوان سرگروه در فصل نسبتاً خوبی حدود شش هفته در اختیار اکران ویلاپها می‌گذارم و ضریب اشغال صندلیهای آن فیلم بسیار پایین است باید چه کنم؟ عده‌ای می‌گویند حوزه هنری سینما نداده است. اگر سینما و سرگروه نداده بودیم که فیلم اساساً اکران نمی‌شد. حالا که اکران شده و درصد مشتریان آن پایین است و همه دارند تلاش می‌کنند بفروشند، من نباید برای دفاع از خودم اعلام کنم فیلم مشتری ندارد و ضریب اشغال صندلی‌اش ده درصد است! نمی‌توانم و نباید عکس سالن سینماهایی را به شما نشان دهم که در زمان اکران فیلم کسی داخل آن نیست. اعلام این موضوع باعث سرافکنندگی خودمان است و وضعیت را بدتر می‌کند. به خاطر همین مسئله نمی‌توانیم گزارشی از فروش بدهیم.

کاربری سینما بلبورد تبلیغات شهری نیست

حرف مهم‌تر این است که بعضی از این فیلمها به خاطر مناسبات ناعادلانه اکران در زمان نامناسبی اکران می‌شوند. از دو تا فیلمی که ما اعتقاد داریم ناعادلانه و بیموقع اکران شد؛ یکی ویلاپها بود. چرا ویلاپها در اردیبهشت اکران می‌شود؟ برای اینکه می‌گویند اگر الان اکران نشود معلوم نیست دیگر چه وقتی اکران شود. می‌رود بین آن ۳۴، ۳۵ فیلمی که اصلاً روی پرده را نمی‌بینند؛ پس به ناچار اردیبهشت را انتخاب می‌کنند. اردیبهشت برای فیلمی مثل ویلاپها بدترین زمان است. فضای امتحان مدارس، انتخابات و ماه رمضان، الان که داریم حرف می‌زنیم، ویلاپها هنوز در سینما نگه داشته شده است اما با چه میزان فروش؟ و چرا باید یک سینما ظرفیت و منابع خودش را در اختیار فیلمی بگذارد که بیشتر مناسبات اکران آن اشتباه انتخاب شده؟ چرا سینمایی با هشتصد صندلی باید صرفاً نقش یک بلبورد تبلیغات شهری را ایفا کند؟ چرا سینما دار باید تاوان بی‌تدبیری پخش‌کننده در انتخاب زمان اکران را بپردازد؟ فروش فیلمها تا حد زیادی متکی به ظرفیت داخلی فیلمها است. این شایعاتی که مثلاً می‌گویند «حوزه، فیلم را تحریم کرد و فیلم پر فروش شد» را حداقل در چند فیلم دیدید که این‌طور نیست و این حرف‌ها کذب است. بسیاری



گرفته است. آنها تولید می کنند؛ اینها می بینند. ولی اینها درصد کمی از مشتریان بالقوه جامعه هستند و برای بقیه مخاطبان سینما چیزی برای ارائه نداریم که بیایند.

در حال حاضر خیلی از فضاهای سینماهای ما مناسب برای خانواده های متدین نیست. حتی در بعضی از سینماهای ما، یک بافتی از مخاطبان در طول سالها شکل گرفته است که اگر الان شما بخواهید با خانواده به آن جا بروید، شاید راحت نباشید. وقتی شما با خانواده بروید دفعه بعد نمی روید. علاوه بر اینکه باید تولیدات مناسب وجود داشته باشد باید فضاهای مناسب برای ورود بیشتر و پر شمارتر جامعه مذهبی و متدین به حوزه های مصرف محصولات فرهنگی به وجود بیاید.

اگر در فلان مرکز خرید تهران سینما تاسیس کنید و بازار ایجاد کنید، از خانواده های متدین چه کسی می رود آنجا خرید کند؟ چند مرکز داریم که مرکز رفت و آمد خانواده های متدین باشد؟ ما در حال بازسازی یکی از بزرگترین سینماهایمان هستیم با این هدف که به یک پردیس سینمایی قابل اعتماد، قابل مراجعه و با کدناکتور خاص برای خانواده های متدین تبدیل بشود. کسانی که مایل هستند در این فضا خانواده خود را بیاورند و فیلم ببینند و فیلم و فضا سالم باشد، مغازه ها اجناس متناسب با سبک زندگی آنها بفروشند و رفته رفته این تکرار شود و این اتفاق بیفتد.

اتفاقی که در حوزه ادبیات افتاد این بود که آن مخاطبانی که اصلاً هیچ کتابی را نمی خواندند؛ به سراغ کتاب رفتند. این طور نبود که ما از سهم مخاطبان و مشتریان بازار کتاب در آن مقطع مشتری بگیریم. برای همین در جامعه نشر با تعجب به ما می گفتند: پانصد هزار نسخه کتاب دارا کجا فروختید؟!

تسنیم: حوزه هنری برای ساخت فیلم فاخر و جذب مخاطبانی که «نهنگ عنبر ۲» یا «گشت ۲» را تماشا نمی کنند؛ چه برنامه ای دارد؟ شما برای تولید فیلم های ارزشی چه برنامه ای دارید؟

به سینما می آورند؛ اصلاً قابل مقایسه با سهمی که تولیدکننده های می آورند نیست. سالیانه حدود ۷۰ تا صد میلیارد تومان بهای تمام شده فیلم های تولیدی در کشور است؛ در صورتی که سینما داران خصوصی سرمایه یکی از سینماهایشان با یکی دو سالن همین مقدار است. حالا این را ضرب کنید در تعداد سینماهای ما. این روایی هم که گذاشتند و گفتند دو هفته بیشتر مهلت اکران میدهند؛ دو هفته بیشتر را دوباره از جیب سینما دارا می دهند. سینما دار بدبخت مجبور است که اگر فیلمی هم نمی فروشد آن را اکران کند. به خاطر اینکه یک مجموعه ای با حوزه لج کرده است!

تا آنجا که بحث پیش رفت به این نتیجه رسیدیم که دغدغه حوزه هنری مخاطب است و به دنبال آشتی مخاطبان بیشتر با سینما، آیا حوزه هنری تدبیری اندیشیده است که بتواند تغییری در مخاطبان ایجاد کند تا استقبال از سینماها بیشتر شود؟

نکته خوبی است اما این مسئله به حوزه تولید مربوط نمی شود بلکه مربوط به حوزه تماشا است. در سال ۸۰، ۸۱ رئیس وقت یک سازمان هنری یک نامه برای مقام معظم رهبری نوشت و طی آن عنوان کرد که «محصولات متعدّد دینی مشتری ندارد» در دیداری که حضرت آقا با آن مسئول داشتند فرموده بودند: «اینطوری نیست که شما می گوید ولی حالا شما به مشتری نگاه نکنید. تولید کنید!» سال ۸۸ بعد از فتنه، آقا یک دیداری داشتند با هنرمندان. آقا گفتند برای من می نوشتند و می گفتند محصولات دینی مشتری ندارد، بعد چند مثال آوردند، گفتند فلان فیلم این مقدار فروش داشته. فلان کتاب هفتاد نوبت چاپ شده. پس این ها چیست؟ آثار متعدّد مشتری دارد!

نکته اینجاست که آن زمانی که آن مسئول داشت این نامه را می نوشت، مانند وضعیتی بود که الان ما در سینما داریم، دو میلیون نفر حضور دارند که ذائقه آنها سینما را شکل داده است، یک چرخه معیوبی شکل

از فیلم هایی را که چند ستاره سینمایی در آن حضور دارند ما اکران نکردیم و پر فروش هم نشد.

هر سینما به طور متوسط روزانه یک میلیون هزینه دارد

پس اگر بخواهیم خلاصه کنیم، واقعاً ملاحظه اقتصادی نداریم هر چند دغدغه مالی داریم. بالاخره سالیانه حدود ۸، ۷ میلیارد تومان حقوق کارگران سینما است. هر سینما روزانه یک میلیون تومان خرج دارد، این ۱ میلیون گاهی با فروش بعضی از این فیلم ها می شود ۲۵ هزار تومان، می شود ۸۰ هزار تومان، یعنی ۹۵۰ هزار تومان زیان روزانه سینما است. این وضع را چه قدر می شود تحمل کرد؟ یک هفته، ۱۰ روز. باید سالیانه پنج هزار صندلی را نوسازی یا بازسازی کنیم. وگرنه از خط رقابت با رقبای بیرون می افتیم. الان اگر ما این ۷، ۸ هزار صندلی را در این یکی دو سال نساخته بودیم، نسبت سهم ما در سینما به هم می ریخت و اینطور نبود که ما الان یک قدرتی باشیم که وقتی می گوئیم یک فیلمی را اکران نمی کنیم تاثیر زیادی داشته باشد.

آیا این حقیقت دارد بعضی از سالن های حوزه به خصوص در غرب تهران به تئاتر آزاد اجازه داده می شوند؟

سینما المپیک که با شهرداری شریک هستیم؛ تئاتر آزاد اجرا می کند و در شهرستانها تقریباً این مسئله را نداریم.

شورای صنفی نمایش یک مصوبه ای دارد که به فیلم هایی که حوزه نمایش نمی دهد دو هفته بیشتر مهلت اکران می دهد. آیا این تصمیم ناشی از بحث هایی است که سر فیلم ها بین شما و شورای صنفی نمایش صورت گرفته است؟

بله، آنها مقابل به مثل کردند. همه این بخش ها از جیب سینما دارا است. از نظر سرمایه، سهمی که سینما داران

برنامه که داریم. راهی که به نظر ما می‌رسد این است که اول باید بازار شکل بگیرد. معمولاً این تقاضاست که عرضه را شکل می‌دهد، اما همیشه این‌طور نیست. گاهی هم عرضه روی تقاضا اثر می‌گذارد و می‌تواند ذائقه بازار را عوض کند. اما در حال حاضر که می‌بینید سرمایه تولید فیلم در کشور به سمت تولیدات فاخر و فیلمهای ارزشمند نمی‌رود؛ به خاطر این است که بازارش وجود ندارد یا برداشت فعالان تولید این است که چنین بازاری وجود ندارد. بازار در حوزه سینما خود سینماها هستند. صاحب فیلم سرمایه‌اش از کجا برمی‌گردد؟ یکی از محل فروش بلیط است. ۴۰ درصد برمی‌گردد، یکی حق پخش تلویزیونی است که عدد قابل اعتنایی نیست. یکی بازار بین‌الملل است که عملاً در آنجا کم‌کار هستیم. یکی هم شبکه نمایش خانگی است که الان در این بخش یکی از موسساتی که دارد به سینمای کشور سرویس خوبی می‌دهد؛ موسسه رسانه خانگی حوزه هنری است. سینمای خانگی گاهی تا یک سوم و یک دوم بودجه تولید یک فیلم را به صاحب فیلم برمی‌گرداند. یعنی ۵۰۰، ۶۰۰ میلیون به یک فیلم پول می‌دهد و امتیاز ویدیویی آن را می‌خرد.

ما الان دنبال این هستیم که روی بازار کار کنیم. ما اگر توانستیم یک سینما مانند سینما فردوسی را آماده کنیم؛ به قول معروف چاه را بکنیم بعد مناره را بزدیم؛ یعنی یک یا دو نمونه در تهران و شهرستانها سینماهایی آماده کنیم که مورد اعتنا و اعتماد افراد متدین باشد؛ به طور طبیعی تولیدات می‌آیند در چنین سینماهایی و دیده می‌شوند. سه پردیس در کشور وجود دارد که ۷۰ درصد کل میزان فروش فیلم‌ها را در بر می‌گیرند؛ دو پردیس در تهران است و یکی در مشهد است. حالا فرض کنید ۳ پردیس هم حوزه هنری برای مشتریان جدیدی که در نظر دارد جذب کند، داشته باشد که یکی در شیراز، یکی در تبریز و یکی در تهران باشد. در اصفهان یک پردیس سینمایی ساختیم و در حال ساخت یکی دیگر هستیم. واقعاً با دارا بودن سه یا چهار پردیس می‌توانیم بازار فیلمهای فاخر را با دعوت مخاطبانی که در خانه‌هایشان نشسته‌اند و سینما نمی‌آیند؛ در دست بگیریم. در ادامه، اصلاً لازم نیست حوزه هنری برای این کار سرمایه‌گذاری کند. خود بخش خصوصی و خود فیلمسازان و صاحبان سرمایه تمایل به ساخت پیدا می‌کنند. چرا آقای فرید در مناظره گفت: «سرمایه‌گذاران دیگر به سمت فیلمهایی که حوزه نمایش نمی‌دهد نمی‌آیند؟» چون به قول اقتصادی‌ها سرمایه ترسو است و جایی نمی‌رود که در معرض خطر باشد. برداشت ما این است که اگر بتوانیم با امکاناتی که داریم چند پردیس سینمایی برای مشتریان جدید بسازیم؛ به طور طبیعی بازار این فیلم‌ها تامین می‌شود و این فیلم‌ها ساخته می‌شود و می‌رود آنجا و پرفروش می‌شود.

دوم این که در حوزه تولید فیلم، چالش نیروی انسانی بسیار جدی است. حوزه هنری طی مدت سه سال «باشگاه فیلم سوره» را تاسیس کرد که خروجی خوبی داشته است.

این مسیر نسبتاً طولانی است که ما شروع کردیم و داریم کار می‌کنیم. مرکز آموزش حوزه هنری در طول این چند سال گذشته ۲ هزار هنرجوی حوزه سینما را آموزش داده است و به سازمانهای مختلف معرفی کرده

و خیلی از اینها الان مشغول کار هستند. این هم از آن کارهای زیرساختی است که یک پروژه ۱۰ ساله است. اینطوری نیست که بگویید امسال شروع کردید، سال دیگر به نتیجه می‌رسد. ما باید نیروی انسانی کافی داشته باشیم، با نیروها تولید انجام بدهیم و خیلی متکی به نیروهای موجود نباشیم. روی بازار هم باید کار بکنیم و اینها هم یک جایی به هم دست بدهند. چون یک بار این اتفاق را در حوزه کتاب دیدیم که مسأله سختتری بوده، چون باور داریم و چون بچه‌ها و فیلمهایشان را می‌بینیم، اعتقاد داریم به این خواهیم رسید که هم تولید ما خوب شود و هم بازار این فیلمها خوب شود و هم مخاطبان چند ده میلیون نفری که سینما نمی‌آیند بیایند سینما و سینما از فروش ۱۸۰ میلیارد دربیاید برود روی ۵۰۰، ۶۰۰ میلیارد.

در حوزه پرورش نیروی انسانی «باشگاه فیلم سوره» و «مرکز آموزش اسلامی حوزه هنری» را داریم که ۵، ۶ سال است دارند کار میکنند و نیروهای خوبی دارند. اخیراً در بخش نمایش هم ۸ هزار صندلی به سینما اضافه کردیم. وقتی می‌گوییم یک پردیس جدید افتتاح شد، چند صندلی است؟ ۱۲۰۰ صندلی است. این طرف حوزه هنری ۸ هزار صندلی اضافه کرده است. یعنی ۸ تا پردیس اضافه کرده است نه در اکباتان و عباس آباد، بلکه در مشهد، تبریز و شیراز و تبریز و بیجار. مانند ساخت یک تونل، تولید و تماشا باید از دو طرف بیایند به هم برسند. داریم روی این کار می‌کنیم.

از نگاه حوزه هنری، فیلم فاخر چه فیلمی است؟
این که متعلق به سینمای مصلحانه باشد. سینمایی که هدف خودش را اصلاح یک باور، یک عادت یا یک مسأله از زندگی مردم می‌داند و می‌خواهد کیفیت زندگی ایرانی را ارتقا بدهد. در تکنیک و پرداخت بتواند استانداردهای فنی و هنری سینما را بگذراند. مثل فیلمبرداری و کارگردانی. در حال حاضر به فیلم‌هایی فاخر گفته می‌شود که بیش از پنج میلیارد تومان هزینه دارند. ما اصلاً چنین فیلم‌هایی را فاخر نمی‌دانیم. فاخر یعنی چه؟ یعنی قابل فخر. ما به چه باید فخر کنیم؟ آنچه که ما باید به آن فخر کنیم فیلم فاخر است. از نظر ما فیلم‌هایی همچون «ویلاپها»، «ماجرای نیمروز»، «یه حبه قند» و «بیسست و یک روز بعد» فیلم‌های فاخر هستند.

شما برای افزایش مخاطب، نگاه تولیدمحور ندارید و بیشتر بر تماشا تأکید می‌کنید؛ چون ما بافت سنتی جامعه که نگاه سنتی دارند را فراموش کردیم.

ما فکر می‌کنیم که اصلاً مشکل سینمای ما تماشا نیست نه تولید. نکته‌ای که شما گفتید درست است. حوزه فکر نمی‌کند مشکل سینمای کشور با تولید حل میشود. ۴۰ سال است که جمهوری اسلامی روی تولید تأکید میکند. مثلاً حوزه تولید کتاب. حالا چه تعداد از این کتاب‌ها خوانده می‌شود؟ چه تعداد از آن توزیع می‌شود؟ ما اعتقاد داریم الان اگر بخواهیم اولویت و فوریت برای خود تعریف کنیم؛ فوریت سینمای ایران مسئله تماشای فیلم‌هاست. نمی‌گوییم «نمایش». معنی نمایش هنوز در سمت فعالان سینماست، تماشا در سمت مشتری است. در آن

برنامه‌ی تلویزیونی اشاره کردم مسئله سینما این است که مخاطب به مشتری تبدیل نمی‌شود. اشتباهی که ما مرتکب می‌شویم این است که به مشتریهای سینما و کسانی که می‌خواهند بلیط بخرند؛ می‌گوییم مخاطب. این‌ها دیگر مشتری هستند. مخاطب کسانی هستند که ما فکر می‌کنیم ویلاپیها برای آنها ساخته شده است و آنها نتوانستند ببینند. چون محل مناسبی برای تماشای فیلم نداشتند و قراری که با آنها گذاشتیم زمان و مکان درستی نداشت. شما با یک شخصی با باورهای خاصی در یک رستورانی قرار بگذارید نمی‌آید، آن‌ها آنجا با شما قرار نمی‌گذارند. ما الان محلی قرار می‌دهیم شأن خیل عظیم مخاطبان باشد نداریم. به همین دلیل تماشا اتفاق نمی‌افتد.

اگر مخاطب و تماشاگر سینما افزایش پیدا کند فروش کمدی سخیف هم افزایش پیدا می‌کند و ممکن است جریان سینما در ساخت این نوع فیلم متمرکز و متوقف شود و باید به نسبت افزایش مخاطب تولید هم برای سینما عرضه کرد. سینمایی که بتواند نیازهای تفریحی مخاطب را هم برآورده کند. در ایران صنعت سینما نداریم؛ فقط هنر سینما داریم. در صورتی که سینما با پیشینه فکری صنعت شکل گرفت و حوزه هنری در تولید مسئولیت دارد.

قطعاً همین‌طور است. اگر شما حوزه را تجزیه کنید؛ ۳ عامل اصلی در آن پیدا خواهید کرد. اول نیروها و هنرمندان. دوم آثار و دستاوردها. سوم منابع اطلاعاتی. حوزه هنری غیر از این‌ها چیز دیگری ندارد. ساختمان و پهنه جغرافیایی، حوزه هنری نیست. در بخش نیروی انسانی داریم کار می‌کنیم و منابع اطلاعاتی و آرا و نظرات و کتابخانه‌ها هم هست. در همه این زمینه‌ها داریم کار می‌کنیم. یک وقتی می‌گویند این چه زمانی نتیجه خواهد داد؟ عوامل بسیار متنوعی وجود دارد که گاهی سرعت ما را کم می‌کند و گاهی به ما سرعت می‌دهد. اما همین الان می‌توانیم بگوییم بیایید از «باشگاه فیلم سوره» ما بازدید کنید. آنجا ببینید چه مجموعه‌ای و چه کارگاهی برای پرورش و کارورزی نیروی انسانی و تولیدات فراهم است. در بخشهای دیگر و تولیدات دیگر ما، ببینید بخش مستند ما چه دارد می‌کند. بخش تلویزیونی و انیمیشنی ما چه دارد می‌کند. واقعاً در حال سرمایه‌گذاری روی مقوله تولید هستیم. اما آن خطری که شما می‌گویید وجود دارد. ما امیدواریم بازار خودمان را در جامعه افراد متدین پیدا کنیم. اگر از این کلیدواژه زیاد استفاده می‌شود معنی‌اش این نیست که کسانی که الان سینما می‌روند متدین نیستند. یک دریافت‌هایی داریم نسبت به گرایش‌های مذهبی و سیاسی کسانی که الان دلیلی برای سینما رفتن ندارند. بازارمان را می‌خواهیم آنجا تعریف کنیم. اگر نتوانیم فضای عرضه و توزیع را به شیوه‌ای درست و مطمئن ایجاد کنیم، عملاً کسانی که می‌خواهیم با آنها قرار بگذاریم، نمی‌آیند و وقتی نمی‌آیند تولیدات خوب و فحیم ما روی زمین می‌ماند و خودمان برای دفاع از خودمان مجبور میشویم بگوییم ویلاپیها نمی‌فروشد؛ نیمروز مشتری ندارد؛ مزار شریف فاجعه فروش است و این نوع توجیهات بی‌وجه. ^{۱۱}

منبع: خبرگزاری تسنیم

ولایت عشق از منظر سینماگران



داشته باشیم. به نظرم باید این راه را ادامه بدهیم تا بتوانیم موفق شویم. به نظرم تولید مشترک می‌تواند در ایران خیلی به این ماجرا کمک کند؛ درواقع عوامل حرفه‌ای ایران با عوامل حرفه‌ای کشورهای دیگر همکاری خوبی با هم داشته باشند و آثار مشترک بسازند.

این تهیه‌کننده گفت: به شدت به پرداخت شخصیت‌های مربوط به ائمه (ع) علاقه دارم. به شرطی که امکانات لازم فراهم بوده و تمهیدات خودش را داشته باشد تا بتوانیم از تجربیات اثری چون «روز واقعه» استفاده کنیم. به نظرم مسئولان و دست‌اندرکاران این حوزه باید امکانات لازم را برآینان فراهم کنند و به نوعی دستمان باز باشد تا بتوانیم مثل فیلم «محمد رسول الله» آقای مجیدی از امکانات سینمای ایران بهره‌برداری کنیم.

شایسته در پایان خطاب به فیلم سازان سینما توصیه کرد: به نظرم شخصیت‌های دینی مثل نرس خاتون (مادر امام زمان (عج))، امام علی (ع) و امام رضا (ع) جای کار دارند و می‌توان بیشتر به شخصیت‌های این بزرگان پرداخت و قطعاً فیلم ساختن درباره این شخصیت‌ها اثرگذار خواهد بود و خیلی هم بیننده خواهد داشت. به‌مثلاً مجموعه «ولایت عشق» مهدی فخیم‌زاده واقعاً در تلویزیون سر و صدا کرد و کار خیلی خوبی بود. اگر قرار است دوباره فیلمی درباره امام رضا (ع) ساخته شود، باید بدانند مهدی فخیم‌زاده در کارش چه تجربیاتی داشته و از آن‌ها استفاده کنند.

جعفر دهقان:

امام رضا (ع) را در «ولایت عشق» خلاصه نکنیم/اکرامت و شأن انسانی را در آثار سینمایی حفظ کنیم

جعفر دهقان، هنرمند سینما و تلویزیون، معتقد است: پرداختن به شخصیت‌های بزرگی چون امام رضا (ع) و خواهر گرامی‌شان حضرت معصومه (س) جای کار زیادی در سینما و تلویزیون دارد. ما به عنوان کشوری

اسلامی، کاری برای ائمه معصومین (ع) انجام نداده‌ایم.

بازیگر آثار دینی-تاریخی «مردان آنجلس»، «جابر بن الحیان»، «یوسف پیامبر»، «مریم مقدس» و درباره اینکه چقدر لازم است در فضای سینما و تلویزیون درباره شخصیت‌هایی مثل امام رضا (ع) و خواهر گرامی‌شان به تولید آثار بپردازیم، گفت: به نظرم ما برای امام رضا (ع) کار نکرده‌ایم. جز مجموعه ولایت «عشق» که قطعاً



امام رضا (ع) فقط در «ولایت عشق» خلاصه نمی‌شود. زندگی امام رضا (ع) سراسر فراز و نشیب بوده و ما واقعا درباره زندگی ایشان کاری نکرده‌ایم، به خصوص درباره زندگی خواهر بزرگوارشان حضرت معصومه (س) که هیچ اثری نداریم. ما هر چه از این بزرگواران کار بسازیم باز هم کم است.

او در ادامه خاطر نشان کرد: یکی دیگر از دلایلی که ما نسبت به ارائه شخصیت‌های دینی مان طی این سال‌ها کم‌کاری کرده‌ایم، هزینه‌های بالای تولید این گونه کارهاست و متأسفانه مسئولین هم همکاری نمی‌کنند. ما در کشوری اسلامی هستیم، اما هیچ‌وقت راجع به این مسائل کارهای بزرگی انجام نداده‌ایم. همیشه یا محدودیت‌هایی، سنگ‌اندازی‌ها شروع می‌شد. بنابراین به نظرم پرداخت به شخصیت‌های دینی و ائمه جای کار زیادی دارد و می‌شود کارهای بزرگی کرد، به شرطی که کمی همدلی و همراهی باشد.

دهقان همچنین درباره اینکه معرفی شخصیت‌های دینی و تاریخی در مدیوم سینما باید از چه طریقی صورت بگیرد تا در عین حفظ جذابیت، از تحریف تاریخ جلوگیری کند، توضیح داد: این موضوع به وجدان هر نویسنده بستگی دارد که آیا به تاریخ واقعی دست ببرد و با برداشت شخصی خودش داستان را روایت کند یا اینکه به آن وفادار باشد. به اعتقاد من تنها فضای سینما نیست که می‌شود به داستان برخی از

به مناسبت فرارسیدن دهه کرامت و ولادت امام رضا علیه السلام پایگاه خبری حوزه هنری با چند تن از بازیگران و تهیه‌کننده فیلم‌های دینی و مذهبی به گفت‌وگو پرداخته است. در این گفت‌وگو هنرمندان از ساخت فیلم‌ها و سریال‌هایی با مضامین ائمه اطهار (ع) استقبال کرده و یکی از ضرورت‌های حال سینمای ایران را پرداخت و ساخت آثار دینی درباره شخصیت امامان و معصومین اسلام دانستند. مشروح این گفت‌وگوها را در زیر بخوانید.

تهیه‌کننده «روز واقعه»:

فیلم‌سازان ایرانی با فیلم‌سازان بین‌المللی تعامل کنند

مرتضی شایسته، تهیه‌کننده «روز واقعه»، با استقبال از پرداختن به شخصیت‌های ائمه و معصومین (ع) گفت: علاقه دارم درباره معصومین (ع) فیلم بسازم؛ به شرطی که تمهیدات لازم اندیشیده شده و امکانات کافی فراهم باشد.

تهیه‌کننده آثاری چون «محاکمه»، «هم‌نفس»، «آتش‌بازی» و «آقای رئیس جمهور» در پاسخ به اینکه برای جلوگیری از تحریف تاریخ، معرفی شخصیت‌های تاریخی و دینی از چه طریقی به شیوه جذاب به مخاطب ارائه شود، خاطر نشان کرد: به نظرم فیلم‌نامه خیلی مهم است و در حین کار به غیر از فیلم‌نامه‌نویس، کارشناسان تاریخ ایران و اسلام نیز باید در کنار فیلم‌نامه حضور داشته باشند تا متنی اصلاح شده و درست دربیاید و بشود به آن اعتماد کرد. همچنین در گام بعدی به نظرم یک فیلم‌نامه باید قابلیت تبدیل شدن به یک اثر سینمایی در ژانر دینی و تاریخی را داشته باشد که اگر این موضوع در نظر گرفته شود، موقعیت خوبی اتفاق خواهد افتاد و برای مخاطبان هم جذاب خواهد بود.

وی توضیح داد: شخصیت‌های دینی و ائمه معصومین (ع) برای یک اثر سینمایی بسیار می‌توانند جذاب باشند، البته با در نظر گرفتن یک سری شرایط درست که لازم رسیدن به یک کار موفق هستند. به عنوان مثال با توجه به اینکه در پرداختن به شخصیت‌های ائمه (ع) این اجازه داده نمی‌شود تا تصاویر آن‌ها نشان داده شود، همین موضوع محدودیت است که باید کارگردانان حرفه‌ای و کارکرده این ماجرا را به نحوی حل کنند و این فقدان را با ارائه تصاویر جذاب جایگزین کنند.

شایسته همچنین درباره اینکه چرا سینمای تاریخی و دینی ما در سطح بین‌الملل از اقبال کمی برخوردار است، اظهار کرد: ما در زمینه بین‌الملل به عنوان مثال در ساخت فیلم «محمد رسول الله» و یا مجموعه «مختارنامه» به موفقیت‌های زیادی دست پیدا کرده‌ایم ولی متأسفانه هنوز خودمان را باور نداریم و باید بر این گونه آثار تداوم

شخصیت‌های دینی تاریخی‌مان پرداخت اما به هر حال سینما جایگاه دیگری دارد و به مراتب تاثیر گذاری‌اش بیشتر است. اگر به تاریخ‌مان وفادار باشیم و به سرنوشت و آینده کشورمان خوش‌بین باشیم، هیچ‌وقت تاریخ‌مان را تحریف نمی‌کنیم؛ چراکه این کار خیلی به ما لطمه می‌زند و قطعاً ضررش بیشتر از سودش است. باید تاریخ را همان گونه که هست در کارهایمان نشان بدهیم.

این هنرمند اظهار کرد: به اعتقاد من زبان تصویر بهترین زبان برای ارتباط با مردم است؛ به شرطی که همیشه کرامت و شأن انسانی را حفظ کنیم و برداشت‌های شخصی خودمان را در کارها پیاده نکنیم. هر قدر نسبت به تاریخ کشورمان صادق باشیم به همان میزان نیز به آینده وفادار خواهیم بود.

دهقان در پایان گفت: اقبال کم جامعه بین‌المللی از فیلم‌های دینی و تاریخی ما به این دلیل است که در این آثار دست به شخصی‌سازی می‌زنیم و ابعاد مختلف یک موضوع را مورد بررسی قرار نمی‌دهیم. به عنوان مثال وقتی ما راجع به کودکی حضرت محمد(ص) می‌خواهیم فیلم بسازیم باید خیلی چیزها را رعایت کنیم که در عرصه بین‌الملل حرفی برای گفتن داشته باشیم.

بازیگر نقش امام رضا(ع):

ولایت عشق بهترین اتفاق زندگی‌ام بود تمام حق را به خودمان ندهیم



فرخ نعمتی، بازیگر نقش امام رضا(ع) در مجموعه «ولایت عشق»، با بیان اینکه ای کاش کارهایی مثل «ولایت عشق» درباره ائمه در سینما و تلویزیون تداوم داشت، خاطرنشان کرد: بازی در نقش امام رضا(ع) یکی از بهترین اتفاقات زندگی‌ام بود و اکنون معتقدم همین که این کار تا امروز در میان مردم مطرح مانده است پس کارهایی از این دست قطعاً تاثیر گذاری خوبی دارند و باید تداوم داشته باشند.

این هنرمند به مناسبت فرارسیدن ولادت امام رضا(ع) اظهار کرد: حدود ۲۰ سال است که از ایفای نقش من در سریال «ولایت عشق» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده می‌گذرد و هنوز هم در اذهان ماندگار است. آن زمان هر کسی که می‌شنید قرار است چنین کاری انجام بدهیم می‌گفت مگر می‌شود و مگر ممکن است چنین اتفاقی بیفتد؟ و همه تردید می‌کردند؛ به ویژه وقتی متوجه شدند خود هم به جای امام رضا(ع) صحبت خواهم کرد بیشتر تعجب می‌کردند. «ولایت عشق» و بازی در نقش امام رضا(ع) یکی از بهترین اتفاقات زندگی‌ام بود و اکنون معتقدم همین که این کار تا الان در میان مردم مطرح مانده است پس کارهایی از این

دست قطعاً تاثیر گذاری خوبی دارند و باید تداوم داشته باشند. به هر حال یکی از مهم‌ترین وظایف تلویزیون، آگاهی بخشی در سطوح مختلف به مردم است.

وی در ادامه بیان کرد: برای جلوگیری از شعارزدگی در کارهای مذهبی - تاریخی باید زیربنای درستی برای کارهایمان داشته باشیم که متأسفانه خیلی نداریم و تمام کارهایمان پراکنده است. آرزوی شخصی خودم این بود که بتوانیم از شرایط و امکانات معنوی و مادی کارهای بزرگ دینی و تاریخی بهره‌برداری کنیم اما متأسفانه سینمای ما به دلیل خیلی از مسائل که اکنون در حیطه کاری من نیست، از دنیا دور افتاده است. ما باید به این موضوعات بیشتر رسیدگی کنیم؛ چون ما چرا کمی کج‌دار و مریز در سینمای ما پیش می‌رود. به هر حال سینما هم مثل قصه و درامی که باید درست شکل بگیرد، به مختصات خودش احتیاج دارد و باید رعایت شود.

بازیگر مجموعه‌های تاریخی «ولایت عشق»، «مختارنامه»، «سال‌های مشروطه» و ... سپس در پاسخ به اینکه سینمای امروز برای ارتباط بهتر با مخاطب باید با چه زبانی به شخصیت‌های دینی و تاریخی بپردازد، تاکید کرد: این کار باید با زبان سینما اتفاق بیفتد، همان طور که مهدی فخیم‌زاده تلاش کرد و مجموعه‌ای مثل «ولایت عشق» را ساخت. در این مجموعه خیلی تلاش شد در عین احترامی که همه برای شخصیت امام رضا(ع) قائل بودند اما شخصیت ایشان یک شخصیت ملموس زمینی تصور شود. این گونه که وقتی امام حرکت می‌کند یعنی از روی ابرها عبور نمی‌کند بلکه از کنار مردم عادی رد می‌شود و همسفره مردم است و با آن‌ها همگام می‌شود؛ بنابراین شاید ما بتوانیم این گونه مرزها را در کارهایی مثل «ولایت عشق» با ملموس کردن شخصیت‌ها بشکنیم تا مخاطب راحت‌تر با کار ارتباط برقرار کند. آن زمان هم که این مجموعه در حال ساخت بود، بر سر نشان دادن چهره و قامت حضرت بحث‌هایی مطرح شد. اما با این حال آرزویم این بود که «ولایت عشق» به عنوان اولین قدم می‌توانست تداوم داشته باشد. ما باید به برنامه‌های زیربنایی‌مان نگاه وسیع‌تری داشته باشیم.

نعمتی ادامه داد: ما هنوز بعد از گذشت سال‌ها نتوانستیم یک فضایی مثل شهرک سینمایی برای ساخت کارهای تاریخی و دینی‌مان داشته باشیم تا با آرامش بیشتری کار کنیم. من آرزو می‌کنم هر چه بیشتر از جانب مدیران به این گونه مقولات پرداخته شود و اینکه نسل جوانمان روز به روز سطح مطالعه‌شان را بالا ببرند و نگاهی جدی به سینما داشته باشند، فیلم ببینند و کسب اطلاعات کنند؛ چراکه مطالعه خیلی مهم است و متأسفانه مهجور مانده است، به گونه‌ای که حتی برخی کارگردانان ما حوصله خواندن فیلم‌نامه‌هایشان را هم ندارند و این خیلی بد است.

این هنرمند در پایان گفت و گوی خود درباره اینکه چرا سینمای تاریخی و دینی ما در سطح بین‌الملل از اقبال کمی برخوردار هستند، گفت: ما روی صحنه و پشت دوربین سعی می‌کنیم حقیقت‌ها را برای مردم عریان کنیم نه اینکه به مخاطب دروغ بگوییم اما متأسفانه گاهی در تاریخ‌مان تحریف‌هایی صورت گرفت که همین موضوع باعث چنین اتفاقاتی شد. پیشنهاد من در اینجا هم مطالعه فراوان به ویژه برای فیلم‌سازان جوان است؛

چون فکر می‌کنم هر چه سطح مطالعه بالاتر برود، به ابزار کارمان هم مسلط‌تر خواهیم بود و در سطح دنیا هم مطرح می‌شویم. هیچ تماشاگران دوست دارند حقیقت را ببینند؛ نه اینکه شاهد آن باشند که تمام حق را به خودتان داده اید. بنابراین اگر این اتفاق بیفتد مخاطب هم فیلم را پس خواهد زد. متأسفانه ما کمی خودشیفته شده‌ایم؛ در حالی که نباید این طور باشد. ما در دینمان از سجایای اخلاقی حرف می‌زنیم اما خودمان بعضاً صادق نیستیم.

امین زندگانی:

ساخت آثار دینی، تاریخی به وحدت نظر، مدیریت خوب و حمایت نیاز دارد

امین زندگانی بر لزوم ساخت آثاری با موضوع شخصیت امام رضا(ع) و خواهرشان حضرت معصومه(س) در سینما و تلویزیون تأکید کرد و گفت: مسئله اصلی در این زمینه نحوه نگاه به تاریخ است. متأسفانه در ساخت آثار دینی و تاریخی وحدت نظر دقیقی وجود ندارد و همین موضوع آثار را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

بازیگر مجموعه‌های دینی و تاریخی «ملک سلیمان» و «مختارنامه» گفت: اینکه چقدر لازم است ما در فضای سینما و تلویزیون کشورمان از شخصیت‌های دینی بزرگی چون امام رضا(ع) و خواهر گرامی‌شان تولید اثر کنیم، نیازی به گفتن من ندارد و کاملاً مشخص است که باید بیشتر به این گونه آثار اهمیت بدهیم؛ چراکه از تعداد زائرین این بزرگان آشکار است که به عنوان مثال آثار مربوط به ائمه(ع) چقدر مورد اقبال قرار خواهد گرفت اما به شرطی که به گونه‌ای حرکت کنیم که سوء تفاهم و اشتباهی صورت نگیرد و نکات مربوط به تولید این گونه آثار رعایت شود.

وی سپس با بیان اینکه باید امکانات خوبی در اختیار سازندگان آثار تاریخی و دینی گذاشته شود تا بتوانند آثار فاخری ارائه بدهند، خاطر نشان کرد: به هر حال فیلم‌سازان ما ثابت کرده‌اند که وقتی امکانات خوب در اختیارشان باشد و مدیریت فرهنگی کشور با آن‌ها همراه بوده، آثار فاخری در حوزه دین و تاریخ ساخته‌اند.



به نظر همه ارگان‌ها از قبیل شهرداری، اداره مالیات و ... باید برای ساخت آثار تاریخی و دینی همکاری داشته باشند و ساخت این گونه آثار با نظارت دقیق انجام شود. به ویژه اداره مالیات و شهرداری باید با فیلم‌سازان بیشتر همکاری کنند؛ چون زیبایی یک شهر فقط به داشتن درخت، پارک‌های خوب و خیابان‌های شیک و تمیز



گرامی‌شان حضرت معصومه (س) تولید اثر داشته باشیم، خاطر نشان کرد: ما با موضوع امام رضا (ع) خیلی کم کار کرده‌ایم. در تلویزیون که فقط «ولایت عشق» را داشتیم. ما به عنوان مسلمان که این قدر به امام رضا (ع) و همین طور خواهر بزرگوارشان ارادت داریم، اما آیا در این حوزه برایشان کاری انجام داده‌ایم؟ ما می‌توانیم از شخصیت امام رضا (ع) آثاری بسازیم که ایشان را بیشتر به ادیان دیگر معرفی کنیم. امیدوارم واقعا در حوزه سینما و تلویزیون بیشتر به ائمه معصومین (ع) و من‌الجملة امام رضا (ع) توجه شود.

این هنرمند بیان کرد: متأسفانه تماشاگر امروز ما از قصه‌های مربوط به زندگی ائمه (ع) خیلی خبر ندارد و تعداد مخاطبان امروزی که اطلاعات کامل از زندگی این شخصیت‌ها داشته باشند، اندک است. در واقع مخاطب اول باید این احساس را داشته باشد که یک فیلم داستانی جذاب می‌بیند و در آخر متوجه شود فلان فیلم درباره یکی از شخصیت‌های دینی و فلان بزرگ بوده است. این ارتباط برقرار کردن خیلی مهم است و اینکه پیام اصلی ما در پایان به مخاطب به نحوی القا شود که داستان برایش جذابیت داشته باشد، نیز تاثیرگذار است، در واقع برخورد اولیه باید با خود قصه صورت بگیرد و به قول معروف تماشاگر را پای منبر نشاند و سپس هدف را منتقل کرد.

عبدلی تأکید کرد: مسئله اصلی در این گونه قصه‌ها همین جذابیت است که تماشاچی در گام نخست احساس کند کاری که تماشا می‌کند به دور از شعارزدگی است. ما تریبون‌های مختلفی برای این کار داریم که همه در جایگاه خودشان قابل تقدیر هستند اما سینما به سبب جذابیتی که دارد، برای مخاطب عام معقول‌تر است، به همین خاطر جذابیت حرف اول را می‌زند به شرطی که تاریخ‌مان را تحریف نکنیم. ما یک سری داستان‌ها و اتفاقات در تاریخ کشورمان داریم که هیچ کس نمی‌تواند کاری با آن‌ها بکند؛ چون معتبر هستند و ثبت شده‌اند ولی یک سری داستان‌های دیگری هم داریم که معمولاً از طریق ما هنرمندان اضافه می‌شود که جذابیت‌های خودشان را دارند و به نوعی نمک و فلفل کار محسوب می‌شوند اما اصل تاریخ نباید تحریف شود.

این بازیگر سینما و تلویزیون که به گفته خودش اکنون مشغول بازی در سریال «سر دلبران» محمدحسین لطیفی است، در پایان درباره چرایی اقبال کم سینمای تاریخی و دینی‌مان در سطح بین‌الملل توضیح داد: این اتفاق دلایل مختلفی دارد که یکی از آن‌ها این است که دنیای شیعه نسبت به مذاهب دیگر کوچک‌تر است و ادیان دیگر تعدادشان زیاد است. اما به عنوان مثال آدمی مثل زنده‌یاد مصطفی عقاد که فیلم حضرت محمد (ص) را ساخت، واقعا کارگردانی بود که مورد قبول همگان بود و این کار را به نحوی ساخت که همه دوست داشتند. این کار هوش و ذکاوت زیادی می‌خواهد تا تماشاچی احساس کند در کاری که نگاه می‌کند، چیزی علیه او نیست و به کسی هم توهین نمی‌کند. ما در مجموعه امام علی (ع) نیز این مشکل را داشتیم که در نهایت بخش‌هایی از کار حذف شد. ●

نیست، بلکه باید آثار فاخری هم تولید شود.

وی ادامه داد: ما باید بتوانیم به عنوان مثال از درآمدهای مالیاتی‌مان روی آثار فاخر سرمایه‌گذاری کنیم و یا اداره مالیات در صد معافیت خوبی به آثار تاریخی اختصاص بدهد؛ چرا که ساخت آن‌ها واقعا هزینه‌بر است. در مجموع ما برای موفقیت در این عرصه به یک مدیریت خاص و انسجام نیاز داریم و تا زمانی هم که این اتفاق نیفتد اتفاق مثبتی نمی‌افتد. به عنوان مثال باید بیشترین امکانات به داوود میرباقری داده شود؛ چرا که واقعا ثابت کرده کارهایش چقدر تاثیرگذار است. چرا ما نباید با کشورهای دیگر همکاری‌های مشترک داشته باشیم و این مسئله در کشورمان جا بیفتد و نگاه بدی به آن نشود؟ بازیگران ما هم مثل تاجران، پزشکان و فوتبالیست‌های کشورمان می‌توانند بین‌المللی کار کنند اما آیا واقعا این طور است؟

زندگانی همچنین پیرو همین بحث درباره اینکه چرا سینمای تاریخی و دینی ما در سطح بین‌الملل از اقبال کمی برخوردار است، تصریح کرد: به هر حال باید این نکته را در نظر گرفت که سینمای بین‌الملل ما دست یک گروه خاصی است که فرض مثال وقتی وارد بحث تاریخی و دینی می‌شویم ممکن است امکانات کافی در اختیارمان گذاشته نشود؛ ضمن اینکه ما در داخل کشور به اندازه کافی سینما نداریم و همین مسئله نیز باعث می‌شود تا آثاری مثل فیلم مجید مجیدی با کیفیت بالا و وجود اسپانسرهای زیاد آنقدر سر و صدا نکنند.

این هنرمند در پاسخ به اینکه سینما در پرداخت به شخصیت‌های دینی و ائمه باید از چه زبانی استفاده کند تا با مخاطب امروز ارتباط بهتری برقرار کند، خاطر نشان کرد: فکر می‌کنم آثار آقای میرباقری الگوی بسیار مناسبی در فضای سینما و تلویزیون است، یعنی نوع دیالوگ‌نویسی و ادبیات کاروی بسیار مناسب است و تاکنون آثارشان هم توانسته ارتباط خوبی با مخاطب برقرار کند چون مخاطب را درگیر دیالوگ‌های دشوار و سنگین نمی‌کند و در عین حال آثارشان همیشه از جذابیت برخوردار است.

امین زندگانی در پایان صحبت‌هایش در پاسخ به اینکه معرفی شخصیت‌های دینی و تاریخی در مدیوم سینما باید از چه طریقی صورت بگیرد تا در عین حفظ جذابیت، از تحریف تاریخ نیز پرهیز شود، اظهار کرد: به اعتقاد من اولین دلیل جذابیت در کارهای تاریخی به ویژه آثار دینی و ملی این است که باید هزینه درستی برآورد شود و تهیه‌کننده با دست پر وارد ماجرا شود و همچنین نظارت مالی درستی انجام بگیرد تا تصاویر، دکور و ابزار مربوط به کار را درست و خوب به تصویر بکشیم. همین طور که گفتیم ابزار تاریخی واقعا گران است و برای طبیعی بودن کار باید حتماً از اصل آن‌ها استفاده شود و باید هزینه کنیم. دومین مسئله در این زمینه این است که ما چطور به تاریخ نگاه کنیم. متأسفانه گاهی هویت اثر گم می‌شود و مشکلاتی پدید می‌آید. متأسفانه در ساخت آثار دینی و تاریخی وحدت نظر دقیقی وجود ندارد و هر کسی نظر خودش را می‌دهد، از طرفی دیگر نیز تعصبات جامعه هم مزید بر علت می‌شود که همین موضوع آثار را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

شهرام عبدلی بازیگر مجموعه‌های «طفلان مسلم»، «مختارنامه»:

چگونه امام رضا (ع) را دوست داریم اما کاری برایشان نکرده‌ایم

شهرام عبدلی با تأکید بر اینکه باید شخصیت‌های بزرگی مثل امام رضا (ع) برای سایر ادیان شناسانده شود، گفت: همه ما امام رضا (ع) را دوست داریم و ایشان را برای خودمان سنبُل و نماد می‌دانیم اما در حوزه سینما و تلویزیون برایشان چه کار کرده‌ایم؟

بازیگر مجموعه‌های «طفلان مسلم»، «مختارنامه»، «تبریز در مه»، «معمای شاه» و ... در پاسخ به اینکه چقدر لازم است در فضای سینما و تلویزیون درباره شخصیت‌هایی مثل امام رضا (ع) و خواهر



تولید انیمیشن «غفلت» در هنرهای تصویری حوزه هنری لرستان



انیمیشن «غفلت» با موضوع اجتماعی سیاسی در واحد هنرهای تصویری حوزه هنری لرستان تولید شد.

به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی حوزه هنری لرستان، این انیمیشن که ۶ دقیقه تأیید دارد با تکنیک سه بعدی ساخته شده و سعی دارد تا موضوعی سیاسی اجتماعی را با زبانی کودکانه بیان کند.

مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری لرستان ضمن تمجید از انیمیشن سازان جوان لرستانی گفت: انیمیشن «غفلت» نمونه‌ای خوش ساخت از تکنیک سه بعدی است که در آن علاوه بر بهره‌گیری از طراحی‌های زیبا و چشم نواز کارکترها، حرکت‌ها بسیار نرم و روان به نظر می‌رسند بطوریکه به راحتی می‌توان به لحاظ فنی آن را با انیمیشن‌های روز دنیا مقایسه کرد.

شاهوردی در ادامه با اشاره به محتوای این انیمیشن افزود: مفهوم انیمیشن غفلت بر مبنای ایده‌ای خلاقانه شکل گرفته که موضوعی سیاسی اجتماعی را در چند لایه معنایی بیان می‌کند بطوریکه بیننده می‌تواند از لایه‌های بیرونی که زبانی کودکانه دارد عبور کرده و با لایه‌های معنایی عمیق‌تر آن ارتباط برقرار کند.

این انیمیشن در ابتدا نقاشی زیبایی را از چشم‌انداز یک منظره بر روی صفحه‌ای به تصویر می‌کشد که با تماشای مداد رنگی‌های مختلف ایستاده در کنار آن در می‌یابیم که کار مشترک تمامی رنگها است. اما ناگهان مداد تراش پیر از راه می‌رسد و با تحریک مدادهای مختلف به اینکه سهم رنگ آنها در تصویر کافی نبوده است آنها را به جان هم می‌اندازد. مدادهای رنگی به صفحه نقاشی هجوم می‌برند و هر کدام سعی می‌کنند رنگ بیشتری از خود بر روی صفحه بجا بگذارند و با تراشیده شدن هر بار کوچک و کوچکتر می‌شوند در پایان تصویری مغشوش و بهم ریخته از نقاشی در کنار مداد رنگی‌های تمام شده و نیمه تمام بر جای می‌ماند. داستان این انیمیشن روایت کشورهای کوچکتری است که سالهاست استکبار جهانی آنها را به بهانه‌های مختلف به جان هم می‌اندازد و در نهایت از مناظر زیبای سرزمین شان جز ویرانه‌ای بر جای نمی‌ماند. این انیمیشن تصویری اندوهناک از وضعیت سرزمین‌های اسلامی است از سودان و لیبی تا عراق و شام که غفلت مردم و حاکمان شان به همراه دسیسه‌های استکبار تصویری مغشوش و بهم ریخته از سرزمینشان در مقابل دیدگان جهانیان بر جای گذاشته است.

انیمیشن «غفلت» به کارگردانی سارا علیزاده دومین انیمیشنی است که در سال ۹۶ در واحد هنرهای تصویری حوزه هنری لرستان تولید شده است. ☺



فیلم کوتاه «بازهم سکوت»
تولید حوزه هنری خراسان رضوی به بخش
مسابقه دوازدهمین
جشنواره فیلم کوتاه رضوی راه یافت

برداشت کوتاه - خانه فیلم سازان خراسان شمالی
اکران و تحلیل فیلم «هول»
با حضور کارگردان فیلم: حمید صادق پور
سه شنبه ۱۷ مرداد ۹۶ ساعت ۱۸ / سالن سوره حوزه هنری
خراسان شمالی



برداشت کوتاه - خانه فیلم سازان خراسان شمالی
اکران و تحلیل فیلم «بز خر»
با حضور کارگردان فیلم: حمید صادق پور
سه شنبه ۱۷ مرداد ۹۶ ساعت ۱۸ / سالن سوره حوزه هنری
خراسان شمالی

پخش چهار فیلم از مجموعه فیلم های جشنواره ی رویش در دومین جلسه ی پخش فیلم در یاسوج

چهار فیلم از مجموعه فیلم های جشنواره رویش توسط جلسه پخش فیلم حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد پخش و مورد نقد و بررسی قرار گرفت. به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد مدیر واحد هنرهای تصویری این مرکز گفت: در این جلسه، چهار فیلم «هفت سنگ» ساخته فاطمه دستمرد، «علمک» ساخته حسین دارابی، «اشک مادر» ساخته موسی خانزاده و «اولین شب» زمستان ساخته آرش رفیعی پخش شد. اسحاق آقایی اضافه کرد: جلسات پخش فیلم و نقد و بررسی سینمای ایران با حضور علاقه مندان به فیلم از اهم برنامه های این واحد در سال جاری است. جلسات پخش فیلم حوزه هنری هر هفته برگزار می شود.

فیلم کوتاه زیارت در اولین برنامه «چهارشنبه فیلم» حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد



فیلم کوتاه زیارت در اولین برنامه «چهارشنبه فیلم» حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد با حضور علاقه مندان به فیلم کوتاه اکران شد. به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد مدیر واحد هنرهای تصویری این مرکز گفت: به همت واحد فیلم حوزه هنری استان فیلم زیارت ساخته محمود غفاری و نوشته محمود غفاری و شبنم حسینی با حضور علاقه مندان اکران و مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

اسحاق آقایی افزود: در این فیلم مهراں رجیبی، سکینه جلالی، نورمحمد پرهیزگار، محمد براتی، علی حیدری، یوسف حشمت نقش آفریدند. وی در پایان گفت: این فیلم از آثار منتخب جشنواره فیلم کوتاه رویش است و اثری معناگرا است که به زندگی مرد میانسالی می پردازد که از مردم برای بردن آنها به زیارت پول دریافت می کند. البته در این راه سوء استفاده های مالی نیز از مردم می کند. در یکی از روستاها پیرزنی هست که باوجود علاقه شدید به زیارت رفتن پول کافی را برای این سفر ندارد.

برنامه «چهارشنبه فیلم» همراه با جلسه ی نقد و بررسی و پرورش ایده قرار است هر هفته روزهای چهارشنبه توسط واحد هنرهای تصویری حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد برگزار شود.

نشست «سینمای ایران در بوته نقد منتقدان» در حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد برگزار شد

مدیر واحد هنرهای تصویری حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد گفت: سومین نشست فیلم این مرکز با حضور علاقه‌مندان به فیلم و سینما برگزار شد. به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد؛ اسحاق آقایی اظهار داشت: برنامه نقد و بررسی آثار سینمای ایران از جمله برنامه‌هایی است که در سال جاری توسط این واحد پیش‌بینی شده است و قرار است در این نشست‌ها فیلم‌سازان و علاقه‌مندان به نقد و بررسی سینمای ایران بپردازند.

وی افزود: تاکنون سه نشست در این حوزه برگزار شده است که در این نشست‌ها برخی از آثار فاخر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. آقایی در ادامه گفت: در سومین نشست فیلم این مرکز چهار فیلم «با جماعت» از هادی نادری، «پنج دقیقه تا پایان» از علی رضا سلمان پور، «دور یا نزدیک» از محمد حمزه‌ای و «مدرسه و چند روایت معتبر از کلاس سوم ب» از محمد صادقی‌اکران و مورد نقد و بررسی قرار گرفتند. گفتنی است این نشست‌ها به صورت هفتگی و با حضور فیلم‌سازان و هنرجویان فیلم‌استان برگزار می‌شود.



موسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم میکند.



امین حیایی
AMIN HAYAEI

روشنک گرامی
ROSHANAK GERAMI

کارگردان و تهیه کننده:
علی اکبر ثقفی

رویا نونهالی
ROYA NONAHALI

پژمان بازغی
PEZHMAN BAZEGBI

هیلن

HELEN

فیلم سینمایی



هوتن شکبیا / ستاره پسیانی / مهرداد فلاح گر

نویسندگان فیلمنامه: امیرحسین ثقفی، شاره سروش / مدیرفیلمبرداری: فرشاد گل سفیدی / تدوین: مستانه مهاجر / طراح صحنه و لباس: شاره سروش
صدابرداری: محمد حبیبی / صداگذار: حسین ابوالصدق / موسیقی: آریا عظیمی نژاد / طراح چهره پردازی: محمدرضا قومی

سرمایه گذاران: علی اکبر ثقفی، مستانه مهاجر، پوپک کم گویان

سalam
www.salamcinema.ir

کارگردان سید محمد رضا خردمندان
تهیه کننده محمد رضا شفا

بیست و یک روز بعد

Twenty-one Days Later

Twenty-one
Days Later

[illegible]

حسین شریفی
سپهنا رافزانی
جلال فاطمی
رقیبا اسنادی

پہمق سبیز

